

اسناد "سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر" سالهای ۱۳۶۰ - ۱۳۶۵

Site „Asnad Razmadegan 1360- 1365“: <http://www.dialogt.org/razmandegan>  
از رفیق داریوش کائیدبور



## ساحت اقتصادی ایران

### حلد اول

از انتشارات:

رزمندگان آزادی طبقه کارگر

# ساخت اقتصادی ایران

این سادداشت‌ها که خطوط‌کلی ایده‌های ما را بصورت استدلالی و اثباتی ارائه میدهد در شرایط دشواری تنظیم شده است . از این رو خواه ناخواه ما قادر به نویضح بعضی مسائل بیچیده‌تر بطريق مطلوب نبوده‌ایم . با این وجود تا آنجا که به خطوط‌کلی و اساسی این ایده‌ها بر می‌گردد، همه مطالب بیان شده است . در بررسی هر بدبده ناریخی معین و از جمله سرمابه‌داری وابسه ایران، تاریخ بدبده جای مهمی را اشغال می‌کند . این تاریخ همانا زمینه عمومی و گسترده تکامل بدبده مورد نظر را منعکس می‌سازد . ما تکامل بدبده را لاینقطع بصورت جریانی پبوسته مورد نوجه قرار میدهیم و خودبخود این زمینه عمومی و گسترده یا عبارت دقیق‌تر " شرایط "، هم درون و هم بیرون بدبده را در بر می‌گیرد . فصل سدی عمومی مطلب مورد بحث نیز از همین جاست . ما ابتدا پیدایش سرمایه‌داری و استقرار نهائی آن در ایران و سپس خود آن را در پرتو گذشته و حالت بررسی می‌کنیم . مارکس در فصل ۲۵ کاپیتال، هنگامیکه به بررسی انباست اولیه سرمایه در اروپا می‌پردازد، از الوان و رنگ‌های مختلف این انشاشت و یا تمام اولیه تحت شرایط گوناگون سخن می‌گوید . این الوان و رنگ‌ها پیش از هر جیز جلوه مشخص، عام یا تجلی خاص آن هستند : آنچه که

تاکنون راجع به ایران علیرغم وجود منابع و مأخذ کافی جهت بررسی، کمتر از هر چیز بطور علمی و مارکسیست - لینینیستی مورد مذاقه قرار گرفته است . ما کار خود را در این نوشته بر این مبنای قرار داده‌ایم و تلاشمان نه توضیح سرمایه - داری بطور عام و یا انباشت و پیدایش سرمایه‌داری بطور کلی ، بلکه نشان دادن آن بطور کنکرت در جامعه ایران می‌باشد، تا از پرتو آن بتوانیم مستقیماً و ظایف تاریخی پرولتاریا و ظایف مشخص آنرا در ایران ارزیابی و تعیین کنیم . بهمین علت بحث ما هر چه مشخص‌تر می‌گردد از زوایای آکادمیک و مباحثی که علیرغم اهمیت فرعی خود قادر به راهگشائی امر خاصی در مبارزه طبقاتی نمی‌باشد، بری می‌شود و هرچا ضروری باشد در این مورد منابع مورد نظر تنها معرفی خواهد شد . هرگاه به آنچه گفتیم توجه شود در می‌بایسیم که با وجود کاری که اکنون در برابر شما قرار می‌گیرد، وظیفه دشوار دنبال کردن بسیاری از مسائل هم چنان بجای خود باقی است که ما انجام آنرا به وقت مناسب‌تر و موقعیت بهتری محول می‌کنیم .

## ۱- انباشت بدوى سرمایه در ایران

جامعه ایران در قرن نوزدهم همچنان در مرحله فئودالیسم قرار دارد . در آن دولت فئودالی با سیستم تیولداری و تمرکز آسیائی حاکم است (دولت قاجار) که حافظ اصلی و در عین حال بخش مهمی از مالکان فئودال را تشکیل میدهد . سیستم اداری و نظامی کشور اساساً فئودالی بود . دسپوتیسم شرقی از کانال این ادارات (که در واقع "اداره " نمی‌باشد) و این تشکیلات نظامی (که در واقع ارتش پراکنده خوانین و سران ایلات و عشایر است ) اعمال می‌گردد .

شهرهای ایران ، بنا بر مدارک موجود بکلی از لحاظ جمعیت کاهش شدیدی را نشان میدهند . فعالیت اقتصادی در شهرها (که ذیلاً بطور خلامه تشریح می‌گردد) تولید خرد کالائی ، تجارت و تولید مانوفاکتوری بسیار محدود را در بر می‌گیرد . چه اشکال حکومتی چون نادرشاه و قاجار و چه گسترش وسیع نفوذ سرمایه‌داری جهانی در ایران آثار و علائم توسعه آزادانه نیروهای مولده را از میان برده‌اند . مقایسه اواخر دوران حکومت صفویه با این مرحله اثربرات و

و نتایج حمله افغانها و سلطه عشایر و سران آن را بر حکومت مرکزی، در رشد تولیدات داخلی بخوبی نشان میدهد. مابدون آنکه این مقایسه را انجام دهیم و تنها با ارجاع خواننده به تاریخ عصر صفوی بدین سو بحث خود را از همین جا آغاز می‌کنیم.

پروسه پیدایش و تکامل سرمایه‌داری اساساً چیزی نیست مگر پیدایش و قرار گرفتن دو قطب متفاوت در برابر یکدیگر: قطب نیروی کار آزاد شده و قطب سرمایه و سایل تولید متمرکز شده در دست عده‌ای قلیل. در سطح معینی از تکامل نیروهای مولده پیوسته این روند دوگانه، یعنی روند انباشت اولیه سرمایه است که پایه‌های سرمایه‌داری را می‌ریزد. پیدایش نیروی کار آزاد در جامعه فئodalی روبه‌زوال بمعنای آنست که تولیدکنندگان کوچک و دهقانانی که به زمین و فئodal وابسته‌اند از وسائل تولید خود جدا شوند. بعبارت دیگر خلع ید تولیدکنندگان کوچک و بلاواسطه از وسائل تولیدکنندگان پایه پیدایش نیروی کار آزاد است. این روند خود مبتنی است بر تغییر شیوه تولیدی بطور تدریجی و پیدایش اشکال جدید تولید که بتواند تولیدکوچک را بتدریج مقهور و مغلوب خود سازد و آنرا پیوسته از صحنه اصلی تولید بیرون براند: یعنی کارآئی نیروهای مولده افزایش می‌یابد. و این امریست که مستقیماً با تمرکز ثروت و سرمایه و نیروهای مولده در دست عده‌ای قلیل متناسب است. در حالی که قدرت این عده قلیل در تمرکز وسائل تولید و خارج کردن تولیدکنندگان کوچک شهر و ده از عرصه مالکیت وسائل تولید افزایش می‌یابد. خیل انبوه خلع ید شدگانی که آماده اجیرشدن توسط سرمایه‌اند، نیز بوجود می‌آید.

مارکس می‌نویسد:

"پس انباشت بدوى سرمایه، یعنی پیدایش تاریخی آن به چه می‌انجامد؟ تا آنجا که این انباشت از تبدیل مستقیم برداگان و سرفها به کارگران مزدور ناشی نمی‌شود ولذا صرفاً تغییر شکل، انباشت بدوى سرمایه جز خلع بد تولیدکنندگان مستقیم، یعنی انحلال مالکیت خصوصی مبتنی بر کار شخصی، معنای دیگری ندارد."

(مارکس-کایپیتال، ص- ۶۸۹)

" در ناریح انباشت بدوى همه آن دگرگونیهای که بمتابه  
اهرم برای طبقه نوخارسته سرمایه دار بکار مبروند از  
لحاظ تاریخی دورانسازند ولی بیش از همه آنها، لحظانی  
اهمیت دارند که توده‌های بزرگ انسانی ناگهان سوز  
وسائل امراض معاش خود کنده شده و چون برولتاریای  
مسلوب الحق بر روی بازار کار فرو ریخته می‌شوند. خلیع  
ید تولیدکنندگان روسنایی سعنی دهفانان از ملک و زمین  
خوش، پایه و منای نمام پروره را تشکیل می‌دهد."

( مارکس - کایپیال ، ص ۶۴۹ - ۶۵۰ )

با به عمومی سطح این شرایط همانا گسترش مبادله کالائی، تقسیم کار میان شهر  
و ده و بسط رابطه آنها براساس مبادله در سارارو پیدایش تجارت رویه رشد و  
وسع جهانی است .

" گردش کالائی سرآغاز سرمابه است . تولید کالائی و دوران  
رشد یافته کالاهای عیی بازگاسی تشکیل دهنده آن وسایط  
تاریخی هستند که سرمایه در مبان آن بوجود می‌آید .  
تجارت جهانی و بازار جهانی در فرن شانزدهم تاریخ  
زندگی جدید سرمابه را می‌گشایند ."

( مارکس - کایپیال ، ص ۱۶۲ )

تجارت نعش تاریخی برجسته‌ای در پیدایش سرمابه بعده می‌گردد . از هنگامی  
که تجار بمتابه کسانیکه محصولات تولید کوچک بیشه‌وران و سولیدات دهقانی  
را مبادله می‌کنند و واسطه آن در سطح شهرها، روابط شهروده و جهانی قرار  
می‌گیرند، آنان در واقع سمتابه اشکال اولیه، نطفه و بدر سرمابه تظاهر می‌کنند .  
زیرا گسترش مبادله و تقسیم کار سرانجام سرمایه تجارتی و ربائی را ( که در  
اینجا عنوان دستبار تجارت و مبادله عمل می‌کند و آنرا تسریع و نسبیل  
می‌نماید ) به نظرات بر کار بیشه‌وران و تولیدکنندگان خرد و واداشتن آنها  
به همکاری ساده و نفیسم کار مانوفاکتوری سوق می‌دهد، تاجر به خلیع سدار  
تولیدکنندگان کوچک می‌بردازد . محصول دهقانان و بیشه‌وران و سپس دستگاه  
تولید آنها را از مالکیت آنها خارج ساخته و روند نوین، بعنی شکل‌گیری

سرمایه صنعتی را در پیش میگیرد و به پیدایش آن از طریق گسترش بازارور شد  
پیشه‌وران مرفه یاری میرساند .

"از لحاظ تاریخی، سرمایه همه جا در برابر مالکیت ارضی

بدوا بشکل پول، بمثابه دارائی نقدی ، سرمایه تجاری

و سرمایه ربانی قرار میگیرد . " ( همانجا - ص ۱۶۲ )

از لحظه‌ای که این اشکال بدوی سرمایه موجودیت می‌یابند و سیعاً اقتصاد پراکنده و تولید کوچک شهر و ده را به یکدیگر پیوند میزنند، در واقع پایه‌های انهدام فئودالیسم را فراهم می‌سازند .

" شالوده اقتصادی جامعه سرمایه‌داری از ساختمان اقتصادی

جامعه فئودال بیرون آمده است . انجام این ساختما

عناصر آن شالوده را آزاد ساخت . "

( همانجا - ص ۶۴۸ )

" سرمایه " حتی در شکل بدوي خود به مجرد پیدایش ، به دگرگون کردن مناسبات فئودالی می‌پردازد . " زمین " وارد مبادله می‌شود ، محصول کار دهقان به بازار کشیده می‌شود . فئودالها خود به بازار بستگی می‌یابند و بهره نقدی را جایگزین اشکال کهن می‌سازند . تولید کشاورزی بتدریج با پیدایش بازار و تقاضاهای گوناگون چه در سطح جهانی و چه در سطح محدود داخلی سمت و سوی تولید برای مبادله و تولید برای منابع یا دقیقت تولید محمولات صنعتی را بخود می‌گیرد . جامعه یکسره روند نوینی را در پیش میگیرد که تا " انقلاب صنعتی " توسعه می‌یابد . این روند است که با دهها شکل و بطرق مختلف سرانجام پروسه خلع ید را به چنان درجه‌ای از تکامل میرساند، شرایط عمومی مبادله و بازار داخلی را چنان بسط میدهد و وسائل تولید را آنچنان تکامل می‌بخشد و سرمایه را در دست عده قلیلی متمرکز می‌سازد که سرانجام تولید نوین، وجه تولید نوین سرمایه‌داری بر کلیه انکال عقب افتاده فئودالی و انتقالی غلبه کرده و جامعه در واقع مرحله انباشت بدوي خود را پشت سر می‌نهد . مارکس سرتاسر این پروسه را چنین تشریح می‌کند :

" پول و کالا نه از ابتدا سرمایه هستند و نه وسائل تولید و

معیشت . لذا می‌بایستی بصورت سرمایه درآیند . ولی

" خود این تبدیل فقط تحت شرایط معینی امکان پذیر است . آن شرایط را میتوان بقرار زیر خلاصه نمود : دارندگان دونوع کالای بسیار مختلف میباشد در مقابل یکدیگر قرار و با هم تماس بگیرند، یعنی از یکسو دارندگان پول و وسائل تولید و معیشت که بمنظور بارور ساختن مبلغ ارزش دار خود نیروی کار متعلق به غیر را خردبارند، و از سوی دیگر کارگرانی آزاد ، که فروشنده نیروی کار خویش ولذا فروشنده کارند . کارگران آزاد به این دو مفهوم است که نه خود مانند بندگان و سرفها وغیره مستقیم جزئی از وسائل تولید مانند، نه آنکه مانند دهقانان مستقل و امثال آن وسائل دیگر از آن خود داشته باشند . یا بعبارت دیگر تا سرحد امکان ارجوچه رنگ متعلق میپذیرد، آزاد و از آن حیث بقیدو مجرد باشند . با این قطب بندي در بازار کالا شرایط اساسی تولید سرمایه داری وجود یافه است " .

( کاپیتال ، جلد ۱ ، ص - ۶۴۸ )

این روند همانگونه که قبل اشاره کردیم ، در ایران باید بطور مشخص مورد بررسی قرار گیرد . خصلت عام روند ، در اشکال خاص تکامل جامعه ایران و در شرایط عمومی که ایران هنگام طی چنین یروسهای در آن قرار داشت ، موجبات تمایزات و تفاوت های را در شکل گیری ابتدائی و بعدی سرمایه داری فراهم آورده است . در اینجا کافی نیست که ما نشان دهیم در طی سالهای ۱۸۹۰ به اینسو با سرعت بسیار پیوسته ارتشی از نیروی کار آزاد از " هرجه رنگ متعلق یزدبرد " و عده ای قلیل از " صاحبان سرمایه " وجود داشته اند . یا بازار داخلی را به پیدایش بوده است و ابعاد تجارت روز بروز بیشتر گسترش یافته است . ما باید بتوانیم خصلت و رنگ مشخص این روند را در ایران با اتنکاء به واقعیات موجود نشان دهیم . وجوه تمایز اینگونه انباست اولیه را که در سرتاسر روند بعدی مهر خود را بر پیشانی تکامل جامعه محفوظ نگاه داشته است ، بیابیم . این تاریخ خلیع ید است ، اما :

" تاریخ این خلیع ید در کشورهای مختلف بر رنگهای گوناگون

آراسته است و مراحل دگرگونه‌ای را با ترتیبات متفاوت در دورانهای تاریخی مختلف طی کنند . " (همانجا، ص - ۶۴۹ )

این "رنگهای گوناگون" و "مراحل دگرگونه" در ایران چه بوده‌اند؟ کدام مشخصات متمایز تاریخی از ابتدای آغاز این روند حضور داشته‌اند و تاثیر این مشخصات در خود روند چگونه بوده است؟ آیا آنرا تسريع کرده، کند نموده و یا موجب تغییر شکل خاصی در آن گردیده است؟

\*

\*

\*

در آغاز قرن نوزدهم، ایران همچنان کشوری فئودالی است که بنا به حکایت آمار ۷۵٪ جمعیت آنرا روستائیان و اقوام چادرنشین تشکیل میدادند. جمعیت روستائی بطور کلی در شرایط قرون وسطائی بسیار می‌بردند. مالکیت ارضی در روستا در اشکال زیر موجود بود:

۱- اراضی خالصه یا اراضی دولتی .

۲- اراضی اشراف و نجبا ، فرماندهان ارتش و رهبران ایلات و قبایل .

۳- اراضی موقوفه یا اراضی اماکن مقدسه و مذهبی .

۴- املاک اختصاصی یا اربابی .

۵- اراضی خرده مالکان یا اراضی مشترک . "

(تکوین سرمایه‌داری در ایران ، محمد رضا فشاھی، ص - ۱۶۷ )

در کلیه انواع مالکیت یک تا چهار ، زمینها در دست فئودالها و مالکین متصرف بود. در حالت چهارم زمینها قابل خرید و فروش بود. صاحبان زمینها که بطرف مختلف از قبیل اهدایی دربار ، استقرار موقعیت تیولداری خرد و غیره صاحب این زمینها شده بودند، در ازای پرداخت چند درصد عایدی به دولت ، از زمین‌ها بهره برداری می‌کردند. زمینهای خرده مالکی نیز زمینهای بودند که در مالکیت دهقان بود و زمینهای مشترک میان دهقانان تقسیم می‌شدند و آنها حق بعده برداری از این زمینها را در برابر پرداخت انواع مالباتها داشتند (نسق بندی) . بزرگترین مالک دولت بود و زمین منبع اصلی در آمد دولت محسوب می‌شد. بطور کلی بعدهای مالکانه در اشکال مختلف از دهقانان اخذ می‌شد و هرگاه تنوع بی‌پایان اشکال مختلف این بعدها را که بیش از ۵۰٪ تا ۱۰۰٪

محصول را در بر میگرفت از نظر دور داریم ، اشکال اصلی بهره به صور زیر  
اخذ می شد :

- ۱ - مالیات دولتی .
- ۲ - بهره مالکانه با اجاره زمین به مالکان و دولت .
- ۳ - مالیات های فوق العاده ( و متعدد ) .
- ۴ - بیگاری .

استثمار دهقانان که گاه هرچهار شکل را در بر میگرفت به خانه خرابی و سیع آنان منجر میگردید . تقسیم محصول میان مالکان و دولت بر اساس " عوامل تولید " ، تولید دهقانان را به خود اختصاص داده و آنان را در فقر عمومی نگاه میداشت . دهقانان موظف بودند برای شاه و فئودال سیورسات و هدبدهای مختلف بفرستند ، خرج لشکرکشی ها را سپردازند . بیگاری بدنهنده ، مالیات گاو ، گوسفند و حتی مرغ و غیره بدنهنده . برای درک ابعاد کلی این استثمار تنها کافیست بدانیم در این دوره :

" مالیات بر زمین منبع اصلی درآمد دولت است . املاک مذهبی و املاک تیولی از پرداخت مالیات معاف هستند ولی سایر املاک مشمول پرداخت مالیات میشوند . در سرزمینی که عایدات زراعی به آب بستگی دارد میزان مالیات بسته به جنس محصول و مقدار آب نقدا یا بطور جنسی پرداخت میشود . "

( لرد کرزن - ایران و قضیه ایران ، نقل از تکوین سرمایه داری در ایران )

هانری رنه آلمانی در سفرنامه خود می نویسد که :

" در اوایل قرن بیستم سهم مالک از محصول گاهی اوقات تا هشت دهم می رسد به است . " ( همانجا )

دهقانان از فرط فقر و فاقه دست به فروش فرزندان خود یا فرار به شهرها و گاه کشورهای دیگر می زدند . تصویر زندگی رقت بار این دهقانان در سرتاسر قرن نوزده رو به تیرگی می رود . گسترش بازار داخلی بتدريج پای بورژوازی تجاری را به خريد و فروش اراضی میکشاند . ما در بخش بعدی همین يادداشتها اثرات و دلایل این هجوم بورژوازی را به عرصه مالکیت ارضی توضیح خواهیم داد . ایس

بررسی همراه با فروشن زمینهای دولتی در اوخر فرن نوزدهم توسط دولت به  
مجار، خانه خراسی دهفانان، موروثی کردن زمینهای نیولداری بدریح دست  
خرده مالکان را از زمین کوناه نمود. مجدلاً اسلام کرمانی در انقلاب مشروطیت  
بران می‌نویسد:

دست رعایا و مردمان ضعیف از ملکداری بریده شد. یا  
گذاشند و گذسند و با به گردن کلفنی به بهای نازلی  
فروختند و یا ملک خود را تحت حمایت یک آدم متخصص  
قرار دادند و کمک آن شخص مالک شد یا همسایگان فسوی  
پیجه برای ضمیمه کردن آن ملک به املاک خود اسباب  
چیزی کرده و آن سیجاره را آواره نمودند. مثلاً فلان امبر  
بک قطعه از سیصد قطعه بک مزرعه را می خرد و کم کم  
سایر مالکین را به انواع صدمات مبتلا مینماید نا ملک  
خود را ره‌آکنند.

(مجدالاسلام کرمانی، انقلاب مشروطیت ایران، جلد یک  
ص - ۱۷۵ )

ممکن از عده روستاهای خردۀ مالکی کاسته مشد . اما خرید زمین‌ها توسط تجار بعضی روحانیون و گسترش زمین‌های ملاکان فئودال به پیدایش سورژواری ملاک کسبده شد . این امر با توجه به ساختمن کلی و شرایط عمومی جامعه شهر خاصی بر روند بعدی تکامل اقتصادی جامعه نهاد .

نفایسه کل مالیات اخذ شده در سال ۱۸۳۸ با سال ۷ - ۱۸۸۶ (نقدی و جنسی) مخوبی دامنه فشار و استثمار دهفانان را بیوژه در رابطه با گسترش بازار، بیاز دولت و اشراف فئودال به بهره نقدی و تبدیل محصولات کشاورزی به پول را مبادله با محصولات و مصنوعات امپریالیستی نشان میدهد در سال ۱۸۳۸ مل مالیات اخذ شده بالغ بر ۳۴۵۶۱۵۰ قران و در سال ۷- ۱۸۸۶ تنها مالیات ن福德ی ایران بالغ بر ۹۵۷ ۰۱۶ ۴۸ قران بوده است . در حوالی سال ۱۹۱۰ کل مالیات حداقل ۷۰ ۰۰۰ ۰۰۰ و حداکثر ۱۰۰ ۰۰۰ ۰۰۰ قران بوده است .

سترش بازار داخلی و رواج وسیع مبادله و تجارت محصولات کشورهای روبرو به

امپریالیسم و بعداً امپریالیسم سه اثر مستقیم براین روند داشت :

الف : موجب افزایش بهره نقدی و تشدید استثمار دهقانان شد .

ب : باعث هجوم تجار به سمت خرید زمین و اختصاص آن به کشت محصولات مورد نیاز امپریالیسم گردید .

ج : موجب وارد شدن زمین به بازار مبادله یعنی تبدیل آن به کالا شده است .

درک این تحلیل تنها پس از ترسیم خطوط عمومی تر اقتصاد ایران و بولیوژه شرایط جهانی که ایران در آن قرار گرفته بود، امکان پذیر است .

بنابراین در اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم، شهرهای ایران مملو از دهقانان فراری و خانه خراب شده و روستاهای در شرایطی متلاطم بسر میبرندند . فقر روزافزون دهقانان و خارج شدن زمین از دست دهقانان خرد آنان را بسوی شهرها راند . این دهقانان خلع ید شده آماده بودند که جذب قطب مقابل خود یعنی سرمایه گردند . لشکر بیکاران رانده شده از ده، خلع ید شدگان در حال تکوین بود .

این دهقانان اگر از گرسنگی و بیماری و قحطی جان سالم بدر می برندند، به شهرها و یا به خارج از مرزها، در تلاش یافتن کار مهاجرت میکرندند . ترکیه و جنوب روسیه بخصوص قفقاز پیوسته عده زیادی از مهاجرین ایرانی را در خود جای می دادند . پیش از ایران روسیه شاهد شکلگیری کارگران سوسيال دمکرات در قفقاز بخصوص معادن نفت باکو بوده است .

آنچه گفتیم در مورد زندگی عشاير نیز صادق است . عشاير که در این زمان جمعیت بسیار بزرگی را در بر میگرفتند، بر حسب تعداد احشام خود به دولت مالیات نقدی یا جنسی می پرداختند . رهبران ایلات و عشاير بواسطه موقعیت خود در امور نظامی و آماده نمودن سوار برای دولت یا شرکت در جنگها، اراضی مزروعی بسیار را به رسم تبیول از دولت گرفته بودند . بطور کلی عشاير ضمن آنکه خود تحت فشار استثمار اربابان و رهبران و بزرگان عشیره و دولت ( از طریق مالیات ) قرار داشتند، زیانهای بزرگی به زندگی و تولید روستائیان وارد میکردند . هجوم دائمی آنها برای گرفتن مواد کشاورزی و غارت، از جمله مسائلی است که باید به زندگی روستائیان اضافه نمود . دولت مرکزی قبائل سرخست و قدرت طلب را نقل مکان داده و وادر به اسکان در نواحی تعیین

شده مینمود (تخته‌قاپو) . این امر به درگیری قبائل با دولت مرکزی بیش از پیش دامن میزد . نقش مهمی که این ایلات و عشایر داشتند در امر راهداری بود . آنها (منظور رهبران و مالکان بزرگ این عشایر است ) در راهها به گرفتن گمرکات خاص یا دقیقتر حق‌العبور از دهقانان و بازرگانان مشغول بودند . در غیر اینصورت به غارت دهقانان و بازرگانان دست می‌زدند . روش است که چنین موقعیتی در دوره‌های بعدی این امکان را فراهم ساخت که سران قبائل هریک بطریقی در رابطه با دول امپریالیستی ضمن حراست از جاده‌ها ، حقوق خاص خود را دریافت دارند . در این دوران اغلب این سران یا در رابطه با امپریالیسم روسیه و یا انگلیس قرار داشتند و مخالفت‌های آنها با دولت مرکزی را از این زاویه باید نگریست : در حالیکه توده عشایر زندگی بسیار سخت را تحت انواع مالبات و سیگاری و غیره می‌گذرانند ، سران عشایر به سرمایه مالی پیوستگی می‌جستند .

\* \* \*

شهرها مرکز زندگی پیشه‌وران ، تجار ، روحانیون و اشراف فئودال و دربار بود . در ابتدای قرن نوزدهم هسته اصلی تولید را در شهرها پیشه‌وران تشکیل میدادنکه سلسله مراتب اصناف قرون وسطی در میان آنان حاکم بود . برای نمونه ۸۰ درصد جمعیت اصفهان را پیشه‌وران و کسبه و تجار خردپا و صنعت گران دستی و ۲۰ درصد بقیه را روحانیون بزرگ ، طلاب ، تجار بزرگ ، اشراف و نجبا ، منشیان ، شاعران ، ستاره‌شناسان و ماموران دولت تشکیل میدادند (حوالی ۷ - ۱۸۷۶) . در سایر شهرها نیز کم و بیش چنین وضعیتی وجود داشته است . پیشه‌وران و اصناف گاه در ۹۹ رشته تولیدی مختلف (اصفهان ۱۸۷۶) مشغول بکار بوده‌اند . آنها اتحادیه‌های صنفی داشتند که به فعالیت اصناف رسیدگی کرده و حق عضویت دریافت می‌کردند .

"تولید پیشه‌وران شهری هنوز در مرحله تولید کالائی ساده قرار داشت و این سبب آن بود که رشد بازار داخلی بسیار کند بود . در سال ۱۸۹۰ کرزن نوشت که رویه‌مرفت کارخانه به آن معنی که در اروپا وجود دارد ، در ایران نیست . " (تکوین سرمایه‌داری در ایران ، ص - ۲۰۸)

مهمترین رشته‌های تولیدی و محصولات تولید در آنزمان شامل فلرسازی، اسلحه‌سازی، میناکاری با سقره، طلا و مس، قلمزنی سر روی فلز، کنده‌کاری و منبت کاری بر جوب واستخوان و فلز، مسگری، ابریشم‌بافی، شال‌بافی، کرباس بافی، محمل بافی، گلدوزی بر بارچه، زرگری، نقره‌سازی، صابون‌پزی، تیشه‌گری، بشم‌بافی، نمدبافی، تفنگ‌سازی، شمشیر و کاردسازی، منسوجات ابریشمی و پشمی، چرم‌سازی، قالی‌بافی و ۰۰۰ بود ( تقسیم کار در این کارگاه‌ها عقب افتاده بود و در موارد بسیار کمی اشکال تقسیم کار مانوفاکتوری وجود آمده بود ) . پیشه‌وران بس از کشاورزان نیروی اصلی تولیدکننده کشور محسوب می‌شدند . پیشه‌وران در شهرها پیوسته تحت شرایط نامعین مالیاتی بسر می‌بردند . آنها علاوه بر آنکه ۲۰ درصد محصول خود را نقداً یا بصورت جنسی باید بعنوان مالیات بدولت می‌برداختند، ناچار سودندگاه مستقیماً به خدمت برای دستگاه دولتی بپردازند .

پیشه‌های مختلف گاه مورد حمایت دولت قرار می‌گرفتند ( مثلاً در زمان امیر کبیر و سپه‌سالار ) . این حمایت‌ها به رونق کار آنها مدد می‌رساند . بعضی از تولیدات پیشه‌وری ایران شهرت جهانی داشته است که از آن جمله است شال، منسوجات ابریشمی و ۰۰۰ اما بطور کلی حمایت دولت از تولید پیشه‌وری بویژه با گسترش بازار جهانی به ایران امری اتفاقی و فرعی است . سرتاسر قرن نوزدهم شاهد اض migliori اصناف پیشه‌وری زیر فشار سرمایه صنعتی پیشرفتی است . ما ناچاریم این مسئله را که در تحلیل ما اهمیت خاصی دارد بس از این بدقت بررسی کنیم .

تولیدات پیشه‌وری و روستائی و یا دقیق‌تر شهر و ده را تجار بهم پیوند میدادند . سرنوشت همه کشورهای فئودالی در ایران نیز تکرار گردید . تجار با توسعه مبادله نقش اساسی را در گسترش بازار داخلی و ربط بخشیدن به بخش‌های مختلف تولید بعده گرفتند . تجار ایرانی محصول کشاورزان و پیشه‌وران را با یکدیگر و بطور کلی در بازار داخل و خارج مورد مبادله قرار میدادند . تمرکز مالیات دولت و فئودالها بر گردن دهستان و پیشه‌وران، کار بازارگانان را از لحاظ مالیات آسانتر نمی‌نمود .

بورژوازی تاجر در ایران، در قرن نوزدهم پایه بورژوازی بطور کلی در ایران بود .

اس بورژوازی محصولات داخلی را مثل جای، خشکبار، ارسیشم و غیره صادر سموده و با مبادله میکرد و در عوض از خارج هر آنچه که میخواست وارد میکرد . بخار ایرانی از همان ابتدا در بارگاه جهانی قرار گرفتند که یک فطب آن (نویلید داخلی ایران) سشهوری و فئودالی و قطب دیگر آن سرمایه داری پیشرفت شد اینگلستان، فرانسه و بعدها روسیه، آلمان و غیره بود . این امر اثرات خاصی بر چگونگی شکلگیری سرمایه داری در ایران داشته است .

قدرت بخار روز در ایران افزایش می یافتد طوری که دولت اغلب ناجار بود نیازمندی های پولی خود را از طریق وام از بخار تامین نماید . این بورژوازی ، بورژوازی تجاری در جهان فئودالی بافی نماند ، بلکه با سرعت بسیار وارد بازارهای جهانی شد و نقش دوگانه بسیار بسچیده ای را در رابطه با جامعه فئودالی از سوئی و سرمایه داری پیترفت و امپرالیسم از دیگر سوی سعده گرفت . بیشهوران و کسبه تدریجاً از طریق وامها و کمک های نجار به آنان و استهنشدن ناگزیر می گردیدند محصولات خود را با شرایط آنان بفروش می رسانند . در عین حال کسبه و صنعتگرانی که از اجناس وارداتی بهره می جستند و این اجناس را بفروش میرسانند، بزیر سلطه تجار در آمدند . بورژوازی تجاری در ایران بطور محدود تلاش های نیز در جهت سطح صنایع و تبدیل سرمایه داری به صنعتی و گسترش سرمایه داری بعمل درآورد . این نلاشها در زمینه های زیر انجام یذیرفت :

۱ - سرمایه گذاری در کشتیرانی و بازرگانی بین المللی - تجار ایران در جنوب ( بندر بوشهر - خوزستان وغیره ) دست به ایجاد کمپانی های تجاری زدید . معین التجار برای رقابت با کمپانی لینچ، به سرمایه گذاری در امور گوناگون در خوزستان پرداخت . در بندر بوشهر و بندر لنگه ، کشتی های ایرانی با ظرفیت های قابل توجه مشغول فعالیت بودند . این اقدامات مورد حمایت دولت موکری فرار نگرفت و بزودی در برابر کشتی های تجاری غول پیکر و کمپانی های عظیم انگلیسی که قوای نظامی انگلیسی نیز از آنها حمایت میکرد ، شکست خورد .

۲ - سرمایه گذاری در معادن - پیش از آنکه معادن ایران طبق قراردادهای امپرالیستی به آنها واگذار شود، سرمایه داران در ایران با تکنیک عقب افتاده

به حفاری و استخراج در معدان مختلف مشغول بودند . دولت از معدان بهره اندکی میگرفت و نتیجتاً سود سرشاری نصیب سرمایه‌داران میگردید . مالاجاره اندک و ثروت فراوان این منابع ، معدان را به رشته‌ای پرسود تبدیل کرده بود .

بعضی از این معدان بهمراه مالاجاره دولتی در زیر آمدند :

معدان مس سبزوار ۴۴۳۰ قران ، معدان نمک گروس ۶۰۰۰ قران ، معدان زغال سنگ و سنگ‌گح قزوین ۱۵۸۰ قران ، نمک طالقان ۱۲۲۰ قران ، معدان نمک نجم‌آباد ۵۶۰ قران ، معدان مس و سرب انارک یزد ۲۰۰ قران ، معدان سرب انگوران زنجان ۲۳۰ قران ، معدان گوگرد سمنان ۱۰۰ قران ، معدان ذغال سنگ سنگ‌لار ۲۵ قران ، معدان ذغال سنگ‌گل زرد ۲۵ قران ، معدان ذغال سنگ دماوند ۵۰ قران .

در نواحی جنوب ایران نفت در سطح زمین و چاههای با عمق محدود مورد استخراج قرار میگرفت و به مصرف محلی میرسید . واگذاری امتیاز معدان و منابع زیرزمینی ایران به امپریالیسم در نیمه دوم قرن نوزدهم این زمینه را نیز محدود نمود .

۳ - سرمایه‌گذاری در راه‌آهن - در این زمینه نیز امین‌الضرب سرمایه‌دار مشهور ایران آغازگر کار بود . وی برای تسهیل و انحصار حمل و نقل از شمال به تهران ، طرح راه‌آهن شمال را ریخت . کارشنکنی کشورهای خارجی که در این طرح فعالیت داشتند آن را نیمه کاره با شکست روپرتو ساخت .

۴ - ایجاد شرکت (کمپانی) تجاری و کشتیرانی - بیش از ۹ کمبانی از این قبیل در رشته‌های تجارت ، پارچه‌بافی ، کشتیرانی دست به فعالیت زدند . این کمپانیها با جمع کردن سرمایه‌های محدود سرمایه‌داران تلاش میکردند در رشته‌های فعالیت خود دست به اقدامات مترقبی جویانه‌ای بزنند . لیکن در برابر سرمایه امپریالیستی ناگزیر همگی در هم خرد شده یا به خدمت آن درآمدند .

۵ - کارخانجات - بعضی از سرمایه‌داران ایرانی ( و حتی اشراف ) در قرآن نوزدهم در رشته‌های صنعتی دست به سرمایه‌گذاری زدند . آنها با کمک متخصصین روسی و آلمانی و یا خرید کارخانه از این کشورها ، در رشته‌های مختلف صنعتی سرمایه‌گذاری نمودند . تجار و ثروتمسدان در این کار بیشقدم شده بودند . برخلاف جوامع اروپائی در اینجا وسائل تولید پیشرفته نه از دل

نکامل نیروهای مولده داخلی، بلکه مستقیماً از سطح تکامل نیروهای مولده مثلاً در روسیه و آلمان وغیره وارد میشد. تا اوائل قرن بیستم، ۳۴ نمونه از این کارخانه‌ها را میتوان نام برد. بعضی از این موسسات جهت رفع نیاز مندیهای دولتی بوجود آمده بودند. این کارخانه‌ها بلا فاصله در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ با ورشکستگی روپرور شدند. علی این امر ناتوانی در رقابت با کالاهای مشابه خارجی بود که با تسهیلات فراوان وارد میشد. در زیر اسامی ابن ۳۴ کارخانه آورده میشود (آنها یک‌با علامت \* مشخص شده‌اند تا حدود سال ۱۹۲۰ از میان رفته یا خوابیده‌اند) :

- ۱- کارخانه کاغذ سازی تهران ، ۲- قند تهران ، ۳- شکریزی مازندران \*
- ۴- چلوار بافی تهران ، ۵- بلورسازی تهران \* ، ۶- چینی سازی تهران \*
- ۷- رسپان ریسی کنار قصر قاجار \* ، ۸- اسلحه سازی تهران (ماهیانه ۱۰۰۰ اتفنگ)
- ۹- چینی سازی تبریز \* ، ۱۰- شمع سازی تهران ، ۱۱- کاغذ سازی اصفهان
- ۱۲- کاغذ سازی تهران ، ۱۳- اسلحه سازی اصفهان \* ، ۱۴- ابریشم سافی گیلان،
- ۱۵- ابریشم بافی رشت ، ۱۶- باروت سازی (دولتی) ، ۱۷- چاشنی سازی برای تفنگ ، ۱۸- گاز تهران \* ، ۱۹- قند کهریزک ، ۲۰- کبریت سازی تهران ،
- ۲۱- رسپمان بافی صنیع‌الدوله \* ، ۲۲- رسپمان بافی تبریز ، ۲۳- پنبه پاک‌کنی سبزوار ، ۲۴- پنبه پاک کنی پسنانسکی نیشابور ، ۲۵- چراغ برق تهران ( از آلمان خریداری شد ) ، ۲۶- برق تهران ، ۲۷- برق مشهد ، ۲۸- برق رشت ، ۲۹- برق تبریز ، ۳۰- آجریزی تهران ، ۳۱- چلوار سافی تهران ، ۳۲- آجریزی رضائیه ، ۳۳- صابون پزی نظافت تهران ، ۳۴- آبجوسازی تهران .

کارخانجات از میان رفته بر اثر رقابت در بازار دچار ورشکستگی شدند و یا به دسایس خارجیان از کار افتادند. حقوق گمرکی سهل به کالاهای خارجی، قدرت فوق العاده از میان بردن هر رشته تولید داخلی را میداد. قند روسی موفق شد با رامپینگ بزرگ خود ناگهان قند کهریزک را با ورشکستگی روپرور سازد. نخ و رسپمان بدون گمرک انگلیسی از هند، رسپمان صنیع‌الدوله را از میان خارج کرد. کبریت روسی، اطریشی و سوئدی، کبریت نامرغوب تهران را مغلوب ساخت. بنابراین در حالی گرایش به سرمایه‌گذاری در صنایع، در پاره‌ای از تجار و آنهم تحت نیازمندیهای شدید داخلی بوجود میآید و آثار تحول سرمایه

تجاری به صنعنی ظاهر مبگردد که شرایط آزاد این تحول گذشته است . ایران هنگامی پا در جاده سرمایه داری مینهند که جهان در حال ورود به عصر جدید یعنی عصر امپریالیسم است : نیمه دوم قرن ۱۹ .

\*

\*

\*

## ۲- شرایط داخلی ایران در آستانه عصر امپریالیسم

همانطور که گفتیم در آستانه این عصر ، ایران کشوری فئودالی است که در شهرهای آن تولید کالائی بیشه‌وری و تجارت و در روستاهای بطور کلی اشکال مختلف بهره‌کشی فئودالی حاکم است . اما بیش از آن ایران وارد بازار جهانی شده است . از همان زمان که سرمایه نجاری ابعاد جهانی بخود میگیرد ( قرن ۱۶ ) ایران از جمله کشورهای بست که در رابطه با این بازار نوین جهانی فوار میگیرد . مارکس در سال ۱۸۴۸ در مانیفست حزب کمونیست خصلت عمومی این بازار را تشریح میکند . نیاز به مواد خام و بازار برای فروش کالاهای بهمراه توسعه نیروهای مولده کشورهایی که بیش از دیگران پای در جاده سرمایه داری نهاده‌اند ، تجار انگلیسی ، فرانسوی و غیره را بهمراه ناوگانهای جنگی خود به سرتاسر جهان گسیل میدارد . آنها از سوئی به صدور کالاهای کشور متبع خود می‌پردازند و از دیگر سو کالاهای و مواد خام مورد نیاز خویش را از سرتاسر جهان جمع آوری کرده و وارد کشور خویش می‌سازند . امپراطوریهای بزرگ تجاری از قبیل کمپانی هند شرقی و ۰۰۰ شکل گرفتند . تفوق سرمایه پیشرفته صنعتی بر سایر اشکال تولید و حتی سرمایه ( منظور سرمایه تجاری ماقبل سرمایه داری یا سرمایه سوداگر است ) اثرات متفاوتی را بر ساخت اقتصادی کشورهای عقب افتاده فئودالی که مراحل متاخر تکامل خود را طی میکنند بر جای می‌گذارد . تجار محلی را به تجارت جهانی وارد میکند ، تولید غیرپیشرفته پیشه‌وران و مانوفاکتورهای نوپا را با ورود کالاهای مرغوب و ارزان خود دچار ورشکستگی و نابودی و سرانجام تبعیت از خود می‌سازد . جلو تکامل کلاسیک سرمایه تجاری به صنعتی را از همان ابتدا میگیرد و خصلت ایستائی این نوع سرمایه را تقویت می‌نماید . تولید کشاورزان را با کشانیدن فئودالها و تجار به بازار

مبادله جهانی ، به سمت بارار و نسازهای سرماسه مرسوط می‌سازد . انگلیس در این مورد می‌سویسد :

" ایران سدن مدام بهای محصولات در تمام کشورهای جهان که زائیده کار ماشینی بود، سیستم کهن مانوفاکتوری یا صابع دسی سکلی در هم شکست و تمام کشورهای نبمه برابر که نا آن زمان کم و بیش جدا از تکامل تاریخی بسر برده بودند و صنایع آسما کاملا بر اساس صنایع مانوفاکتوری قرار داشت ، با این عمل از انزواهی خود بروون شدند . اس کشورها کالاهای ایران انگلیسی را خریداری نمودند و اجاره دادند که کارگرهای مانوفاکتورهای بومی به خاک سیاه بنشینند ۰۰۰ کار به آنچه رسیده است که امروز اختراع یک ماشین جدید در انگلستان در طول یک سال میلیوپها کارگر چینی را از نان خوردن می‌اندازد . بدین ترتیب صنعت سزرگ سام خلق‌های جهان را بهم بیوید داده و تمام بازارهای کوچک را تبدیل به یک سازار جهانی نموده است " .

در فرن نوزدهم ابعاد تجارت در ایران با کشورهای پیشرفته صنعتی و سیاستگذاری می‌یابد . کشورهای پیشرفتنه سرمایه‌داری رو به امبریالیسم موفق می‌شوند در عین حال که از حقوق گمرکی خاصی بهره‌مند می‌گردند، بمیزان عظیمی امتیازات گوناگون اقتصادی و سیاسی از ایران کسب نمایند . از لحاظ سیاسی ضعف دولت مرکزی ایران که از سالهای ۷ - ۱۸۵۶ پس از شکست از قوای انگلیسی بخوبی آشکار شده بود، ساختمان فئودالی حکومت مرکزی و ۰۰۰ شرایط را برای استیلای اقتصادی و سیاسی انگلستان و روسیه بر ایران فراهم نمود . ایران بقول ایوانف به سرزمینی جهت نفوذ به اصطلاح " مسالمت آمیز " سرمایه خارجی تبدیل گردید . رشته‌های فعالیت سرمایه‌های خارجی بطور اعم تجارت ( صدور کالا ) و سرمایه گذاری ( صدور سرمایه ) را در بر می‌گرفت . روسیه و انگلیس مطابق قراردادهای که تحت فشار نظامی و سیاسی در سالهای ۱۸۲۸ و ۱۸۴۱ بسته بودند، موفق شدند حقوق گمرکی ویژه‌ای در جهت

بیشتری گسترش می‌یافت .  
برداشتند ( ۱۸۲۰ ) مرتبا با قراردادهای جدید و جدیدتر و با تسمیلات سرمایه‌داری پیشرفت‌هاروپا و روسیه که چندی بعد بسوی امپریالیسم گام حمایت از تجار خود از دولت ایران کسب نمایند . فعالیت تجار کشورهای

روسیه و انگلستان ( و هند ) ، عثمانی ، آلمان ، فرانسه و اتریش ، بلژیک و ۰۰۰ هیات های تجاری و تجار خود را پیوسته برای گرفتن امتیازات جدید به ایران می فرستادند . ایران قول داد که از اجناس روسی و انگلیسی گمرکات نگیرد و یا در حد ناچیزی دست به این کار بزند . بعدها وقتی گمرکات شمال و جنوب رسماً بدست روسها و انگلیسیها سپرده شد راه برای نفوذ هرگونه مانع گمرکی در برابر کالاهای این دو کشور بسته شد . در دهه اول قرن اخیر وضع تجارت خارجی ایران چنین بوده است :

## ( واردات - واحد په قران )

| ناموار دکننده | ۱۹۱۰-۲      | ۱۹۱۰-۱۱     | افزونی      | کاستی      | افزایش |
|---------------|-------------|-------------|-------------|------------|--------|
| روسیه         | ۱۱۳/۷۵۵/۵۸۴ | ۲۱۹/۵۵۹/۲۰۶ | ۱۰۵/۸۰۳/۶۲۲ | -          | ۰برابر |
| انگلیس و هند  | ۱۲۵/۲۵۳/۵۸۱ | ۱۸۹/۶۶۵/۱۵۹ | ۶۶/۴۱۱/۵۷۸  | -          | ≤ ۱/۵  |
| عثمانی        | ۱۰/۵۱۵/۱۷۲  | ۱۵/۲۶۸/۳۸۸  | ۴/۷۵۳/۲۱۶   | -          | ≤ ۱/۵  |
| آلمان         | ۲/۳۸۲/۷۵۵   | ۱۳/۹۷۷/۴۴۵  | ۱۱/۹۵۴/۶۹۰  | -          | ≤ ۶/۵  |
| فرانسه        | ۲۲/۸۸۷/۰۷۶  | ۱۳/۶۷۳/۸۰۲  | -           | ۱۰/۲۱۳/۲۷۴ | -      |
| اطریش         | ۱۲/۰۸۰/۴۶۶  | ۱۰/۸۴۷/۸۱۸  | -           | ۱/۲۳۲/۶۴۸  | -      |
| بلژیک         | ۸۶۷/۴۳۰     | ۸/۱۳۶/۷۷۳   | ۸/۰۶۹/۳۴۳   | -          | ≤ ۸    |

تجارت وسیع کالاهای سرمایه‌داری بلا فاصله اثر خود را از همان ابتدا بر ساختمان اقتصادی جامعه باقی نهاد. این امر امکان رقابت برای تولید کنندگان داخلی کوچک و یا سرمایه‌داران صنعتی تازه‌پا باقی نگذاشت. تولید پارچه ابریشم در شهرهای عمدۀ ابریشم بافی رو به نقصان نیاد.

"دو هشتم کل منسوجات از هندوستان، انگلستان و روسیه

و یاک هشتم باقیمانده از ممالک دیگر نظیر آلمان و اتریش

<sup>۲۱۲</sup> فرانسه به ایران صادر شده بود.<sup>۰</sup> " (تکوین سرمایه داری، ص ۲۱۲)

"کمترین نتیجه این هجوم در هم شکستن صنایع داخلی و  
نواحی شهرهای صنعتی چون گیلان، کرمان، مشهد، کاشان  
بزد، اصفهان، شیراز، قزوین و چند شهر دیگر بود." (همانجا)

نقاصان دستگاه‌های بافندگی ابریشم در مشهد نمونه کاملی از این زوال را به  
سادگی بدست میدهد: اوائل قرن نوزده ۱۲۰۰ دستگاه سال ۱۸۹۰، ۶۵۰  
دستگاه، سالهای ۱۹۱۵-۱۶، ۱۵۰ دستگاه - بنابر گزارش‌های رسمی در اصفهان  
اصاف رشته‌های زیر در اواخر قرن نوزدهم همگی رو به ورشکستگی رفته و یا  
دستگاه‌های آنها کلا از کار افتاده و یا بمیزان کمتر از نصف تقلیل یافته است:  
صنف رنگرز، جیت‌سار، زری باف، گلابتون دوز، کلاه‌دوز، جماعتی که روی یارچه  
سانح ابریشم نقاشی میکردند، ابریشم ساف، شکی باف، احرامی باف، حلاج،  
زرگر، شبشه‌ساز، کاغذساز، تفنگساز، مسگر، نساج  
گزارش دهنده مینویسد:

"حداقل یک دهم اصناف اصفهان نساج بود که اکنون یاک  
پنجم آن باقی نمانده است."

آخر دوگانه این امر چنین است: در حالیکه پیشه‌وران کوچک و صاحبان صناعت  
داخلی دائماً به تعداد زیادی خلع ید میگردند ولی از دیگر سوابق اثبات سرمایه  
در دست سرمایه‌داران و تجار نیز قادر نیست این نیروی وسیع را جذب قطب  
خود نماید. نگاهی به انواع واردات ایران نشان میدهد که کالاهای مصرفی بخش  
اصلی وکل واردات را تشکیل میداده است. این در حالی است که صادرات  
ابدا، روز بروز بیشتر متوجه مواد خام می‌گردد.

نموده صادرات ایران مواد خام بوده و واردات عبارت بودند از: چلوار، چیت،  
بزنه‌های پیراهنی سفید و خاکستری، ظروف مسی، شمع، اسلحه و مهمات از  
انگلستان - پارچه‌های نخی، قند و شکر، نفت، شمع، چراغ، ظروف، آئینه،  
فلزات، کالسکه و سماور از روسیه، شیشه‌آلات، ظروف چینی، پارچه و اجناس  
اگریشمی از فرانسه، شیشه، بلور، قاشق و بارچه‌های بشمی از آلمان و اتریش،  
چای، چلوار، دارو و پارچه‌های حریر از هندوستان.

موازنۀ صادرات و واردات نشان میدهد که در سالهای ۱۱-۱۰ ۱۹۱۰ واردات روسیه  
۴۰٪ از کل واردات و صادرات ایران به روسیه ۷۰٪ از کل صادرات را تشکیل

میداده است . جدول واردات و صادرات در سال ۱۹۱۰ در زیر آمده است :

| نام کشور         | واردات      | صادرات      | جمع کل        |
|------------------|-------------|-------------|---------------|
| روسیه            | ۲۱۹/۵۵۹/۲۰۶ | ۲۶۲/۲۲۶/۱۳۶ | ۴۸۱ / ۷۸۵/۲۴۲ |
| انگلستان         | ۱۸۹/۶۶۵/۱۵۹ | ۳۷/۴۱۲/۸۴۱  | ۲۲۷ / ۰۷۸/۰۰۰ |
| عثمانی           | ۱۶/۲۶۸/۳۸۸  | ۳۹/۰۰۲/۶۷۸  | ۵۵ / ۲۲۱/۰۶۶  |
| فرانسه           | ۱۳/۶۳۷/۸۰۲  | ۱۲/۱۰۱/۰۲۲  | ۲۶ / ۲۲۸/۸۲۴  |
| آلمان            | ۱۳/۹۷۷/۴۴۵  | ۲/۰۸۸/۵۰۰   | ۱۶ / ۰۴۵/۹۴۵  |
| اتریش و مجارستان | ۱۰/۸۴۷/۸۱۸  | ۹۸/۹۲۴      | ۱۰ / ۹۴۶/۷۴۲  |
| بلژیک            | ۸/۱۳۴/۷۷۳   | ۴۳۶/۴۱۱     | ۸ / ۵۹۳/۱۸۴   |
| افغانستان        | ۴/۱۲۵/۵۹۸   | ۲/۴۱۱/۲۲۹   | ۶ / ۵۳۶/۸۷۷   |
| ایتالیا          | ۲/۷۸۱/۸۵۹   | ۳/۹۷۴/۹۵۳   | ۶ / ۷۵۶/۸۱۲   |
| مسقط             | ۱۵۳/۸۱۴     | ۲۱۵/۸۸۹     | ۳۶۹/۲۰۳       |
| چین              | ۴۰۳/۳۷۵     | ۲/۳۳۷/۰۰۰   | ۲ / ۷۴۰/۳۷۵   |
| آمریکا           | ۲۹۲/۱۳۸     | ۵/۰۴۰/۱۹۴   | ۵ / ۳۳۲/۳۲۲   |
| ممالک دیگر       | ۵/۸۵۸/۲۵۶   | ۶/۱۳۸/۰۷۶   | ۱۱ / ۹۹۶/۳۲۲  |

تفاوت عظیم میان واردات و صادرات سرانجام اثرات خود را در خارج شدن مسکوکات نقره و طلا و بحران در خود مبادله و تجارت داخلی ظاهر ساخت . از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۲۰ تنها مابه التفاوت این واردات و صادرات به ۲۵۱۷/۸ میلیون قران یعنی ۲/۵ میلیارد قران بوده است . ورود کالاهای ارزان قیمت از کشورهای متروبیل و صدور مواد خام و مواد کشاورزی مورد نیاز امپریالیستها و کشورهای صنعتی پیشرفتته، در شکل دادن بورژوازی تجاری و ملأک ایران نقش بسزائی بازی کرده است . همانطور که گفته شد تجارت خارجی مستقیماً بر تکامل مانوفاکتورهای ایرانی اثر تخریبی شدید داشت و بدون آنکه آنها را سریعاً بمراحل بالاتر تکامل برسانند موجبات بی خانمانی و خانه خرابی عظیمی را در میان آنها فراهم نمود .

تجار که منافع عظیمی را در ورود مصنوعات خارجی و فروش مواد مورد نیاز بازار

جهانی مبدید، در بازار داخلی تهها در رشته‌های مورد سظر به جمیع آوری محصولات و کنسرل آن می‌برداختند. مواد مورد نیاز بازار جهانی عبارتند از: سماکو، سونون، نریاک، سرچ، ابریشم، بنبه و ۰۰۰ و این قبیل. از سوی دیگر اس نجار که سود تولید صنعتی را بسیار کمتر از سود تجاری می‌دیدند و قادر به رقابت در این رشته نبودند سرمه‌های خود را در رشته ارضی سکارانداختند. آنها به خرید مسیملکات و اراضی دولی و فئودالی دست زدنده اس زمیها را سا به سبستان اجراه داری و با به همان روشهای ساق با اندکی اصلاحات به کشت نهاد، سونون، سرچ و غیره اختصاص دادند. موانع سیاری در این مرحله بر سر راه سرمایه نجاری در نبدبل به سرمایه صنعتی و گسترش و بگانگی بازار داخلی وجود داشته‌اند که به اختصار می‌توان آنها را در شرایط زیر خلاصه کرد:

- ۱ - عدم وجود امنیت برای سرمایه‌داران داخلی .
- ۲ - وجود عوارض و افزایش آن در شهرهای مختلف .
- ۳ - سدهای گمرکی که بواسطه سبردن گمرکات بدست خارجیان ابجاد شده بود. این سدها در نواحی مختلف و سته به آنکه در دست جه کسانی (روسیه یا انگلستان) کنترل می‌شدند، عوارض گوناگونی بر کالاهای می‌بسند.
- ۴ - عدم وجود پول دقیق واحد و اوزان گوناگون .
- ۵ - عدم گسترش راهها و جاده‌های تجاری .

همانطور که قبلاً گفتیم در ایران بورژوازی نجاری رشد یافته‌ای موجودیت پیدا کرده و در عین حال نبروی کار بمیزان وسیعی آماده تبدیل به کالا بوده است. سنابراین این عوامل بطور کلی تنها بمثابه موانع عمل میکرده‌اند. آنچه که این پروسه را حقیقتاً در مسیری دیگر سوق داد، نجاری و سبع مصنوعات خارجی، عدم فدری رفاقت و در عین حال شکست آن دسته از بورژواهائی بود که در رشته صنعتی سرمایه گذاری میکردند. این تجارت که خود موجبات جدائی تولید کنندگان کوچک از وسائل آنها را فراهم می‌ساخت، قادر نبود شرایط کامل تبدیل آنها را به سیروی کار فراهم سازد. بهمین علت است که سرمایه‌های این بورژوا - تجار و سیعاً به نجارت مصنوعات امپریالیستی و در عین حال معاملات زمین و تولید کشاورزی برای فروش به بازار جهانی روی می‌آورد: بورژوازی ملاک به دنیا می‌آید. فشاری در این مورد می‌نویسد:

" داستان تولد بورژوازی ملاک بدینگونه بود که در اواخر قرن نوزده، بدنبال افلاس مالی دولت، دولت در سطح وسیع و بیسابقه دست به فروش املاک دولتی زد، خریداران این املاک بخش عظیمی از بورژوازی تجاری و گروهی از اشراف و نجبا و رجال بودند که مستقیماً با بازار جهانی امپریالیسم رابطه اقتصادی داشتند. فرمان رسمی فروش املاک دولتی در سالهای ۱۸۹۰ - ۱ صادر شد. اما در حقیقت فروش این املاک در سالهای قبل از این تاریخ آغاز شده بود. خریداران این اراضی بورژوازی و اشراف و نجبا بودند که آن آن را با بهائی اندک بست می‌آوردند."

( تکوین سرمایه داری در ایران، ص- ۲۲۳ )

نوع فعالیت این تجار بر روی زمین‌هایشان بیانگر وظیفه و نقشی است که در این مرحله از تاریخ تکامل جامعه ایران بازی کرده‌اند :

" وظیفه و نقش بورژوازی ملاک، تهییه و صدور مواد خام برای بازارهای امپریالیسم و فروش کالاهای مصرفی امپریالیسم در داخل کشور بوده است. این امر باعث شده بود که بورژوازی ملاک که با بازارهای امپریالیسم رابطه مستقیم داشت، در حکم پایگاه داخلی مطمئن و نیرومند امپریالیسم در ایران قرار بگیرد و مورد حمایت او واقع شود."

( همانجا، ص- ۲۲۵ )

بسیاری از تجار و ملاکین به تبعیت از دول انگلیس و روسیه درآمده بودند. این حمایت به معنی وسیع کلمه انجام می‌شد. این تجار در روی زمینهای خود موادی نظیر برنج، توتون، تنباکو و پشم را فراهم میکردند. از آنجا که امپریا- لیسم از نیمه دوم قرن نوزده احتیاج چندانی به ابزیشم نداشت، این رشته راه سقوط در بیش گرفت. برای نمونه بطور مشخص ترباکی که از طریق خلیج فارس صادر شده بود، چنین است : در سال ۲-۱۸۷۱، ۶۹۹۰۰۰ روپیه- سال های ۱۸۷۶-۸، ۲-۳۱۳/۰۰۰ روپیه- سالهای ۱-۱۸۸۱، ۸-۱۸۸۹، ۹۰-۱۸۹۰ روپیه و سالهای ۴-۹۵۰/۰۰۰ روپیه در یايان سال ۱۸۹۶ کل تولید و

صدور تریاک به ۲۵۸۷۰۶ لیره رسید ، در حالیکه در سال ۱۸۷۰ این مبلغ ۶۷۰۴۸ لیره بود، یعنی بیش از ۲/۵ برابر .

### " درصد اقلام مهم کالاهای صادراتی بین ۱۹۱۳ - ۱۸۵۰ "

| <u>نام محصول</u>   | <u>سال ۱۸۵۰</u> | <u>سال ۱۸۸۰</u> | <u>سال ۱۹۱۱-۳</u> |
|--------------------|-----------------|-----------------|-------------------|
| ابریشم             | ۱۸/۳۸           | ۱۸              | ۵                 |
| بارجه بشمی و بنهای | ۲۳              | ۱               | ۱                 |
| غلات               | ۱۰              | ۱۶              | ۱۲                |
| میوه‌جات           | ۴               | ۶               | ۱۳                |
| تنباکو             | ۱               | ۵               | ۴                 |
| فرش                | ۱               | ۴               | ۱۲                |
| تریاک              | -               | ۲۶              | ۷                 |
| پیوه خام           | ۱               | ۷               | ۱۹                |

اما ما هنوز ابعاد وسیعتر و همه جانبیه فعالیت کشورهای سرمایه‌داری در ایران را مورد توجه قرار نداده‌ایم . علاوه بر صدور کالاهای که ما اثرات مستقیم و غیرمستقیم آنها را مشاهده کردیم ، کشورهای سرمایه‌داری پیشرفت و بعدا در آستانه قرن اخیر امپریالیستی ، فعالیت‌های اقتصادی - سیاسی گوناگون داشته‌اند . این فعالیتها را بصورت زیر میتوان دسته‌بندی کرد :

- ۱ - تجارت وسیع کالاهای مختلف و بازرگانی .
- ۲ - بهره‌برداری از منابع خام معدنی و محصولات غذائی و صنعتی کشاورزی .
- ۳ - تسلط بر امور مالی ایران از طریق بانک‌های شاهنشاهی و استقراضی .
- ۴ - امتیازات گوناگون سیاسی - اقتصادی .

ما مورد اول را بررسی کردیم . اینک در مورد سایر موارد در خطوط کلی سخن می‌گوئیم . قبل از بگوئیم در پشت همه فعالیت‌های مذکور ، سرمایه مالی چه ره خود را بنهای کرده بود . \* سرمایه مالی که با ظهور امپریالیسم پیدایش یافته

\* - برای نمونه در مورد امپریالیسم انگلیس . در اواخر قرن نوزده و اوائل قرن بیست ۱۱ مؤسسه بزرگ مالی در انگلستان وجود داشته است که سرمایه‌های خود بقیه زیرنویس در صفحه بعد

بر کلیه اشکال سرمایه سیاست ساخته بود، اینک با صدور سرمایه ، انحصار مواد خام ، تشدد صادرات کala ، گرفتن امتیازات گوناگون ، چنگالهای خود را در ایران فرو کرده و می فتشد . در سال ۱۸۷۲ دولت ایران امتیازنامه ای را به سارون ح - رویتر داد که طبق آن وی برای مدت ۲۰ سال تنها در ازای پرداخت مبلغ ناجیزی از عواید می توانست در رشته های زیر سرمایه گذاری کند : خط آهن از بحر خزر تا خلیج فارس ، شبکات راه آهن برای اتصال ایران به سرحدات اروپا و هند - نراموا ، ذوب فلز ، ایجاد مسکن ، ورود هر نوع مصالح راه آهن بدون گمرکات ، جنگلها ، کلیه معادن بجز طلا و نقره ، تاسیس بانک ، سد سازی ، ابجاد روش نائی بوسیله گاز ، ساختمان خیابان های پا بخت ، خطوط تلگراف ، بیست ، آسیاب ، استفاده از گمرکات ! و برای ابن منظور دولت ایران متعهد بود زمین مجانی و کارگر و شرایط مساعد را فراهم سازد . این امتیاز تحت فشار مردم و حتی " درباریان " که آن را ورقه فروش ایران می دانستند ، لغو گردید و بجائی آن امتیاز بانک امپریال ( بانک شاهنشاهی ) را در سال ۱۸۸۹ به انگلستان داد .

امتیاز تولید مشروبات الکلی در سال ۱۸۹۹ به فیلیپار فرانسوی داده شد . در سال ۱۸۸۸ امتیاز کشتی رانی در رود کارون به برادران لینح سپرده شد . در سال ۱۸۸۹ امتیاز لاتاری بیک فرانسوی بنام بو زیک دو کاردوال واگذار گردید . مدت این قرارداد ۲۵ سال بود و ۲۰٪ عواید آن به دولت ایران پرداخت می شد . در سال ۱۸۹۰ امتیاز توتون و تنبکو به ماژور تالبوت سپرده شد . ابن امتیازات اغلب به علت آنکه ابعاد اسارت و بر دگی در آنها فوق العاده آشکار بود و مثلا

#### ادامه زیرنویس از صفحه قبل :

را در ایران بکار انداخته بودند : ۱- کمپانی سلطنتی ایران و انگلیس ، ۲- موسسه بهره برداری از سرمایه در ایران ، ۳- سندیکای آسیائی انگلیس ، ۴- کمپانی ایران و فرانسه ، ۵- بخت آزمائیهای دولتی ، ۶- بانک شاهنشاهی ایران ، ۷- موسسه حقوق استخراج معادن ایران ، ۸- موسسه شاهنشاهی دخانیات ایران ، ۹- شرکت اسنخراجات اولیه ، ۱۰- شرکت نفت بختیاری ، ۱۱- شرکت نفت ایران و انگلیس . امپریالیست ها سرمایه خود را در کلیه رشته های سودآور فعال مینمودند . این رشته ها از قبیل راه سازی ، بانک ، شیلات ، معادن ، وام ، تلگراف وغیره بکرو دست نخورده و در عین حال بسیار سودآور بودند .

قرارداد رویتر جیزی کمتر از فروش ایران نبود، لغو گردیدند، اما بجای آنها شرکتهای مختلف و در امور دیگر بکار افتادند. امتیازات بسیاری در زمینه معادن آهک، گچ و مس، آهن و غیره به شرکتهای مختلف واگذار گردید. در سال ۱۸۸۹ امتیاز استخراج معادن قراچه‌داغ به شرکت معادن روسیه واگذار شد. در سال ۱۹۰۱ مهمترین قرارداد معدنی درمورد نفت با یک انگلیسی بنام ویلیام ناکسی دارسی بسته شد. طبق این قرارداد کلیه مناطق نفتی ایران در طی ۶۰ سال در اختیار انگلستان قرار می‌گرفت و تنها ۱۶٪ از عواید آن سالانه به دولت ایران برداخت می‌شد. وقتی در سال ۱۹۰۸ در منطقه نفتون، حفاران به نفت تجاری دست یافتند، اهمیت قرارداد فوق بیشتر معلوم شد. دولت انگلستان چندی بعد سهام کمپانی نفت انگلیس و ایران را خرید و مستقیماً بر استخراج نفت ایران نظارت حاصل کرد. در سال ۱۹۱۶ تولید نفت افزایش پیدا کرد و به ۷/۶ تا ۲ بشکه رسید. در این مورد انگلستان به تنهایی چنگال خود را بر روی منابع نفتی ایران انداخته بود و تنها در سال ۱۹۲۱ بود که آمریکا موفق شد امتیازی جهت استخراج نفت در شمال برای مدت ۵۰ سال بگیرد.

نیاز امپریالیستها به صدور کالا و تجارت آنها را به کشیدن راه تحریک نمود. از این لحاظ امتیازات راه‌سازی و راه آهن نیز به روسیه و انگلیس واگذار گردید. امتیازات مربوط به کشتیرانی خلیج فارس و کارون به انگلستان داده شد. امتیاز شیلات شمال و جنوب به سرمایه‌داران روسی و انگلیسی سپرده شد و همچنین انگلستان کلیه خطوط تلگراف و پست داخلی را بجز بعضی نواحی که به روسیه داده شد، در دست گرفت. ایران به منطقه‌ای جهت جاسوسی انگلستان تبدیل گردید. بالاخره گمرکات ایران نیز در شمال و جنوب در دست روسیه و انگلستان افتاد.

مهمنترین مسئله‌ای که در این رابطه باید آنرا مورد دقت قرارداد موضوع بانک شاهنشاهی بود. لینین می‌نویسد:

"میتوان گفت سرمایه مالی دام خود را به تمام معنی کلمه در سراسر کشورهای جهان می‌گستراند. در این مورد بانک هائی که در مستعمرات تاسیس می‌شوند و شعب آنها نقش بزرگی را ایفا مینمایند." (لینین - منتخب آثار، ص ۴۱۵)

چنین نقشی را بدرستی بانک شاهنشاهی و سپس استقراری روسيه بازی کردند. امتیاز بانک شاهنشاهی که در سال ۱۸۸۹ به جای امتیاز رویتر به انگلستان داده شد، در طی چند سال بمثابه ارگان مالی سیاست و تسلط امپریالیسم در ایران عمل نمود. بانک دولتی ایران که در دست سرمایه داران انگلیسی از طریق حق نشر اسکناس، ضرب سکه، وام دادن، اعتبار، گرفتن و دفعه و غیره در حقیقت اقتصاد ایران را کنترل می کرد. دولت ایران تنها ۶٪ از کل عواید و سود بانک را دریافت می کرد. اهمیت اقتصادی این بانک بویژه در رابطه با عملیات تجارتی، وام، کنترل گمرکات و امور مالی ایران، گرفتن و دفعه و غیره معلوم می گردد. این بانک در طی ۴۰ سال از ۱۸۸۹ تا سال ۱۹۲۹ مبلغ ۸۹/۰۰۰/۰۰۰ لیره از عملیات خود در ایران سود کسب نمود. یک سال بعد یعنی در سال ۱۸۹۰ امتیاز بانک دیگری به روسيه داده شد. دو تن از سرمایه داران روسي بنام پولیاکف و وانالوویچ، امتیاز بانک استقراری را بدست آورده اند. مرکز بانک در پطرزبورگ بود و عملیات آن مستقیماً از سوی دولت و وزارت دارائی روسيه اداره می شد. این دو بانک و امها و قرضه های زیادی باریخ بالا به دولت ایران دادند. و امها و قرضه های ایران از بانک های خارجی کاملاً ایران را از لحاظ اقتصادی به بندگی کشورهای بیشتر فته سرمایه داری و امپریالیستی درآورد. جدول زیر این مسئله را روشن می کند:

"وامهای ایران از روسيه و انگلیس (هند واسطه انگلیس بود) "

| سال  | مبلغ                | محل دریافت     | مدت بازبرداخت | بهره | محل دریافت |
|------|---------------------|----------------|---------------|------|------------|
| ۱۸۹۹ | ۲۲/۵۰۰/۰۰۰ روبل طلا | روسيه          | ۲۵ سال        | .۵٪  |            |
| ۱۹۰۲ | ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ روبل طلا | روسيه          | ۲۵ سال        | .۵٪  |            |
| ۱۸۹۹ | ۳۱۴/۲۸۱ لیره طلا    | هندوستان       | ۱۵ سال        | .۵٪  |            |
| ۱۹۱۰ | ۱۱۱/۱۰۰ لیره نقره   | روسيه          | ۵۰ سال        | .۷٪  |            |
| ۱۹۱۰ | ۱۲۵/۰۰۰ لیره طلا    | انگلستان       | ۵۰ سال        | .۵٪  |            |
| ۱۹۱۱ | ۱۴۰/۰۰۰ لیره طلا    | انگلستان و هند | تعیین نشد     | .۷٪  |            |
| ۱۹۱۲ | ۲۰۰/۰۰۰ لیره طلا    | روسيه          | ۳ سال         | .۷٪  |            |
| ۱۹۱۲ | ۲۰۰/۰۰۰ لیره طلا    | روسيه          | ۲/۵ سال       | .۷٪  |            |
| ۱۹۱۲ | ۱۰۰/۰۰۰ لیره طلا    | انگلستان       | تعیین نشد     | .۷٪  |            |

یک اثر مستقیم فعالیت‌های بانک‌های روسیه و انگلیس در ایران تشدید تجارت و کمک به بازرگانان وابسته به خود بوده است : صدور سرمایه، صدور کالا را تشدید می‌کند .

این دو بانک تا قبل از جنگ اول جهانی سرمایه عظیمی را در ایران بکارانداخته بودند . کل سرمایه‌گذاری انگلیس تا قبل از جنگ جهانی اول ۹/۶ میلیون لیره استرلینگ و کل سرمایه‌گذاری روسیه ۱۶۴ میلیون روبل بود . بدینگونه کل منابع، امور مالی و تجارت ایران در دست امپریالیست‌ها قرار گرفت . امپریالیست‌های روسیه و انگلیس که از سایر امپریالیست‌ها قدرت اقتصادی و سیاسی بیشتری داشتند، ایران را به منطقه نفوذ مالی و سیاسی خود تبدیل کرده بودند . توسعه سرمایه‌مالی و نفوذ همه‌جانبه آن در ایران ، صدور سرمایه‌بدانگونه که گفتیم و سرمایه‌گذاری در رشته‌های سودآور موادخام، گسترش فعالیت بانک‌های امپریا- لیستی در ایران، موجبات انتقال از فئودالیسم به سرمایه‌داری و تسریع آنرا فراهم آورد . اما در عین حال از همان ابتدا بورژوازی محلی را در رابطه با مصالح و منافع خود قرار داد . این تحول را با غلبه منافع الیگارشی مالی سمت و سوی معین بخشید . این خصوصیات در سرتاسر تکامل بعدی سرمایه‌داری در ایران محفوظ باقی ماند و فقط با شکل‌گیری سرمایه‌صنعتی و ۰۰۰ دچار تغییراتی می‌گردید که بنویه خود از این الیگارشی تبعیت می‌کند .

\* \* \*

لینین در اثر داهیانه خود " امپریالیسم بمثابه ۰۰۰ " می‌نویسد :

" کشورهای صادرکننده سرمایه، جهان را به معنای مجازی کلمه بین خود تقسیم کرده‌اندولی سرمایه مالی به معنای حقیقی کلمه جهان را تقسیم نموده است " .

در آستانه قرن بیستم، ایران چه از لحاظ مالی و چه جغرافیائی به مناطق نفوذ میان روسیه و انگلستان تقسیم شده بود . این مسئله در قرارداد ۱۹۰۷ رسمیت می‌یابد . در این قرارداد ایران به سه منطقه شمالی (تحت نفوذ روسیه)، جنوبی (تحت نفوذ انگلستان) و مرکزی (بیطرف) تقسیم شده است . هریک از دو طرف که بواسطه شرایط جهانی ناگزیر بهم نزدیک شده و درواقع پایه‌های " آتنات " را می‌ریزند، حقوق و اختیارات یکدیگر را دقیقاً معین می‌کنند .

دریار ایران که سا افلاس و ضعف کامل رو برو شده است، عرصه بندوبستهای دیپلماتیک، خرد و فروتن امتیارات، واگذاری اراضی و معادن به امپریالیستها است. از این لحاظ دولت مرکزی اگر جه تابع هیجیک از امپریالیستهای روسیه و انگلیس نبست، اما در عن حال گاه زیر نفوذ این و گاه زیر نفوذ آن دیگری است. هریک از دو دولت سرای خود قوای خاصی در ایران دارند. فرمادهی نیروهای فراز بایک افسر ستاد روس است و در جنوب قوای انگلیسی (مستکل از سربازان هندی) در جزابر ایران و بعدا در نوار جنوبی و خوزستان از منافع انگلستان و بوبیزه نفت حمایت میکنند.

ساختمان قدرتهای امپریالیستی از قبیل آمریکا، فرانسه، آلمان و ۰۰۰ نیتر تلاشی خود را برای افزایش قدرت خویش چه از لحاظ اقتصادی و چه سیاسی به کار میبرند. بوبیزه تلاشی آلمان قابل توجه است. اما دریار ایران عمدتا تحت نفوذ انگلستان و روسیه قرار دارد. ایران در آستانه قرن بیست کشوری است که بقول لنین نیمه مستعمره نامیده مشود:

"سرمایه مالی و سیاست بین‌المللی مربوط به آن که شامل مبارزه دول معظم در راه تقسیم اقتصادی و سیاسی جهان است، یک سلسله شکلهای انتقالی وابستگی دولتی بوجود می‌آورد. صفت مشخصه این دوران تنها وجود دو گروه اصلی از کشورهای مستعمره دار و گروه مستعمرات نیست، بلکه وجود شکلهای گوناگونی از کشورهای وابسته نیز هست که در صورت ظاهر استقلال سیاسی دارند ولی عملا در دام وابستگی مالی و دیپلماتیک گرفتارند. ما بهیکی از شکلهای یعنی نیمه مستعمره قبل اشاره کردیم."

(لنین- امپریالیسم بمثابه ۰۰۰، ص- ۴۲۳)

لنین ایران را نیز در زمرة این کشورها قرار میدهد و این است وضعیت ایران در آستانه قرن بیست.

اینک خطوط کلی بحثی را که انجام دادیم یکبار دیگر بیان میکنیم:

۱- در شرایطی که روند جدائی تولیدکنندگان کوچک از وسائل تولید و کار خود و تمرکز سرمایه در دست عده قلیلی آغاز میشود، ایران کشور فئودالی متاخر است.

۲ - این تحول در رمانی انجام میگیرد که جهان سرمایه‌داری یا در نغییر به امپریالیسم دارد و ایران بزودی از لحاظ مالی و دبیلماتیک سازه ایان بیوست تحت نفوذ آن فرار گرفته و به کشوری بیمه مستعمره تبدیل میشود : کشوری فئودالی که تحت سلطه سرمایه مالی قرار دارد .

۳ - عملیات کشورهای سرمایه‌داری پیشرفت و بعداً امپریالیسم در زمینه‌های زیر انجام میگیرد :

الف - صدور کالا به میزان وسیع .

ب - صدور سرمایه، سرمایه‌گذاری، بهره‌برداری از منابع ارزان، زمین ارزان و کار ارزان در ایران .

ج - تاسیس بانک‌ها .

د - بهره‌برداری از منابع خام و محصولات کشاورزی .

ه - انواع امتیازات مختلف سیاسی و اقتصادی - سیاسی .

۴ - بورژوازی تجاری و بورژوازی ملاک در رابطه با امپریالیسم شکل توینی میگیرند و در واقع به بورژوازی بزرگ یا کمپرادر ایران تبدیل میگردند .

۵ - مناسبات و تولید کهن دچار تحول میگردد . زمین به بازار وارد میشود و تولید ارضی سمت بازار جهانی را بخود میگیرد و از لحاظ منعکسی با تقسیم بین المللی کار پیوند میخورد . همچنین پیشه‌وران شهری تحت فشار شدید دولت فئودال و بورژوازی کمپرادر تجاری قرار میگیرد . ورشکستگی، صفوف صنوف را دچار پراکندگی و گسیختگی مینماید . پیشه‌وران چه از لحاظ تولید و چه توزیع به تجار وابستگی می‌یابند .

۶ - در عین حال بورژوازی تجاری از لحاظ بعضی اصلاحات و تسهیلات با دولت فئودالی قاجاریه درگیری پیدا میکند . این بورژوازی در واقع خواهان اصلاحاتی است که راه را جهت تأمین سود خود در رابطه با امپریالیسم هموار سازد .

۷ - اولین گامهای جامعه بسوی سرمایه‌داری از درون آتش و خون ، استثمار وحشیانه دهقانان و خانه‌خرابی پیشه‌وران ، در اتحاد امپریالیسم و بورژوازی تجاری عمل برداشته میشود :

" سرمایه در جایی متولد میشود که از سرتاپا از تمام مساماتش

خون و گند بیرون میزند .<sup>۰</sup> " (مارکس-کاپیتال، فصل ۲۴)

۸- بنابراین ایران در این زمان وارد مرحله انقلاب دمکراتیک خویش میگردد و همانطوریکه میدانیم این انقلاب بواسطه حصلت بورژوازی ایران ، ناپیگیری خرد بورژوازی شهری، عدم شرکت فعال دهقانان ، در دور اول بدست روحانیون (بورژوا-ملک و فئوال) به انحراف کشیده میشودو دردور دوم نیز به علت ترکیب خود (سران عشاير از سوئی و امثال ستارخان و باقرخان از دیگر سو) به شکست میانجامد . امیریالیسم روس و انگلیس در سرکوب انقلاب ایران نقش فعالی را بازی میکنند (گرچه انگلیس بخاطر بعضی منافع خود در تضعیف دولت قاجار از مشروطه خواهان بوزوا-کمپرادور حمایت میکند .<sup>۰</sup> )

جنبش های دمکراتیک رادیکالتراز قبیل جنبش خیابانی، کوچکخان و کلنل محمد تقی خان پسیان نیز بعلت تناقضات درونی یا محدودیت دامنه خود و سرکوب امیریالیسم دچار شکست میشوند .

۹- در سال ۱۹۱۹ پس از انقلاب کبیر اکتبر در روسیه ایران طی قرارداد وثوق-الدوله به تحت الحمایگی و مستعمره کامل انگلستان در میآید که در مقابل اعتراضات توده ای این قرارداد غیرقابل اجرا میگردد . بدین ترتیب پس از بیش از ۱۵ سال مبارزه انقلابی در ایران ، دولتهای امیریالیستی بوسیله امیریالیسم انگلیس ، موفق میگردند ضمن سرکوب انقلاب در ایران ، حکومت مرکزی مطلوب خود را داشته باشند . شکست نهائی انقلاب با پیدایش دولت ارتجاعی - بورکراتیک رضاخان همراه بود که ما در بخش بعدی علل و ضرورت پیدایش و تغییرات ناشی از آن را ذکر می کنیم .

\*

\*

\*

حال پیش از پایان این بخش، موقعیت تاریخی ایران را در رابطه با آنچه گفتیم ، تعیین می نمائیم . انباشت اولیه سرمایه در ایران در شرایطی آغاز سد که تکامل نیروهای مولده و تمرکز سرمایه ها در اروپای غربی و آمریکا به شکل-گیری امیریالیسم منجر میشد . رابطه متقابل میان سرمایه پیشرفته منعقدی و بعد سرمایه مالی با جامعه متاخر فئodalی ایران، بمتابه رابطه سرمایه و شرایط پیش سرمایه داری با آغاز مرحله انباشت در ایران ، انباشت اولیه سرمایه در ایران را به بازار جهانی و سرمایه مالی پیوند می زند .

آنچه در این مناطق هنوز بازار واحد داخلی شکل نگرفته و سرمایه داری تقدیر نیافته، تجارت امپریالیستی قادر میگردد پیش از هرجیز بازار و بسط ادله کالائی را در رابطه با خود شکل دهد و بلافاصله با نطفه‌بندی امپریالیسم سرمایه‌مالی، در محیطی که شرایط اولیه سرمایه‌داری وزندگی سرمایه در آن ییدار گشته (جدایی تولید کنندگان کوچک از وسائل تولید، پیدایش بازار حدود داخلی، بورژوازی تجار- ملاک و غیره) جهت کسب سود بیشتر (ما فوق ود) صدور سرمایه را به ایران آغاز میکند .

" مادامیکه سرمایه‌داری حالت سرمایه‌داری باقی است ،

سرمایه اضافی به مصرف ارتقاء سطح زندگی توده‌های کشور معین نرسیده ۰۰۰ بلکه بمصرف ترقی سود از طریق صدور سرمایه به خارج یعنی به کشورهای عقب مانده خواهد رسید . در این کشورهای عقب‌مانده سطح سود معمولاً بالا است زیرا سرمایه‌ها اندک است، بهای زمین نسبتاً نازل و سطح دستمزد پائین و مواد خام ارزان است ."

دور سرمایه تحت ضرورت و امکان معینی صورت میگیرد که در مورد ایران مَا کان عمل سرمایه را در مباحثت قبلی خود دیدیم و ضرورت این صدور نیز در حلۀ امپریالیستی بصورت یک قانونمندی عمل میکند .  
یران در آستانه قرن بیستم مین علت به جوانگاه سرمایه‌های امپریالیستی بدیل میشود . لینین ببرامون این مطلب مینویسد :

" آنچه امکان صدور سرمایه را فراهم میسازد ، این است که یک سلسه از کشورهای عقب‌مانده اکنون دبّگر به دایرۀ سرمایه‌داری جهانی وارد شده‌اند، خطوط عمده راه‌آهن در آنها احداث گردیده و یا شروع به احداث شده، موجبات اولیه برای تکامل صنعت فراهم گردیده وغیره . آنچه ضرورت صدور سرمایه را بوجود می‌آورد، این است که سرمایه‌داری در محدودی از کشورها بش از حد نفع سافت و عرصه بکار انداختن سرمایه سودآور (در اثر شرایط عقب‌ماندگی کشاورزی و فقرتوده‌ها) تنگ شده است ."

اس امر تکامل سرمابه داری (بارسد اساست اولیه) را مستعینمای مسافع امبریا -  
لیسم مرسوط می سارد: رساله سلطه سرمایه مالی اس - سلطه انحصار اس و  
سرمایه اسخماری است . اما اس امر بلاغه معمای آن نیست که در ایران سرمایه -  
داری تحت سعود سرمابه مالی شکل مکبرد سرمابه مالی در اتحاد بانجارد اخلي  
توفيق حاصل نمود تولید خرد را در هم شکند ، رو ساهارا بسادله كالائي و بارار  
لکشاند ، بورزوازي ملاك را شکل بخشد و بورزوازي صنعنی رادر نفعه کند .  
بدین ترتیب در حالیکه سرمایه امپریالیستی (در اسکال مختلف خود) در شکل -  
گیری دو قطب نیروی کار و سرمایه نقش مهمی ایفا میکند ، از بهم پیوستگی کامل  
اس دو قطب در سرمایه صنعتی جلو میگیرد . اما اشكال انتقالی تولید سرمایه -  
داری در کشاورزی (بورزوازی ملاك) را رشد مبدده هم اسطوریکه خواهیم دید  
بررسی قطعی این دوره ممکن است مارا با خطاهای بسیار مواجه کند . بهمین  
علت ما تسبی در بروسه بعدی نحوی جامعه است که تاسرات و شدت رسید  
سرمایه داری را ، گسندر انباشت اولیه را ملاحظه خواهیم نمود .  
اهمیت دوره بررسی شده در این است که ایران از جهان کهنه و قرون وسطائی  
خارج شده و ناگهان در امواج متناظم جهان معاصر ، عصر امپریالیسم قرار گرفت .  
مارکس هنگام بررسی حملات و فعالیتهای برسانیا در هند در سال ۱۸۵۳  
نوشت :

" تاریخ مامور بتهای مفاسدی بر عهده انگلستان گداشته بود .  
تخربی و سجدید - یعنی نوعی جامعه کهن آسیائی و فراهم  
آوردن زیربنای مادی موجه جامعه غرسی در آسما ۰ ۰ ۰ ۰ شکی  
نیست که انگلستان نبات رزیلابهای در ایجاد انفلاب  
اجتماعی در هندوستان داشت و به شبههای ابلهانه میخواست  
نه مقاصد خود دست یاسد . اما باید بداییم که آیا بریت  
مبتوا برای نسل به قصد والای خود افلابی شالودهای در  
اوپاع اجتماعی آسما بوجود آورد . جایات انگلستان هرجه  
باشد ، این انقلاب انسان ، سمنزله عاملی ناگاه در ناریج بود .  
در این صورت ما آنکه اسفناک است این جس شاهد فرو  
ربخن دنیای کهر ناسیم ، جای دارد که این سخن گویی را

را بیاد آوریم : بایستی این تاریخ ما را به تلاطم آورد، چرا  
که شادی مان را می‌افزاید، آیا یوغ تیمور هزاران هزار انسان  
را نابود نکرده ۰

این ماموریت در عصر امپریالیسم، البته تغییراتی می‌یابد، اما حتی صدور سرمایه  
امپریالیستی که در برایر سرمایه صنعتی داخلی اینگونه کشورها دست به ویران  
سازی میزند، این حکم لنین صادق است که :

"صدور سرمایه به کشورهای دیگر در تکامل سرمایه‌داری آنها  
تأثیر بخشیده و بسی برس睿ت این تکامل می‌افزاید ۰"

نفوذ امپریالیسم در ایران از این لحاظ که بر سرعت انباشت در ایران افزوده  
است، چنین نقشی بازی کرده است اما بهمراه خود همانطوریکه خواهیم دید  
رنگها و الوانی را آورد که در خود این انباشت اولیه بسی تأثیر بخشیده، رشد  
سرمایه‌داری، انباشت اولیه در ایران با منافع امپریالیسم و سرمایه مالی پیوند  
نzedیک حاصل نمود ۰

\*

\*

\*

### ۳- تحولات اقتصادی ایران از انقلاب مشروطه تا سال ۱۹۰۵

"شكل‌گیری نهائی بازار داخلی، انتقال به شیوه تولید سرمایه‌داری"

در حالیکه روند انباشت اولیه در ایران آغاز می‌گردد، انقلاب مشروطه (۱۹۰۵-۱۱) شعله‌ور می‌شود اما انقلاب قادر به درک اساسی تربیت مسائل خود نمی‌گردد.  
انقلاب مشروطه باتوجه به صوف اجتماعی آن نمی‌تواند ریشه‌های کهن تاریخی را بشیوه‌ای انقلابی مورد تعریض قرار دهد. بخش اصلی نیروهای انقلاب که قادر بودند نقشی رادیکال و تکان‌دهنده در تحولات ایفا نمایند دعمتنا از صحنه دوربوده و یا تحت نفوذ مالکان و بورژوازی تجاری قرار داشتند : دهقانان ۰

ایوانف مینویسد :

"با وجود آنکه در برخی از شهرها و ایالات (تبریز-آذربایجان،  
رشت و گیلان) توده‌های وسیع خلق در نهضت انقلابی  
شرکت فعالانه‌ای داشتند، با این حال انقلاب سال‌های

۱۹۰۵ - ۱۹۱۱ ایران آنچنان انقلابی نبود که در آن ق شهرهای اصلی کشور نقشی بازی کنند . ضعف تکامل طبقه کارگر و تقریباً فقدان کامل پرولتاریای صنعتی در ایران در آن موقع آشکار گشت . شرکت دهقانان در انقلاب بقدر کفايت فعالانه نبود، جنبش دهقانی علیه قدرت شاه و خانه‌ها اگر جه در تمام بخش های ایران وجود داشت ولی فقط در آذربایجان و گیلان دامنه وسیعی پیدا کرده سود مانند معمول جنبش دهقانی سازمان نیافته، خودبخودی ، مجزا و محلی بودو در اولین وحله شکل مقاومت باسیو . امتناع از پرداخت مالبات و نظابر آن - را بخود گرفت . دهقانان که توده اصلی سکنه را تشكیل میدادند، هنوز سحد کافی به زندگی سیاسی کشور وارد نشده بودند، در صورتیکه در کشوری فلاحتی مانند ایران، موقفت اضلاع به این مسئله بستگی داشت که دهقانان تا جایی اندازه در مبارزه انقلابی شرکت میکنند ."

( انقلاب مشروطیت ایران - م . س . ایوانف ، ص - ۶۹ - ۷۰ )

جنبש انقلابی بدون پرولتاریای صنعتی و بدون شرکت فعال دهقانان ، در دور اول تحت رهبری بورژوا - ملاکان ، بعضی فئودالها و ۰۰۰ فرار گرفت و در دور دوم تحت رهبری خرد بورژواری ، سورژوازی کوچک تجاری و بعضی رهبران اسلحه عشایر و فئودالها . این نیروها ( بدون خرد بورژوازی ) که خود به اسری بالسم و فئودالسم بستگی داشتند و از مواضعی غیر انقلابی و اصلاح طلبانه در جنبش نفوذ کرده سودند راه آنرا بسوی شکست هموار ساختند . انوریته مذهبی مجلس اول سید محمد طباطبائی ، که بقول ابوالافق مترقی ترین مجالس ایران سود، در پاسخ دهقانان شورشی شمال که به مصادره اراضی و لغو مالبات برداختند . نلگراف ربر را مخابره نمود :

" مقصود از زحمات تابسیں، رفع ظلم بود . شماهالان عسوان را اسیاب ظلم قراردادید ۰۰۰ دست از شرارت بردارد . والا دولت مبارک خواهد داد و ماها مداخله خواهیم کرد . " ! جنبش دهقانی بوسیه در بسان جنگ امپریالیستی اول و ساقوط سزار بسم از سو

شکل گرفت و در نواحی شمال ایران نقش فعالی را در نهضت جنگل و تبریز بازی کرد. بدینگونه جنبش مشروطه تنها توانست سیستم کهنه تیولداری را از میان بودارد اما هیچ گام عملی واقعی در راه برداشتن موافع کهن از جلوی پای دهقانان برنداشت. اقدام دیگر مجلس یعنی اصلاح امر خالصجات نیز چنین سمت و سوئی نداشت. جنبش مشروطیت نیروهای عظیم شهری را حرکت درآورد، اما نیروهای عظیمتر روسنایی یعنی دهقانان را نتوانست به عرصه بکشاند. فئودالیسم جز در موارد محدودی نیز ضربه نخورد. اقدامات جنبش انقلابی گیلان و قیام خیابانی نیز در این مورد با شکست این مبارزات تاثیر محدود خویش را از دست داد. با این وجود انقلاب مشروطه به ساختمان سیاسی حاکمیت قاجار ضربه شدیدی نواخت. اجبار به اصلاحات و دگرگویی‌های اجتماعی را تشدید نمود و زمینه را جهت تحولات بعدی فراهم ساخت. شکست انقلاب مشروطه راه تکامل سرمایه‌داری در ایران را نیز دگرگون نمود. پیدایش سرمایه‌داری که خود پیش از مشروطه نیز در جریان بازار جهانی قرار گرفته بود، از این پس به نحو عمومی‌تری با این بازار پیوستگی حاصل کرد.

\* \* \*

اینک ما شرایط اصلی داخلی و خارجی پیدایش سرمایه‌داری در ایران را میدانیم. این شرایط در سطح جهانی امپریالیسم (سلطه سرمایه‌مالی) و در داخل ایران کشوری نیمه‌مستعمره و فئودالی است که در آن عناصر و ضروریات انتقال به سرمایه‌داری پدیدار شده‌اند. این عناصر و شرایط خود در پیوستگی با توسعه مبادله در داخل، تجزیه دهقانی و تجزیه پیشه‌وران در شهرها، پیدایش سورژوازی کمپرادر (تجاری- ملاک) موجودیت می‌یابند. بازار داخلی رو به توسعه می‌رود. راه‌های محدودی که کشیده شده بودند، امکانات رابطه میان مناطق مختلف کشور و بسط بازار را فراهم می‌سازند. نیروی عظیم بیکاران در شهرها پیوسته آماده فروش نیروی کار خود بودند. بورژوازی کمپرادر که نتوانسته بود در طی دوران انقلابی ۱۹۰۵-۱۱ و پس از آن آنگونه که منافعش می‌طلبید، تغییرات لازمه را فراهم سازد، اینک با ناتوانی در برابر جنگ و سپس شورش‌های انقلابی داخلی روبرو می‌شود. جنبش بورژوا- دمکراتیک تداوم می‌یابد. در کنار این عوامل باید توجه داشت که امپریالیسم انگلیس و کلا انگلیس و متهدینش از

اوپر ایران علی‌برغم منافع و سود سرشاری که می‌بردند، راضی نبودند. سرمایه‌های مالی آنطور که می‌باشد فادرنبووند بطور همه‌جانبه منافع خوبش را برآورده سازند.

برآکندگی فئودالی حاکم بر کشور و عدم وجود دولت مرکزی نبرومند که سر این برآکندگی غلبه کند و جنبش‌های انقلابی را خفه سازد نیز این شرایط را بیش از پیش نامساعد مینمود. امپریالیسم و فئودالیسم تا آن درجه بهم متحدند که منافع مشترک آنها ایجاد مینماید. فئودالیسم و امپریالیسم بیوسته منافع بگانه نداشته و گاهه بنا به مصالح خود و فشارهایی که یکی بر علیه خواسته‌ها و منافع دیگری یا متحدین داخلیش یعنی بورژوازی کمپرادور (تجاری- ملاک) وارد می‌کند، با یکدیگر دچار تضاد و درگیری می‌گردند. این مسئله در مورد بورژوازی کمپرادور که خود از طریق تولید ارضی و مالکیت زمین با فئودالها بیوندنزدیک نیز خورده است، صادق است. تجارت وسیع امپریالیستی، انحصار مواد خام و کشاورزی، سرمایه‌گذاری در رشته‌های مختلف تولیدی و صنعتی، عملیات بانکی سرمایه‌مالی از سوئی و منافع بورژوازی کمپرادور از دیگر سوابی‌جانب می‌کند که در چنین شرایطی در جهت ایجاد بازار داخلی و تسهیل سرمایه‌گذاری‌های امپریا- لیستی و تجارت، حکومت مرکزی نیرومندی وجود داشته باشد.

چنین حکومتی می‌باشد دو مشخصه اصلی را به‌حال داشته باشد:

الف - قادر باشد اتحاد فئودالها و بورژوازی کمپرادور را تامین کند و فئودالهای سرکش و ناسازگار و تجزیه‌طلب را سرکوب نماید.

ب - همچنین شرایط عمومی بهره‌کشی سرمایه‌مالی را فراهم‌سازد، جنبش‌انقلابی را سرکوب کند و "ثبات و امنیت" لازم را در این جهت پایه‌ریزی کند. تشریح مطلب فوق در درک ساختمان جامعه ایران از اهمیت بسیار برخوردار است. قبله دیدیم که از لحاظ اقتصادی توسعه مبادله در شهرها، بیدایش کشتیرانی، راه‌ها و بعضی صنایع، جدایی تولید کنندگان کوچک از تولید وغیره نخستین آثار پیدایش سرمایه‌داری را در ایران منعکس می‌نمودند. این شرایط اولاً می‌باشد تشديد شوند و گسترش یابندی‌عنی بازار داخلی بر روند مبادله کالائی بسط یابد و ثانياً سرمایه‌مالی و بورژوازی قادر باشند از این شرایط بهره‌برداری کنند. بویژه امپریالیسم انگلیس و متحدینش در داخل (باید توجه

داشت که امپریالیسم انگلیس پس از انقلاب کبیر اکثر ۱۹۱۷ یگانه کشوریست که از لحاظ اقتصادی و سیاسی در ایران مسلط میباشد، موقعیت سابر امپریا - لیست ها حتی در طی جنگ و پس از آن نتوانست هرگز به این درجه از سلطه بر سد امپریالیسم تازه‌یای آلمان نیز در این راه موقبی کسب نکرد و پس از شکست در جنگ امپریالیستی اول نیز موقتاً از ایران عقب نشینی نمود، اکه منافع تنگاتنگی در همه رشته‌های اصلی فعالیت اقتصادی یافته بودند و با افزایش تولید نفت این منافع بیش از پیش گسترش یافته بود، در برابر این مسئله قرار گرفتند. امپریالیسم انگلیس که این‌دعا سیاست دفاع از خوانین برآکنده و تشکیل حکومتهای محلی را در پیش گرفته بود بزودی در صدد یافتن راه حل دومی برآمد و حمایت خود را از این خوانین و فئودالها بطور مستقیم قطع نمود (از جمله همانگونه که میدانیم پس از قدرت یابی رضاخان، شیخ خزعل در خوزستان پشتیبان خود را آزادست داد) . از لحاظ تاریخی مفهوم این امر چه بود ؟

همانطور که گفتیم ضروریات رشد سرمایه‌داری در ایران، در ابتدا به شکل گسترش بازار داخلی متجلی شد. اما این امر نیاز به اصلاحات شدید واقعاً انقلابی داشت و انقلاب شکست خورده بود. فئودالیسم و سرمایه‌داری، ساختمان کنه و روند نو، آنچنان پیوندهای را در زیر ضربات انقلاب یافته بودند که بورژوازی کمپرادور ایران و در اساس بورژوازی ایران تغییرات را تنها در شکل سیاسی مدانقلابی آن میتوانست دنبال کند. ضدانقلاب خود بناگزیر و تحت تاثیر ترکیب و شرایط اجتماعی خود وظیفه گسترش سرمایه‌داری را بعده میگیرد؛ میان انقلاب و تحول سرمایه‌داری بشیوه بوروکراتیک - ارجاعی دومی پیروز میگردد. ضدانقلاب منافع خود را در بستر انباشت اولیه پیش میبرد.

بنابراین ضرورت دولت متمرکز داخلی در اینجا نه محصول اراده امپریالیستها و یا ضدانقلاب داخلی بلکه پیش از آن محصول ضرورت تاریخی جامعه است. اما این ضرورت خود در وحدت منافع با امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی بطور اعم است و هرچا که ضدانقلاب آنرا درک نکند، با زور به او فهمانده میشود. مارکس در مفهوم عام به این مسئله اشاره کرده و با درخشانی تمام آنرا تشریح کرده است :

" برخی اسالیب مزبور (اسالیب انباشت اولیه- فویسنده) بر

باشه خشونت آمیزترین اعمال فشار قرار داشت مانند سیستم استعماری . ولی همه آنها قدرت دولتی یعنی زور متصرفه تبدیل منظم جامعه را مورد استفاده قرار میدهند تا پرسوه تسریع نظام فئودالی بشیوه تولید سرمایه داری را شتابان تسریع کنند و گذارها را کوتاه سازند . زور مامای هر جامعه کهنسی است که آبستن نواست . "زور ، خود نیروی اقتصادی است . " (کاپیتال ، جلد اول ، ص - ۶۸۰ )

ناگفته پیداست که ضرورت تاریخی در ایران ، مبنی بر کل شرایط داخلی و خارجی مورد بحث ماست . ایران کشوری نیمه مستعمره بود و امپریالیسم قادر نبود آنرا بطور مستقیم و همه جانبیه مستعمره خویش سازد . امکان وجود دولت متصرفه داخلی و مجلس ملی (در شکل ظاهری آن ) و ارتش منظم نیز از همین جا پدیدار میگردد . ایران میتواند استقلال ظاهری داشته باشد و امپریالیسم نیز در شرایط تامین منافع خود با چنین استقلالی مخالفت نخواهد کرد . اگراین دولت متصرفه قادر باشد و هدفی را که گفتیم تامین نماید ، خود یک متعدد امپریالیسم و نیروی است که بطور مشترک از منافع بورژوازی کمپرادور و فئودالها تازمانیکه سازش دارند و همچنین بورژوازی امپریالیستی دفاع میکند . ما در ادامه همین مبحث مسئله دولت را در رابطه با انباشت اولیه سرمایه خواهیم شکافت و عامل تاریخی دیگری را که محصول شرایط پیش گفته است یعنی انباشت اولیه تحت لوای دولت و بوسیله آن را نشان خواهیم داد .

از اینجا ضرورت عمومی پیدایش حکومت رضاخان (وکلا خاندان پهلوی ) بارز میگردد . دولت متصرفه داخلی نیرومند منطبق با ضرورت توسعه بازار داخلی ، گسترش انباشت است و در عین حال منطبق با منافع بورژوازی امپریالیستی میباشد . اینست آنچه که در اینجا یعنوان ردپای اقتصاد در سیاست و دولت بمثابه زور و بمثابه "نیروی اقتصادی " باید دید . دولت فئودالی قاجاریه مضمحل گردید و در اثنای جنگ ، بمعنی واقعی کلمه از میان رفت و جای آنرا دولت متصرفه فئودال - بورژوا کمپرادوری رضاخان گرفت . پراکندگی فئودالی به تصرفه ، ارتش عشايری ایلیاتی به ارتش منظم ، بوروکراسی درباری بیفاایده به بوروکراسی متصرفه که در خدمت منافع بورژوازی کمپرادور و ... میباشد .

## مبدل شد

توسعه سرمایه‌داری بشیوه انقلابی دیگر ممکن نبود: عصر چنین توسعه‌ای بسر رسیده بود و جای خود را به اشکال بوروکراتیک - ارتقای و نظامی می‌سپرد. این بمعنای تداخل اولیه منافع سرمایه‌مالی و بورژوازی کشورنیمه مستعمره ایران بود. به معنای آن بود که سرمایه‌داری زمانی در ایران دوران انباشت اولیه خود را طی میکندکه در سطح جهانی دوران زوال خود را آغاز کرده بود و معنای آن بود که خود این کشوردر " تقسیم واقعی جهان " یعنی آن تقسیمی که سرمایه مالی برقرار کرده، قرارگرفته است. رضاشاه از همان آغاز کار دوهدف مذکور را تعقیب میکند:

**الف** - جنبش انقلابی را سرکوب مینماید و تا سال ۱۳۱۰ فعالیت کلیه احزاب را ممنوع می‌سازد و قوانین شدیدی برعلیه فعالیت سیاسی نیروهای انقلابی وضع میکند.

**ب** - فئودالهای گردنش و خودمختار را سرکوب کرده و آنان را وادار به متابعت از حکومت مرکزی می‌نماید. دستجات فئودالی رالغو و بجای آن ارتض منظم را قرار میدهد. در شهرهابه تاسیس شهربانی و در روستاهای زاندارمی می‌پردازد. امنیت و ثبات داخلی را تامین میکند.

\*

\*

\*

در فاصله زمانی مورد بحث ما که باید آنراز لحظه تاریخ انباشت بدوى سرمایه مورد ملاحظه قرارداد، همچنان جمعیت اصلی ایران را روستائیان تشکیل میدادند. البته بررسی دقیق ترکیب جمعیت‌نشان میدهدکه جمعیت شهری مرتباً رو به افزایش می‌رود:

"رشد جمعیت ایران (میلیون نفر)"

| سال  | شهری | درصد | روستائی | درصد | جمعیت کل |
|------|------|------|---------|------|----------|
| ۱۲۸۵ | ۲/۱۶ | ۲۱   | ۸/۱۳    | ۷۹   | ۱۰/۴۹    |
| ۱۲۹۵ | ۳/۲۲ | ۲۱   | ۸/۷۳    | ۷۹   | ۱۱/۰۵    |
| ۱۳۰۵ | ۳/۴۹ | ۲۱   | ۸/۳۷    | ۷۹   | ۱۱/۸۶    |
| ۱۳۱۵ | ۳/۹۳ | ۲۱   | ۱۰/۷۹   | ۷۹   | ۱۲/۷۲    |
| ۱۳۲۵ | ۴/۱۳ | ۲۶   | ۱۱/۸۰   | ۷۴   | ۱۵/۹۳    |

|       |    |       |    |       |      |
|-------|----|-------|----|-------|------|
| ۱۸/۹۶ | ۶۹ | ۱۳    | ۳۱ | ۵/۹۶  | ۱۳۳۵ |
| ۲۵/۷۹ | ۶۲ | ۱۶    | ۲۸ | ۹/۷۹  | ۱۳۴۵ |
| ۲۳/۷۰ | ۵۳ | ۱۷/۹۰ | ۴۷ | ۱۵/۸۰ | ۱۳۵۵ |

در فاصله ۴۰-۱۳۰۰ ترکیب جمعیت روستائی - شهری دچار تغییرات بسیار میگردد. تغییرات جمعیت چنانکه در جدول بالا آمده است نه مبتنی بر افزایش مطلق جمعیت بلکه همچنین و اساساً مبتنی بر تغییراتی مبادله از لحاظ روابط تولید در حال شکل گرفتن بوده است. این مطلب را با توجه به نرخ افزایش جمعیت شهری نسبت به روستائی نیز میتوان مشاهده کرد:

### "نرخ رشد سالیانه جمعیت شهر و روستا"

| دوره      | شهر  | روستا | کل   |
|-----------|------|-------|------|
| ۱۳۰۵-۱۲۷۹ | %۸   | %۸    | %۸   |
| ۱۳۱۳-۱۳۰۶ | %۱/۵ | %۱/۵  | %۱/۵ |
| ۱۳۱۹-۱۳۱۴ | %۱/۵ | %۱/۳  | %۱/۵ |
| ۱۳۲۵-۱۳۲۰ | %۱/۴ | %۱/۴  | %۱/۴ |
| ۱۲۴۹-۱۳۳۶ | %۱/۷ | %۱/۷  | %۱/۹ |

درصد رشد جمعیت شهرها هرچه به سالهای ۱۳۴۰ نزدیکتر میشویم، ببستر میگردد. گسترش جمعیت شهری همانگونه که جدول نشان میدهد در فاصله ۱۳۲۰-۱۳۲۵ برابر  $\frac{4}{4}$ % و در فاصله ۱۳۳۵-۱۳۴۰ برابر  $\frac{3}{5}$ % است، حال آنکه ارقام فوق برای روستاهای برابر  $\frac{1}{4}$ % و  $\frac{1}{7}$ % میباشد. جمعیت شهرها بطور کلی بمراتب سریعتر از روستاهای رشد میکند و شهرهای جدید بوجود میآیند. بررسی آماری نشان میدهد که در فاصله سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۰ در حالبکه جمعیت شهرها  $\frac{65}{65}$ % افزایش داشته، جمعیت روستائی تنها  $\frac{65}{65}$ % افزایش را نشان میدهد. بطور کلی در طی ۴۵ سال (۱۳۳۵-۱۲۸۹) تعداد شهرها، یعنی مناطق مسکونی

بالاتر از ۵۰۰۰ نفر جمعیت، از ۱۰۰ به ۱۸۶ افزایش پیدا کرد.  
مهاجرت از روستاهای کوچک به بزرگ و بطور کلی از روستاهای به شهرهاشت  
میگیرد. مهاجرت از روستاهای به شهرها یا بین روستاهای بزرگ اساساً خاطرکار  
(اعم از فصلی نا دائم) بوده است. تا سال ۱۴۴۳، ۲۸۶، ۱۱۵/۲۸۶ نفر به تهران،  
۳۴۸/۱۵ نفر به اصفهان، ۲۴/۷۸۰ نفر به شیراز، ۲۴۲/۶۳ نفر به تبریز،  
۶۱۶/۹۳ نفر به مشهد، ۱۰۵/۲۹۲ نفر به آبادان، ۳۴/۲۸۱ نفر به اهواز،  
۴۹۸/۱۲ نفر به همدان، ۳۰/۰۵۹ نفر به رشت، ۱۸/۴۶۵ نفر به قم و ۱۶۸/۳۲ نفر  
به کرمانشاه مهاجرت کرده بودنکه بخش اعظم آنان را سنین بالاتر از ۹ سال  
تشکیل می‌دادند.

مهاجرت در میان روستاهای کوچک و بزرگ نیز وجود داشت. این مهاجرت هائیز  
عمدتاً مربوط به کار، بوبزه کارهای فصلی میباشد. ما در سطور آینده این مسائل  
را بیشتر خواهیم شکافت. مبنابراین صرفنظر از هر تحلیل معین، در اینجا  
افزاش جمعیت شهر بزیان روستا خودبخود نشانه اهمیت یافتن شهرها و  
کشانده شدن بخش عظیمی از نیروهای ده به موقعیت کارگری و فروش نیروی کار  
خود چه بطور کامل و چه بطور موقت است. بدین ترتیب جمعیت شهرنشین که  
در اوخر قاجاریه تا اواسط دوران رضا شاه در حدود یک پنجم جمعیت را تشکیل  
میداد و در طی ۴۰ سال از ۱۲۸۰ تا ۱۳۲۰ نسبت به جمعیت کل کشور تقریباً  
ثابت مانده بود از آن تاریخ رشد سریعتری نشان داد و در سال ۱۳۳۵ به بیش  
از ۳۰٪ افزایش یافت.

همانطور که گفته شد، رقم مهاجرین بین شهرها و روستاهای بین روستا  
های بزرگ دائم افزایش یافته است. این قبیل مهاجرت‌ها چه به مناطق شهری  
و چه به مناطق روستائی اساساً بمنظور یافتن کار و کاربهرتر بوده است. در سال  
۴۳ رقم مهاجرین به ۴ میلیون نفر رسید که از این عده ۵۲٪ به شهرها و ۴۸٪  
به روستاهای دیگر مهاجرت کرده‌اند. علل مهاجرت در جدول زیر توضیح  
داده شده است:

"درصد مهاجرین بر حسب علت مهاجرت در سال ۱۳۴۳"

| <u>علل مهاجرت</u> | <u>به شهرها</u> | <u>به مناطق روستائی</u> | <u>درصد شهر به روستا</u> |
|-------------------|-----------------|-------------------------|--------------------------|
| جستجوی کار بهتر   | %۳۹             | %۶۰                     | %۷۰                      |

|      |      |       |            |
|------|------|-------|------------|
| %۳۵۰ | %۵   | %۱۲   | جستجوی کار |
| %۴۵۰ | -    | % ۲/۵ | تحمیل      |
| %۱۳۰ | %۳۵  | %۴۱/۵ | علل دیگر   |
| %۱۰۸ | %۱۰۰ | %۱۰۰  | جمع        |

بطور کلی درصد مهاجرت به شهرها %۸ بیشتر از روستاهابوده است با توجه به اینکه مهاجرین به شهرها را اغلب روستائیان تشکیل میدادند و مهاجرین بین روستاهانیز خوش نشینانی بودند که در جستجوی کار و برای کار به روستاهای دیگر میرفتند، میتوان ابعاد فوق العاده شدید رشد جمعیت شهری نسبت به روستائی را و بالنتیجه رشد جمعیت وارد شده در تولید سرمایه داری و مناسبات شهری را نسبت به جمعیت کشاورزی مشاهده کرد. علی الخصوص در فاصله ۱۳۳۵-۴۲ میتوان تشدید این امر را دید. ما در زیر نمونه هایی از شهرهای بزرگ را در مقایسه با دوره های قبلی آورده ایم :

| نام شهرستان | درصد مهاجرین داده شده<br>تا آخر سال ۳۴ | درصد مهاجرین داده شده<br>از ۱۳۳۵-۴۲ |
|-------------|--|-------------------------------------|
| تهران       | %۶۲                                    | %۲۸                                 |
| شیراز       | %۴۹                                    | %۵۱                                 |
| تبریز       | %۵۷                                    | %۴۳                                 |
| مشهد        | %۵۲                                    | %۴۸                                 |
| آبادان      | -                                      | (%۱۰۰) (تقربا)                      |
| اهواز       | %۶۴ (تاسال ۳۷)                         | %۳۶                                 |
| همدان       | %۶۳                                    | %۳۷                                 |
| رشت         | %۶۰                                    | %۴۰                                 |
| قم          | %۴۶                                    | %۵۴                                 |
| کرمانشاه    | %۵۲                                    | %۴۸                                 |

نکته قابل توجه دیگر این است که در فاصله سالهای ۱۳۳۵-۱۲۸۰ رشد تعداد روستاهای کوچک و کم جمعیت نسبت به روستاهای بزرگ و پر جمعیت سریعتر

بوده است : روستاهای کوچک (باجمعیت ۵۰ تا ۲۵۰) ۱۴ برابر روستاهای بزرگ با جمعیت بین ۱۰۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر ، ۵ برابر شده‌اند. این امر خود دنتیجه‌گشترش زمین‌های زیرکشت ، شرایط جغرافیائی محیط ، افزایش جمعیت و فقدان وسائل ارتباطی روستائی و غیره بوده است. این روند تقریباً از اواسط دهه ۱۳۳۰ گون شده است. یعنی علیرغم اینکه رشد متوسط سالانه تعداد روستاهای بزرگ از سال ۱۳۳۵ نسبت به گذشته کاهش داشته است ولی شدت این کاهش از روستاهای متوسط و کوچک کمتر بوده است :

| نوع روستا بر حسب جمعیت  | درصد تعداد روستاهان سمت به کل |       |       |
|-------------------------|-------------------------------|-------|-------|
|                         | ۱۳۳۵                          | ۱۳۲۵  | ۱۲۸۰  |
| بزرگ (۱۰۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر) | % ۵                           | % ۵   | % ۱۳  |
| متوسط (۲۵۰ تا ۱۰۰۰ نفر) | % ۳۴                          | % ۳۴  | % ۳۲  |
| کوچک (کمتر از ۲۵۰ نفر)  | % ۶۱                          | % ۶۱  | % ۵۵  |
| جمع کل روستاهای         | % ۱۰۰                         | % ۱۰۰ | % ۱۰۰ |

  

| درصد رشد متوسط سالانه تعداد روستاهای | از ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۵ | از ۱۲۸۰ تا ۱۳۲۵ |
|--------------------------------------|-----------------|-----------------|
|                                      | % ۲/۴           | % ۲/۸           |
|                                      | % ۱/۴           | % ۴/۶           |
|                                      | % ۱/۴           | % ۴/۸           |

با توجه به این حقیقت که جمعیت روستاهای بزرگ در فاصله ده سال از ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ تقریباً از ۴ میلیون نفر به ۵/۵ میلیون نفر افزایش می‌یابد، بهتر می‌توان به ابعاد مهاجرت از یک سو و توسعه روابط کالائی در روستاهای از دیگر سو پی برد. این بررسی را با نگرشی عمومی به ترکیب جمعیت فعال کشور و چگونگی توزیع آن در بخش‌های مختلف اقتصادی روبه پایان می‌بریم و علل و چگونگی نتایج حاصله را بررسی می‌کنیم.

در اواخر دوران قاجاریه اکثریت قریب به اتفاق مردان بالای ۱۰ سال به کار مستقیم تولیدی اشتغال داشته‌اند (۳/۸۱۲ میلیون نفر از ۰/۱۳ میلیون نفر - حدود ۰/۹۵٪). این موضوع در رابطه با مناسبات تولیدی حاکم در آن زمان کاملاً قابل توضیح است و اگر چه ما در این زمان با فرار و مهاجرت دهقانان همانطور

که قبلاً گفتیم روپروریم ، اما بیکاری و تراکم جمعیت روستائی در شهرها نوز  
رشد وسیعی نکرده است اما همانگونه که قبلاً در مورد سالهای آخر حکومت  
قاجار گفتیم بسط روابط کالائی و گسترش مبادله و نفوذ سرمایه در خرید و فروش  
زمین ، نسبت تعداً مردان شاغل به کل جمعیت فعال یعنی جمعیت بالای ۱۰  
سال در آن زمان کاهش می‌یابد . اگر امر آموزش را از این ترکیب مستثنی کنیم ،  
خواهیم دید که نیروی کار آزاد در حال تشکیل شدن است . در فاصله سالهای ۲۵  
تا ۳۵ بمیزان ۶٪ و در فاصله ۳۶ تا ۴۵ بمیزان ۷٪ در رابطه با نیازمندی‌های  
شیوه تولید سرمایه‌داری و گسترش جدائی تولیدکنندگان کوچک (علیرغم وسعت  
شان ) از وسائل تولید است . جدول زیر تصویر کلی مسئله را ترسیم می‌کند :

| سال | درصد مردان شاغل به کل | درصد توزیع شاغلین در بخش‌های مختلف | مردان بالای ۱۰ سال | کشاورزی | صنایع تولیدی | سایر مشاغل |
|-----|-----------------------|------------------------------------|--------------------|---------|--------------|------------|
|     |                       |                                    | ۱۲۸۵               | % ۹۰    | % ۹۵         | % ۱۰       |
|     |                       |                                    | ۱۳۰۵               | % ۸۱    | % ۸۵         | % ۱۴       |
|     |                       |                                    | ۱۳۲۵               | % ۷۲    | % ۷۵         | % ۲۳       |
|     |                       |                                    | ۱۳۳۵               | % ۶۲    | % ۵۶         | % ۴۲       |
|     |                       |                                    | ۱۳۴۵               | % ۵۳    | % ۴۶         | % ۵۱       |

تعداد کارکنان بخش کشاورزی از لحاظ درصد توزیع در فاصله ۱۲۸۵ تا ۱۳۴۵ نصف و از لحاظ جای گرفتن در روابط تولیدی دچار تغییراتی شده است . در همین مدت کارگران صنعتی (پرولتاریا) سه برابر و کارگران بخش خدمات ، ساختمان و خرده بورژوازی شهری و ۰۰۰ رویه مرغته ۵ برابر گردیده‌اند . مبالغه با در نظر گرفتن تعداد "مزد و حقوق بگیران" می‌توان پی برداش که درصد کارگران (کسانیکه نیروی کار خود را می‌فرخند) ارقامی بین ۹۲ تا ۹۷ درصد در سال ۴۵ بوده است . اگر تعداد دانش آموزان به موازات رشد تعداد "مزد و حقوق بگیران" رشد کرده است (از سال ۴۰ تا ۴۵) براحتی می‌توان نتیجه گرفت که در آن سال (۴۵) نیز ۹۲ تا ۹۷٪ مزد بگیران را کارگران تشکیل میداده‌اند . با چنین فرضی تعداد کارگران در فاصله ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۵ در بخش کشاورزی ۶٪ و در بخش صنایع و خدمات ۴٪ افزایش یافته است . در این فاصله خرده بورژوازی

کاهش بسی - سرمایه متغیر مماسب است در حالکه در کشاورزی سرمایه متغیر لازم برای سرمه برداری از یک قطعه زمین بطور مطلق کاهش می تابد و نهایا در صورتی افزایش پیدا می کند که زمین جدیدی به زیر کشت برده شود و این هم سوبه خود مستلزم افزایش باز هم بیشتر جمعیت غرب کشاورزی می باشد " (مارکس - کاپیتال ، جلد دوم )

اگر حه سوشه سرمایه داری در کشاورزی بوزه در مرحله مورد بحث ما محدود بوده است اما بطور مطلق سخن مارکس خصصه تحولات جمعیت در ایران را بخوبی معکس می کند برای آنکه این مسئله باز شود باید مناسات و تحولات آن در جامعه دنبال کنیم .

\* \* \*

این تغییرات جمعیت خود مبنی سر تغییرات اساسی دیگری بوده است . قاعده عامی که ما در بخش بک بدان اشاره کردیم - مبنی بر دوران انباست اولیه - در انجاهم صادق است . جامعه ایران در سرتاسر فاصله زمانی ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۱ هم چنان جامعه ایست که در آن فئودالیسم بقا داشته و ارلحاظ مناسب تولید غالب بوده است . اما روندی که در دل فئودالیسم مناخ قاجاریه آغاز شده بود بطور دما فرونی ادامه می باید . روایای اصلی این روند عبارتند از :

- ۱ - گسترش مبادله کالائی ، تجارت و تولید سرمایه داری .
  - ۲ - نجزیه دهفانی ، نفوذ سرمایه داری در روستاهای و کشاورزی شدن دهقانان به مبادله کالائی .
  - ۳ - توسعه روند انباست اولیه سرمایه در ایران .
  - ۴ - حضور امپریالیسم ( سرمایه مالی ) سطور کلی در روند مورد بحث .
- موارد فوق را مورد مطالعه قرار می دهیم :

۱ - گسترش مبادله کالائی ، تجارت و تولید سرمایه داری :  
در فاصله ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ تجارت داخلی و خارجی ، علیرغم آنکه در مقاطع زمانی معین نابت مانده است ، اما بطور کلی رشد یافته است . توسعه تجارت بهمراه پیدایش مانوفاکتورهای سرمایه داری در شهرها و همچنین گسترش سرمایه داری در روستاهای نقاط اصلی تغییرات جامعه را می سازند .

بایه‌های تکامل سرمایه‌داری در شهرها نیز ریخته می‌شود. از اولین اقداماتی که حکومت رضاخان به علل سیاسی-نظامی و جهت استیلا بر کل کشور بدان دست زد، گسرش راه و راه آهن بود. طبیعی است که در هر دو مورد امپریالیست‌ها منافع فوری مستقیم داشتند. گسرش راه‌ها موجب نزدیکی نواحی مختلف را بهم فراهم کرد. راه‌ها، بنادر مهم را بهم وصل نمود، فاصله‌ها را کوتاه کرد و هزینه حمل و نقل را کاهش داد. راه آهن که تحت تاثیر منافع امپریالیسم آلمان و بخارتر تسلط بر شرق و مبارزه با امپریالیسم انگلیس و دولت جوان سوسیا-لیستی شوروی بنای آن آغاز گردید، برای اولین بار نقاط دورافتاده را بهم پیوند زد.

دولت در سال ۱۳۰۵ برنامه‌ای زیر عنوان "پروژه پیشنهادی ساختمان طرق در ایران" طرح کرد که طبق آن قرار بود با هزینه ۴۵۰ میلیون ریال در طی ۹ سال ۱۷۰۰ کیلومتر راه شوese در ایران ساخته شود. در سال ۱۳۰۸ وزارت طرق و شوارع تاسیس شد. بیش از سال ۱۳۰۵ فقط ۲۴۰۰ کیلومتر راه شوese در ایران وجود داشت. در سال ۱۳۱۷ طول راه‌های شوese به ۱۲۱۳۰ کیلومتر و سپس با تعمیر و تبدیل برخی راه‌های مال رو به ۲۴ هزار کیلومتر رسید (۵۰ کیلومتر آسفالت).

در طی جنگ دوم بعضی راه‌های ایران جهت عملیات تدارکاتی متفقین آسفالت شد. بدین ترتیب در طی برنامه ناتمام اول ۱۰۰۰ کیلومتر راه شنی با هزینه کل ۲۱۶ میلیون ریال ساخته شد. پس از کودتا و در طی برنامه دوم (تا سال ۴۱) مبلغ ۳۰ میلیارد ریال از کل اعتبارات برنامه‌ای به راه‌سازی رسید: ۲۷۰۰ کیلومتر راه آسفالت، ۲۸۰۰ کیلومتر راه شنی درجه ۲ و ۳ ساخته شد.

ساختمان راه آهن نیز در همین مرحله انجام گرفت. جمع کل هزینه آن ۳۰ میلیون لیره انگلیسی بود که ۴۰٪ آن از ارز خارجی تامین می‌شد. این پروژه که در سال ۱۳۰۶ آغاز شده بود، در سال ۱۳۱۷ بپایان رسید. پس از سال ۳۲ نیز راه آهن مشهد-شاہرود بطول ۵۳۵ کیلومتر در سال ۳۵ به پایان رسید. همچنان در سال ۱۳۳۶ راه آهن میانه-تبریز بطول ۱۶۰ کیلومتر تکمیل شد (ر. ک. ۰. به رشد روابط سرمایه‌داری در ایران - م. سوداگر).

باید توجه داشت که اسکله‌ها و بنادری در شمال و جنوب در طی این مدت ساخته

شد راههای هوایی افتتاح گردید (داخلی و خارجی) و روابط میان مناطق از طریق پست-تلگراف و تلفن تسريع گردید.

تعداد وسائل نقلیه موتوری در طی همین مدت مرتباً رو به افزایش نمود. اگر ۱۰۰۰ دستگاه در سال ۱۳۰۳ در ایران فعالیت میکردند، در سال ۱۳۰۸ به ۱۲۰۰۰ رسیده و در طی سالهای بعد تا جنگ مرتباً سالانه ۱۰۰۰ نتاً واحد افزایش داشته‌اند. مسوداً گر مینویسد:

"در نتیجه ساختن راههای تازه و بکار بردن وسایط نقلیه

موتوری، کرایه حمل بار داخلی بین سالهای ۱۳۰۳ - ۱۳۰۶

در صد و بین سالهای ۱۳۰۶ - ۱۳۰۹، ۴۰ نتاً در صد

نشز لکرد و زمان حمل بار نزدیک نقطه به نقطه دیگر

کاهشی فاحش یافت. مثلاً زمان حمل بار از بوشهر به ران

از ۳۰ روز به ۳ روز تقلیل پیدا کرد."

مطابق جدول زیر میتوان سرعت افزایش وسایط نقلیه را ملاحظه کرد:

"تعداد وسائل نقلیه قمره شده بین سالهای ۱۳۲۷ - ۴۰ (تعداد به هزار)"

| سال  | ماشین سواری | کامیون | وسایل دیگر | جمع   |
|------|-------------|--------|------------|-------|
| ۱۳۲۷ | ۱۲/۴        | ۱۱/۷   | ۴/۱        | ۲۹/۲  |
| ۱۳۲۸ | ۱۵/۹        | ۱۴/۱   | ۴/۶        | ۳۴/۹  |
| ۱۳۲۹ | ۱۹/۶        | ۱۵/۳   | ۵/۲        | ۴۰/۱  |
| ۱۳۳۰ | ۲۲/۲        | ۱۴/۶   | ۴/۸        | ۴۰/۷  |
| ۱۳۳۱ | ۲۲/۵        | ۱۵/۵   | ۵/۴        | ۴۴/۴  |
| ۱۳۳۲ | ۲۵/۳        | ۱۶/۵   | ۵/۳        | ۴۷/۲  |
| ۱۳۳۳ | ۲۹/۱        | ۱۸/۷   | ۵/۹        | ۵۳/۸  |
| ۱۳۳۴ | ۳۳/۷        | ۲۰/۶   | ۹/۸        | ۶۴/۱  |
| ۱۳۳۵ | ۴۱/۱        | ۱۹/۹   | ۱۰/۶       | ۷۱/۶  |
| ۱۳۳۶ | ۵۲/۵        | ۲۵/۵   | ۱۰/۴       | ۸۸/۵  |
| ۱۳۳۷ | ۶۷/۲        | ۲۸/۵   | ۱۳/۸       | ۱۰۹/۵ |
| ۱۳۳۸ | ۷۹/۵        | ۳۱/۹   | ۱۵/۹       | ۱۳۷/۳ |

|       |      |      |      |      |
|-------|------|------|------|------|
| ۱۵۰/۲ | ۲۰/۶ | ۳۵/۵ | ۹۴/۱ | ۱۳۳۹ |
| ۱۵۱/۹ | -    | ۵۴/۵ | ۹۷/۴ | ۱۳۴۰ |

سرعت مبادله محصولات داخلی و خارجی با این گسترش راه و افزایش وسایط نقلیه که فقط از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۴۰ بیش از ۵ برابر افزایش داشته به نسبع روابط کالائی کمک بر جستهای نمود . بهمین علت شرکتهای راهسازی که سود - های کلان از عملیات خود میبرند، بوجود آمدن دو تدریجاً توانائی و ساختمان راه آهن نیز بدون کمک خارجیان در مهندسین و شرکتهای ایرانی پیدا شد . تعداد شرکتهای ساختمانی از ۲۷۲ در سال ۱۳۳۴ به ۸۳۸ در یايان سالهای ۳۰ رسید . به اضافه شرکتهای حمل و نقل بسیاری نیز شکل گرفت ۳۰ شرکت حمل و نقل در سال ۱۳۱۴ مشغول فعالیت بودنکه در سال ۱۳۴۰ تعداد آنها به ۲۳۲ یعنی ۷ برابر افزایش یافت و سرمایه اشان از ۲۱ میلیون ریال به ۲۲۵۸ میلیون ریال رسید . باز هم نرخ کرایه کاهش یافت، رابطه میان شهرها و روستا های اطراف و دورافتاده تسریع شد . تجارت خارجی بویژه رونق گرفت و زمینه ارتباطی مبادله کالائی گسترش فوق العاده یافت . گسترش مبادله کالائی و تجارت بهمراه گسترش راه، راه آهن، بنادر و ارتباطات فزونی میگیرد . خصلت تجارت بین المللی و داخلی اگرچه تفاوت اساسی نمیکند، اما روندی مبتنی بر انباست روبه رشد سرمایه میگرد . اگر بخاطر داشته باشیم واردات و صادرات ایران در دوره قبلی مورد بررسی، اساساً کالاهای مصرفی و مواد خام کشاورزی و معادن بودند، این ترکیب تدریجاً تغییر میکند و عناصر نوینی در آن رشد میکنند . ناگفته پیداست که تجارت دانلی و خارجی خصلت انتظامی بیشتری نیز می یابند . در فاصله سالهای ۱۳۰۰-۴۰ هم چنان جامعه ایران فئودالی است ، اما فئودالیسمی که گامهای زوال را بر میدارد . تجارت داخلی دو محور اصلی دارد : اول، تجارت مصنوعات و تولیدات پیشه وران و دهقانان در داخل، دوم ، تجارت همیں محصولات و اساساً محصولات کار دهقانان با خارج .

بورزوای تجاری و ملاک در اینجا ابعاد تاریخی فعالیت خود را وسیع تر میدهند . اگر چه آمار و نوشته دقیقی از میزان و جگونگی تجارت داخلی وجود ندارد، اما واقعیات نشان میدهد که بموازات توسعه راهسازی و تجارت خارجی،

تجارت داخلی (یعنی مبادله محصولات تولید شده در داخل و وارد شده از خارج) سرعت و کمیت بینت از پیش می‌یابد. نه فقط اربابان و بورژوا-ملکان بلکه دهقانان خرد مالک نیز محصولات خود را در بازار عرضه می‌کنند. تجار وظیفه جمع‌آوری محصولات تولید کنندگان خرد و دهقانان را همچنان اجرا می‌کنند و در عین حال کسبه و پیشه‌وران را بر اساس تجارت امپریالیستی تجدید سازمان می‌نمایند. کمیت پیشه‌وران و کسبه شهری رو به فزونی می‌گذارد.

بررسی نجارت نشان مبدهد که نیازهای امپریالیستی ساز هم بیشتر تجار مالک شده را به تولید محصولات منعی می‌کشانند و حتی دهقانان خرد مالک را نیز به این سمت می‌کشانند. علاوه بر نیازهای امپریالیسم، نیازهای بازار روبه گیرش داخلی نیز این امر را ابجات می‌کرد. تولید کشاورزی در تمام فاصله ۴۰۰-۱۳۰۰ عمدۀ ترین رشته اقتصاد می‌باشد. علاوه بر آنکه همیشه بخش مهمی از درآمد غیرنفی دولت را کشاورزی تشکیل می‌دهد و ۹۰٪ صادرات غیر نفتی نیز به این رشته تعلق دارد. ما در سطور بعدی این موضوع را بازهم خواهی‌یم تکلفت. اما ساید توجه داشت که تولید کشاورزی در ایران همچنان بطور عمومی مبتنی بر روابط فئودالی است و تجار شهری و ملکان نیز عموماً دهقانان را در راطه با بازار به مبادله می‌کشانند. علاوه بر فروش تولید مازاد کشاورزی در بازار تولید برای فروش از طریق رخنه سرمایه‌داری در کشاورزی بوجود می‌آید. از اینجا می‌توان محصولات کشاورزی ایران را به دو دسته اصلی تقسیم کرد: محصولات جهت مصرف داخلی و محصولات صنعتی جهت تولید مصرفی (و یا محصولات برای فروش به خارج و بعضی صنایع داخلی).

عمده نرین سولیدات کشاورزی هم چنان گندم و جو هستند. چهار پنجم سطح کل اراضی مزروع کشور را غلات بخود اختصاص داده بودند، بطوریکه فقط گندم و جو ۴۰ تا ۳۵ درصد ارزش محصولات کشاورزی را به خود اختصاص می‌داد. نگاهی به ترکیب تولید کشاورزی ممکن است:

عمده، مسئله را بهتر باز می‌کند:

"تولید متوسط سالیانه محصولات عمده کشاورزی کشور در دوره های ۵ ساله از ۱۳۰۴-۱۳۲۸ (مقدار به تن متريک) - جولييان باري، توسعه اقتصادی ايران - ص ۱۳۴"

| محصول<br>گندم | ۱۳۰۴-۸ | ۱۳۰۹-۱۳ | ۱۳۱۴-۱۸ | ۱۳۱۹-۲۳ |
|---------------|--------|---------|---------|---------|
| جو            | ۵۸۰    | ۶۳۰     | ۷۹۰     | ۶۰۰     |
| برنج          | ۲۷۰    | ۴۲۰     | ۳۹۰     | ۳۵۰     |
| بنیه          | ۲۰     | ۲۰      | ۳۸      | ۲۲      |
| توتون         | ۷      | .۱۱     | .۱۵     | .۱۴     |

| محصول<br>گندم | ۱۳۲۴-۲۸ | ۱۳۲۹-۲۲ | ۱۳۲۴-۲۸ | ۱۳۲۴-۲۸ |
|---------------|---------|---------|---------|---------|
| جو            | ۸۶۰     | ۸۱۰     | ۲۱۶۰    | ۲۷۰۰    |
| برنج          | ۴۳۰     | ۴۵۰     | ۴۵۰     | ۴۵۰     |
| بنیه          | ۱۹      | ۴۱      | ۴۱      | ۱۴۰     |
| توتون         | ۱۴      | ۱۵      | ۱۵      | ۱۲      |

همانگونه که مشاهده می شود اقلام اصلی تولید کشاورزی شامل محصولاتی جو ن، برنج، توتون، بنیه، خرما و خشکبار توسعه یافته و حجم آن افزایش داشته است . قبله دیدیم که بخش مهمی از محصولات کشاورزی که در رشته های صنعتی مورد استعمال داشتند، توسط بورژوازی تجاری و ملأک به بازارها عرضه می شد . تغییر واسطه تجاری بزرگ در رابطه با این محصولات تنها درآمد مالکین و تجار را افزایش داد . دولت در سالهای ۱۳۱۰ با تاسیس شرکت های انحصاری، حشو انحصاری معامله محصولات عمده کشاورزی مانند: غله، بنیه، تریاک، چای، قند و شکر، ابریشم و کتیرا را در اخبار خود در آورد . در دوران حکومت رضا خان علاوه بر راه ها که مبادله را تسريع نمود، دهها کارخانه تهیه مواد غذائی بوجود آمد که تولیدات کشاورزی را مستقیما به مصرف تولید مواد غذائی

میرسانید از قبیل : قسد، شکر، موسسات کمپوت سازی و کنسرو غسدا و ...  
بولید سرخی محصولات صنعتی و سمعا در کشاورزی بوبزه در دهه ۳۰ رواح  
سافت . این امر مربوط به نیاز سازار از سوئی و نثار کارخانه‌های صنعتی (چه  
در داخل وچه در خارج) از دیگر سوبود . بدین ترتیب سطح زیرکنست  
محصولات تجاری و صنعتی وسعت میگیرد و رقم این محصولات در صادرات  
افراش می‌یابد . این امر تقریبا در باره کلبه افلام اصلی مورد بحث صادق  
است .

سابد بوجه دانست که با توسعه منابع در داخل بخشی از تولیدات کشاورزی  
صنعتی و گاه کل آن جذب بازار داخلی شده است . نمونه چغندر و نیشکر از  
آن فیلید . با بیدایش ۸ کارخانه قند دولتی در فاصله ۲۰ - ۱۳۱۰ کشت  
حقدر برای این کارخانه‌ها گسترس بافت و در فاصله ۱۰ سال به ۱۱۷۴ هزار  
تن رسید . پس از جنگ تولید قند و شکر بعلت کمبود وسائل بدکی کاهش  
بافت ولی از سال ۱۳۳۰ مجددا و با گسترش نولید خصوصی قند و شکر، تولید  
چغندر چشم‌انداز نوینی بیدا کرد . در فاصله ۴۱ - ۱۲۳۷ محوصل جفند ر به  
۷۰۰ هرار تن متوسط سالانه (۳ برابر سال ۱۲۱۹) رسید . در فاصله ۵ سال  
بسن از ۴ میلیون تن چغندر قند تولید شد . در مورد محصول چای سوداگر  
می‌سویسد :

" محصول کل چای داخل در سال ۱۳۳۸ به ۷۰۰۰ تن رسید  
که بطور متوسط از هر هکتار باغ ۵۰۰ کیلو جای خسک  
محصول برداشت شده سود رفته رفته در کنار باغات چای  
کارخانه‌های چای تاسیس گردید و تعداد این کارخانه‌ها تا  
تا سال ۴۴ به ۱۳۴ رسید . "

( رشد روابط سرمایه‌داری در ایران، ص-۱۴۰ )

سوتون نیز وضع مشابهی پیدا کرد :

" میزان محصول توتون و تنباقو در سالهای بین ۱۳۲۰ تا  
۱۳۴۰ از حدود ۴ میلیون کیلو به بیش از ۱۸ میلیون کیلو  
وارش کل آن به قیمت جاری از حدود ۲۴ میلیون ریال  
به حدود ۸۰۰ میلیون ریال افزایش یافت . بخشی از ازدیاد

محصول نتیجه بالا رفتن بازده کار در هر هکتار بود، بطوریکه مقدار هر هکتار از ۴۱۶ کیلو در سال ۱۳۲۰ به ۵۴۹ کیلو در سال ۱۳۴۰ یعنی حدود ۲۵٪ افزایش یافت و لی بخش عمده افزایش محصول نیز نتیجه افزایش سطح زیر کشت بود.<sup>۱۴۳</sup>  
( همانجا، ص- ۱۴۳ )

بهمراه این امر تهیه و تجارت داخلی فرآورده‌های توتون نیز رواج یافت و با توجه به مصرف همگانی آن بازار مطمئن برایش بوجود آمد.

" پس از جنگ‌اول جهانی و بیوژه در سالهای دهه ۱۳۱۰ میزان صادرات برنج افزایش یافت چنانکه در سال ۱۳۳۵ به ۴۷ هزار تن رسید. در سال ۱۳۱۹ ، ۳۷ هزار تن بود در سال ۱۳۳۱ به ۶۲ هزار تن افزایش یافت. اما تا سال ۱۳۴۰ تقریباً چیزی برای صدور باقی نماند. (بطور نسبی کاهش یافته ) محصول برنج بین فاصله سالهای ۱۳۰۴-۸ تا ۱۳۳۴ از ۲۷۰ هزار تن در سال به ۴۵۰ هزار تن رسید. این افزایش بطور عمده ناشی از ازدیاد سطح زیر کشت برنجزارها بود تا بهبودی شیوه‌های کشت ... " ( همانجا، ص- ۱۴۶ )

در مورد پنجه نیز همین مسائل صادق بود. علاوه بر این پشم و پوست را نیز باید به این مجموعه اضافه نمود.

صنایع تولید مواد غذائی در رابطه با کشاورزی نیز روبه گسترش نهاد. آرد- سازی، تولید قند و شکر، کارخانه‌های چای و برنجکوبی، روغن نسانی، شیر پاستوریزه، کمپوت و مربا سازی و ... همگی به رونق تولیدکشاورزی برای بازار کمل بسیار نمودند.

بنابراین محصولات کشاورزی بیوسته بمیزان قابل توجهی بخش مهمی از صادرات غیر نفتی (تا ۹۰٪) ازو شیوه و بخشی از صنایع داخلی را در رابطه با خود تشکیل میدادند. ما مناسبات ناشی از این تغییرات را در جای خود نشان خواهیم داد.

بخش دیگری از تجارت داخلی مبتنی بر تولید خردۀ کالائی پیشه‌وری بود. این تولیدات شامل منعت فرش (۶۳/۲ درصد صنایع خانگی)، ریسندگی و بافنده‌گی

(۱۱/۷) درصد ، مواد غذائی (۸/۶ درصد) و دوزنده‌گی (۴/۶ درصد) و غیره می‌شد از مجموع ۹۰۰ نفر کارکنان صنایع کوچک ۱۱۸۴۸۰ نفر یعنی ۴۰٪ آن را مالکین و کارفرمایان تشکیل میدادند در صنایع بزرگ این نسبت ۳٪ کارفرما و مالک و ۹۷٪ کارگران و کارکنان تولید بوده است در مورد صنایع کوچک میزان کارگران ۵۱٪ بوده است .

تولید خرد پیشه‌وری و کارگاهی کوچک که در آن مالک خود نیز در تولید شرکت می‌ورزید، ضمن آنکه نشانه قرارگرفتن تولید کننده کوچک در بازار وسیع‌تر و مبادله عمومی تر کالاهاست ، در عین حال انعکاس عدم رشد سرمایه‌داری بطور همه‌جانبه است . بویژه آنکه این تولید کنندگان در موارد بسیاری در رابطه با بازار و نه تولید سرمایه‌داری قرار می‌گرفتند . توزیع کنندگان نوین کالاها را در شهرها و روستاهای باید به این مجموعه افزود که اساساً تولید داخلی و خارجی را به فروش میرسانند . گسترش تولید خرد انسکاس دو جانبه تجزیه مناسبات فئodalی و در عین حال وجود مرحله انتقالی بشکل تولید خرد می‌باشد . با این وجود مهمترین بخش تجارت در ایران که در تشديد مبادله کالائی نیز نقش بزرگی ایفا می‌کند، تجارت خارجی است . تجارت خارجی به تجارت داخلی نیز دامن زده و آنرا گسترش داد . تجارت خارجی که اساساً مبتنی بر تولید نفت و ارزهای ناشی از آن است ، در این مرحله نیز خطوط مهمی از تکامل سرمایه - داری ایران را رنگ می‌زنند و قانونمندیهای پیدایش بازار داخلی را بشدت رنگ می‌زنند . ما این امر را هم اکنون بررسی می‌کنیم .

قبل امیدانیم که بورژوازی کمپرادور تجاری و بورژوازی ملاک چگونه تجارت مصنوعات امپریالیستی را آغاز کردند و این امر چه تاثیر شگرفی در سمت و سو خشیدن به تولید و تجارت داخلی بخشدید . عرصه فعالیت امپریالیستها در ایران با توسعه راهها ، افزایش درآمد نفت و شکل‌گیری بازار داخلی مرتب وسعت می‌گیرد و سرمایه مالی راهها و زمینه‌های نوینی را در جهت تامیل منافع خویش در ایران دنبال می‌نماید . امپریالیستها که بنا به نیازهای خود نفت و مواد خام کشاورزی ایران را با منافع خویش منطبق ساخته بودند ، بموازات افزایش درآمد نفت ، صادرات کالا به ایران را افزایش دادند . این افزایش البته متناسب با خواسته‌های بورژوازی تجاری و دولت نیز بود . این

بار بورژوازی تجاری و ملاکان که در قدرت دولتی نیز سهیم بودند از مسائل مت و سازش با فئودالها را طی میکردند، توسعه بازار داخلی را با گسترش منافع سرمایه مالی پیوند عمیقترا دادند.<sup>۱۰</sup> امپریالیستها در برابر خرید نفت از ایران، ارزهای خود را که بصورت ورقه‌های اعتباری به ایران تحويل میدادند، در بازار و با صدور کالا باز میگرداندند.<sup>۱۱</sup> ما در این نقطه خصوصیات شکل گیری بازار داخلی را مشاهده خواهیم کرد.

در آمد نفت ایران با وجود آنکه کلیه قراردادهای نفتی همیشه بسود امپریالیسم انگلیس و بعدها آمریکا و انگلیس بود (۳۲ به بعد) بطور مطلق رو به افزایش بود. قراردادهای ۱۳۱۱ و ۱۳۳۳، تجدیدنظرهای مختلف در قراردادهای نفتی بهیچوجه خصلت این قراردادها را تغییرنداد.<sup>۱۲</sup> اما افزایش تدریجی در آمد ایران از نفت که در دست دولت مرکز بود و از این طریق میان بورژوا-امپرادرها تقسیم میگردید، مستقیماً تجارت خارجی ایران را افزایش داد.<sup>۱۳</sup> به درآمد ایران از نفت در طی سالهای مختلف و حجم تجارت خارجی در جدول ترکیبی نظری می‌افکنیم (جدول ۱ و ۲). همچنانکه نفت هرچه به پایان این دوره نزدیک میشویم رقم اصلی صادرات ایران را تشکیل میدهد، ترکیب واردات نیز تدریجاً تغییر میکند.<sup>۱۴</sup> این تغییر مناسب است با رشد صنایع در کشور و نیازمندیهای بخش صنعت، یعنی اقلام مواد خام و وسائل تولید در واردات افزایش پیدا میکند.<sup>۱۵</sup> به این ترتیب سرمایه تجاری و تجارت خود موجبات ورشکستگی اولین کارخانه‌ها را در ایران فراهم کرده بود، در پیوند با سرمایه به برآوردن پاره‌ای نیازمندیهای صنایع و وارد کردن وسائل تولید می‌پردازد.<sup>۱۶</sup> درصد کالاهای سرمایه‌ای وارداتی نشان میدهد که حجم وسائل تولید (اعم از مواد خام و دستگاه‌های یدکی و یاتولید صنعتی کامل) از قرار زیر بوده است:

"واردات کالاهای سرمایه‌ای در فاصله سالهای ۱۳۲۰-۱۲۸۹ (میلیون ریال)"  
(جدول شماره یک)

| درصد تغییرات | درصد کل واردات | سال       |
|--------------|----------------|-----------|
| -            | ۳              | ۱۲۸۹-۱۳۰۶ |
| -            | ۱۲             | ۱۳۰۷      |

|         |    |     |      |
|---------|----|-----|------|
| ۶۷/۷    | ۱۷ | ۱۶۱ | ۱۳۰۸ |
| ۲۸/۵    | ۲۵ | ۲۰۷ | ۱۳۰۹ |
| - ۵۰/۲  | ۱۵ | ۱۰۳ | ۱۳۱۰ |
| ۱۵/۵    | ۱۸ | ۱۱۹ | ۱۳۱۱ |
| ۴۸/۷    | ۲۵ | ۱۷۷ | ۱۳۱۲ |
| ۱۰/۱    | ۲۴ | ۱۹۵ | ۱۳۱۳ |
| ۳۸/۴    | ۲۶ | ۲۷۰ | ۱۳۱۴ |
| ۱۲/۵    | ۲۸ | ۳۰۴ | ۱۳۱۵ |
| ۴۰/۴    | ۳۰ | ۴۲۷ | ۱۳۱۶ |
| ۹/۱     | ۳۳ | ۳۸۸ | ۱۳۱۷ |
| - ۱۹/۱۹ | ۲۶ | ۲۷۵ | ۱۳۱۸ |
| - ۳۴    | ۱۸ | ۱۸۰ | ۱۳۱۹ |
| ۵/۵     | ۲۴ | ۱۹۰ | ۱۳۲۰ |

همانطور که جدول نشان میدهد پیوسته بخش مهمی از واردات را و گاه تا %۲۴ کالاهای سرمایه‌ای تا سال ۱۳۲۰ تشکیل میدهد. آغاز جنگ و کشیده شدن دامنه آن به ایران و پس از آن امواج مبارزه طبقاتی در داخل کشور مجدداً درصد کالاهای وارداتی غیر سرمایه‌ای را افزایش میدهد و از درصد کل واردات کالاهای سرمایه‌ای می‌کاهد:

### (جدول شماره ۲)

| سال  | ارزش | درصد کل واردات | درصد تغییرات به سال قبل |
|------|------|----------------|-------------------------|
| ۱۳۲۱ | ۱۲۰  | ۲۴             | -                       |
| ۱۳۲۲ | ۱۶۸  | ۹              | - ۷۹/۶۳                 |
| ۱۳۲۳ | ۳۱۱  | ۹              | ۸۶/۲۲                   |
| ۱۳۲۴ | ۶۱۶  | ۱۶             | ۹۸                      |
| ۱۳۲۵ | ۱۰۴۲ | ۲۰             | ۶۷/۵                    |
| ۱۳۲۶ | ۱۰۶۵ | ۱۸             | - ۳/۱                   |
| ۱۳۲۷ | ۱۰۵۷ | ۲۰             | ۰/۹                     |
| ۱۳۲۸ | ۱۷۶۵ | ۱۹             | - ۶۴                    |

|        |    |      |      |
|--------|----|------|------|
| - ۹/۳  | ۲۳ | ۱۶۶۴ | ۱۳۲۹ |
| - ۱۰/۴ | ۲۰ | ۱۴۹۰ | ۱۳۳۰ |
| ۴۶     | ۱۵ | ۱۷۹۵ | ۱۳۳۱ |
| ۴۹     | ۲۰ | ۱۸۸۷ | ۱۳۳۲ |

عدم رونق وضع صنایع، کشیده شدن سرمایه‌ها به بخش ساختمان و ارضی و تجارت پس از سال ۲۰ علت اصلی این وضع میباشد. به این مسئله، وضعیت جهانی در آن موقع را باید اضافه نمود. در دوران کوتاه حکومت مصدق نیز همین روند منتها رو به افزایش مشاهده میشود (ر.ك. جدول بالا) .

پس از سرنگونی حکومت مصدق و کودتای ۲۸ مرداد و برقراری ثبات نسبی ما شاهد افزایش درآمد نفت از سوئی و رشد بخش کالاهای صنعتی وارداتی از سوی دیگر هستیم . تنها در پایان دهه چهل که بحران اقتصادی در ایران آغاز شده بود ، سیر نزولی دیده میشود :

| <u>سال</u> | <u>ارزش</u> | <u>در صد تغییرات به سال قبل</u> | <u>در صد کل واردات</u> |
|------------|-------------|---------------------------------|------------------------|
| -          | ۲۱۹۰        | ۱۳۲۳                            | -                      |
| ۳۴         | ۲۹۴۲        | ۱۳۳۴                            | ۲۷                     |
| ۱۶۹        | ۷۹۲۰        | ۱۳۳۵                            | ۲۸                     |
| ۱۴/۳       | ۹۰۵۴        | ۱۳۳۶                            | ۳۳                     |
| ۶۸         | ۱۵۲۵۲       | ۱۳۳۷                            | ۲۸                     |
| ۳۱         | ۱۵۵۹۵       | ۱۳۳۸                            | ۳۵                     |
| - ۰/۱۲     | ۱۸۵۷۲       | ۱۳۳۹                            | ۳۴                     |
| - ۱۴       | ۱۵۹۱۲       | ۱۳۴۰                            | ۳۲                     |

### "جدول از کتاب جولیان باریر- توسعه اقتصادی ایران"

در پایان سالهای ۳۰ ترکیب کالاهای وارداتی به ایران تغییر مهمی کرده است . در حالیکه حجم و ارزش مطلق واردات کالاهای مصرفی افزایش یافته است ، واردات کالاهای سرمایه‌ای ، مواد اولیه ، مصالح ساختمانی و نیازمندی‌های کشاورزی و دامداری جای مهمتری را در جدول به خود اختصاص داده است . همانطور که بعدا نشان خواهیم داد تغییرات واردات کالاهای امپریالیستی

ضمن آنکه عملکرد عام خود یعنی مناسات کالائی و مبادله را بدبناجال دارد، در بروسه ایجاد بازار داخلی نقش سمب وسودهده تحولات اقتصادی را بازی میکند. گسیرش مبادله در ایران که مبنی بر گسترش تولید خرد، نجارت و بیدایش نولید سرمایه داری است، اگر چه موجب جدائی تولید کنندگان کوچک از وسائل تولید و بیوستن آنها به بازار کار شده است، اما امضا یافع ضعف داخلی را روهه و رشکتگی سرده و بطور دما فزونی بازار داخلی را با اسهام این صنایع و برقراری صابع صرفی وابسته به خود همراه میسازد. سرمایه نیرومندتر امپریالیستی در شرایط جامعه فئodalی، که تازه بـارار داخلی آن رو به شکل گرفتن میرود، تنها میتوانست چنین عملکردی داشته باشد و داشت. برای بررسی دقیقت مطلب قبل وضع صنایع ایران را بـه اختصار مورد مطالعه قرار میدهیم :

در فاصله سالهای ۱۳۱۱ - ۱۳۱۲، ۶۲ کارخانه جدید در تهران و شهرستانها ساخته شد. ۳۰ هزار کارگر که سه چهارم کل کارگران صنایع (بدون نفت) را در سالهای ۱۳۲۶ تشکیل میدادند، در این کارگاهها مشغول بکار بودند. میزان سرمایه های پرداخت شده ۶۰ کارخانه در این مدت ۲۰۰۰ میلیون ریال و میزان نیروی ۵۸ کارخانه ۴۰ هزار اسب بخار گردید. این کارخانه ها که دولت در ایجاد آنها نقش مهمی داشت، اساساً به تولید وسائل صرفی برای داخل کشور پرداختند، از قبیل نساجی، مصالح ساختمانی، مواد غذائی و غیره. ۸ کارخانه تصفیه شکر دولتی بین سالهای ۱۳۱۷ تا ۱۳۱۱ بهره برداری خود را آغاز کردند. در فاصله سالهای ۱۲۸۰ تا ۱۳۱۲ تعداد ۲۲ کارخانه ریسندگی و با福德گی احداث شد که مجموعاً سرمایه آنها ۱۳۴ میلیون ریال بود. در سالهای ۱۳۲۶ از کل ۱۷۵ کارخانه (با بیش از ۱۰ کارگر) ۲۴ واحد، یعنی ۴۲٪ در رشته های مختلف نساجی فعالیت میکرد که ۱۳٪ از کل کارکنان صنایع را نیز دربر میگرفت. ۱۳ کارخانه در صنایع غذائی و ۴۸ کارخانه بقیه در صنایع سبک دیگر از جمله صنایع چرم، صابون سازی، شیشه سازی و غیره تولید میکردند. در طی برنامه عمرانی ۲ ساله اول (۱۳۲۷ - ۳۴) یک میلیارد ریال یعنی ۴٪ از بودجه به صنایع و معادن اختصاص یافت که این مبلغ صرف تکمیل دو کارخانه تصفیه قند و شکر، دو کارخانه نساجی جدید، کارخانه های در تهران و

سرمایه‌گذاری در سیمان فارس شد (زنگی اقتصادی ایران-منوچهر فرهنگ) . دولت دارای ۳۴ موسسه صنعتی و معدنی ، تعدادی کارخانه پنبه پاک کنی و چای و مانند آن در سال ۱۳۲۵ بود (جولیان باریر-توسعه اقتصادی ایران، ص - ۲۸۴) که به ۷۵ واحد در سال ۱۳۳۴ افزایش یافت . این تعداد ۳۰٪ کل کارخانجات آن زمان است . اما ۲۲۵ نفر یعنی ۲۷/۵٪ از کل کارکنان صنایع در این کارخانه‌ها کار میکرده‌اند . این امر ظرفیت بالای این کارخانه‌ها را نشان میدهد . با توجه به آنچه در بخش تجارت خارجی گفتیم و میزان سرمایه‌گذاری های مختلف ، در مقایسه با سرمایه‌گذاری های بخش خصوصی در ساختمان‌سای تجاری ملاحظه میگردد که بورژوازی بطور کلی همچنان سرمایه‌گذاری تجاری بکار اندخته و با توجه به سود تجاری که بالاترین سود ممکنه در آن زمان بوده است ، پیوسته به این جنبه توجه داشت . جدول زیر این امر را در فاصله سالهای ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۶ بطور تقریبی منعکس میکند :

| دوره                     | سرمایه‌گذاری بخش خصوصی | سرمایه‌گذاری در واحدهای   | درصد ابه |
|--------------------------|------------------------|---------------------------|----------|
| در ساختمان‌های تجاری (۱) |                        |                           |          |
|                          | صنعتی (۲)              | ساختمان واردات ماشین آلات |          |
| ۱۳۲۶-۳۱                  | ۱۰۰۲۶                  | ۱۳۲۶ میلیون ریال          |          |
| % ۳۸۷                    | ۱۵۲۲                   | ۱۰۶۶                      |          |
|                          | خصوصی                  | خصوصی-دولتی               |          |

پس از سال ۳۲ امپریالیستها و بعضی سرمایه‌داران داخلی خصوصی و دولت به سرمایه‌گذاری در زمینه صنایع فزونی میدهند . قبله دیدیم که ترکیب واردات کالاهای صنعتی در این دوره روبه افزایش است و در صدر روبه فزونی و یا قابل توجهی از کل واردات را دارد .

افزایش موسسات صنعتی در این دوره روند چشمگیری دارد . موسسات ثبت شده در فاصله ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۷ تنها چنین رقم‌های را نشان میدهد :

| موسسات صنعتی بزرگ | مجموع موسسات و کارگاههای صنعتی | سال  | تعداد موسسات تعداد کارکنان | تعداد کارگاهها |
|-------------------|--------------------------------|------|----------------------------|----------------|
| ۱۳۳۵              | ۲۴۷۲                           | ۱۳۳۵ | ۸۱۱۵۷                      | -              |
| ۱۳۳۶              | -                              | ۱۳۳۶ | -                          | ۴۵۰۰۰          |
| ۱۳۳۷              | ۹۴۴۸                           | ۱۳۳۷ | ۱۳۶۳۳۹                     | ۷۰۰۰           |
|                   |                                |      |                            | ۸۱۵۰۰۰         |
|                   |                                |      |                            | ۹۷۲۰۰۰         |

اگرچه اکثر موسسات تاسیس شده در این دوره کارگاههای کوچک با کمتر از ۱۰ نفر کارگر بود (تعداد کارخانجات با ۵۰۰ کارگر به بالا در سال ۲۵، ۳۰ و در سال ۳۹ نیز ۳۰ بوده است) اما توسعه تولید سرمایه داری در واحد های سرمایه داری کوچک بخوبی از این افزایش کارگاههای صنعتی پیداست. در سال ۱۳۴۲ از مجموع ۱۱۲۶۴ کارگاه، ۳۵۴۴ کارگاه صنعتی با شاغلین بیشتر از ۱۰ نفر و ۱۰۸۹۲۰ کارگاه با شاغلین تا ۱۰ نفر بوده است. تعداد کل کارکنان صنایع بزرگ (بیش از ۱۰ نفر) ۱۴۵۶۴ کارگرینی یک دوم کل صنایع کمتر از ۱۰ نفر (۳۰۳۹۰۰) میباشد. ۳/۱ درصد کارگاهها ۲۲/۳ درصد کل شاغلین کارگاه را به خود اختصاص داده بود و کل ارزش افزوده آن ۱/۵۵ درصد کل ارزش افزوده هر دو بخش و سرمایه گذاری در این بخش ۸۳/۶ کل سرمایه های صنعتی (کوچک و بزرگ) میباشد (اداره کل آمار صنعتی و معدنی - گزارش آمارگیری سال ۱۳۴۲). بدیگونه با رسید صنایع، واردات کالاهای صنعتی و مواد خام افزایش میباشد. این صنایع از ابتدا، تنها به شرطی قادر به ادامه حیاتند که بازار داخلی از کالاهای مشابه از طرف امپریالیستها اشیاع نشده باشد، در این صورت آنها با کمک سرمایه های امپریالیستی و دولت به تولید محصول مشابه می پردازند. هر جا که چنین قاعده ای رعایت نشده است، صنایع در ایران دچار ورشکستگی و افلاس شده و پس از چندی سقوط کرده اند. این صنایع بهمین علت در زمینه کشاورزی (قند، شکر، آرد، برنج، چای) و با محصولات پر تقاضا (پارچه، نساجی) و یا کالاهای جانشینی به تولید می پردازند.

امپریالیستها بویژه پس از سال ۳۲ امکانات بمراتب وسیعتری را در رشته های گوناگون فعالیت اقتصادی کسب کردند. بارونق صنایع "مرکز جلب و حمایت سرمایه های خارجی" در ایران تاسیس شد تا بتواند از همان ابتدا سرمایه صنعتی را نیز در رابطه تنگاتنگ با سرمایه مالی قدرت بخشد. کشورهای امپریالیستی مستقیماً با غیر مستقیم (وحتی بعضی کشورهای عقب افتاده) به سرمایه گذاری صنعتی در ایران مشغول شدند. ذیلاً سرمایه گذاری های کشورهای مختلف در رشته های خصوصی تا سال ۴۷ منعکس شده است:

"سرمایه‌گذاری خارجی خصوصی در ایران از طریق مرکز جلب و حمایت  
سرمایه‌های خارجی (میلیون ریال ) "

| کشور    | ۱۳۲۵-۳۵ | ۱۳۳۵-۴۸ | ۱۳۴۷ | ۱۳۴۸ |
|---------|---------|---------|------|------|
| آمریکا  | ۲۰۶۴    | ۵۶۱۵    | ۸۵۵  | ۲۶۹۶ |
| انگلیس  | ۴۷۴     | ۸۳۴     | ۲۴۲  | ۱۱۸  |
| آلمان   | ۲۷۴     | ۵۷۷     | ۱۷۸  | ۱۲۵  |
| فرانسه  | ۳۰۵     | ۴۷۱     | ۶۷   | ۹۹   |
| هلند    | ۲۱۴     | ۲۷۶     | ۳۳   | ۲۹   |
| مختلط   | ۱۲۴     | ۲۷۳     | ۲۴   | ۱۱۵  |
| بلژیک   | ۱۶۷     | ۲۳۱     | ۶۰   | ۴    |
| سوئیس   | ۱۳۵     | ۱۹۸     | ۵۰   | ۱۳   |
| ایتالیا | ۱۳۸     | ۱۴۷     | ۶    | ۳    |
| دانمارک | ۵۷      | ۸۳      | ۲۴   | ۲    |
| سوئد    | ۲۵      | ۷۵      | ۲۵   | ۲۵   |
| ژاپن    | ۲۰      | ۳۰      | -    | ۱۰   |
| پاکستان | ۷       | ۲۲      | -    | ۱۶   |
| فیلیپین | -       | ۶       | ۹    | ۶    |
| غیره    | ۲۸      | ۴۰      | ۹    | ۳    |

این کشورها در فاصله سالهای ۱۳۳۵-۴۱ ، ۱۳۴۷ ، ۱۳۴۸ در صنایع لاستیک ۲۲ میلیون ریال در صنایع داروسازی و شیمیائی ، ۴۵ میلیون ریال در صنایع الکترونیکی و الکتریکی ، ۹۰ میلیون ریال در صنایع فلزی ، ۳۳۱ میلیون ریال در صنایع ساختمانی ، ۷۹ میلیون ریال در صنایع حمل و نقل ، ۲۷ میلیون ریال در صنایع مواد غذایی و ۲۲ میلیون ریال در فعالیت‌های معدنی (بدون نفت) سرمایه گذاری کردند .

بموازات توسعه سرمایه‌داری در ایران و گسترش سرمایه‌داری، سرمایه مالی نیز رشته‌های نوینی را بزیر سلطه خود می‌برد . سودآوری سرمایه صنعتی و سود سرمایه مالی بهم نزدیک می‌شوند : ارزانی زمین ، منابع و نیروی کار ،

امپریالیستها را نشویق میکند که بخصوص در غیاب سرمایه‌های بزرگ و در شرابط وجود سرمایه‌های کوچک و ضعیف ساخته ارگانیک سائیس، تولید منعی را نزد در واسنگی به خود رشد دهد. هنگامکه سجارت در ایران خود موجبات رشد صادله کالائی را فراهم میکند و سود تجاری آن را به تجارت وسع ساخته امپریالیسم میکشند، و بویره در جگونگی سکل‌گیری سرمایه از همان استدا تائیر میگدارد، هر اساشت سرمایه در صنایع تسهیلا میتواند در رابطه با سودآوری سرمایه مالی مفهوم پیدا کند. هرگاه سرمایه صنعتی سمت و سوی مناسب سرمایه مالی را نداشته باشد در رفابت سود نجاری، ناگزیر به عقب شبینی خواهد بود. اما سناقضی حاکم بر عملکرد سرمایه تجاری در این مرحله ناگزیر از سوئی صنایع مبتنی بر کشاورزی و کشاورزی صنعنی را سلط میدهد و از سوی دیگر خود بسه واردات صنعنی که مصبع جدیدی برای سجارتند، می‌بردارد. اما "کالای تجاری" در دل جامعه و در عرصه تولید به "سرمایه‌منعی" سدل میشود: همانطور که بعدا بشان خواهیم داد، این بورژوازی که در صنایع فعالیت میکند یا از دل سرمایه تجاری سه این فعالیت به خاطر سودآوری‌ش بیوسته (مواد غدائی-کشاورزی) و یا اینکه حروف اصحابی و پیوند تنگاتنگی با سرمایه مالی دارد، یعنی بورژوازی بزرگ دولتی است. در هردو حالت سرمایه پیوند واقعی خود را با سرمایه جهانی در خاکی برقرار می‌سازد که قبل از این ریشه‌های سرمایه مالی آنرا اشباع کرده‌اند.

بدین لحاظ، تاریخ سکامل سرمایه‌داری در ایران با تاریخ نفوذ واستحکام امپریا-لیسم در ایران بیوند می‌باشد و بهمین علت تاریخ انباشت بدوى سرمایه در ایران، تاریخ پیدایش پیش‌شرطهای سرمایه‌داری وابسته است. پیش از تشریح عمومی این مطلب، نکات دیگری از زندگی اقتصادی باید ملاحظه شوند. گسترش مبادله و نجارت در ایران، انتقال سرمایه به بخش‌های صنعتی، ضرورت وجود بانک‌ها را بیش از پیش فراهم نمود. اما اگر در آغاز قرن اخیر دو بانک روسی و انگلیسی (اسنقراضی و امپریال) وظیفه اصلی خود را در رابطه با گسترش تجارت امپریالیسمی و نامیس منافع امپریالیسم بطور مستقیم ایفا می‌کردند، در این دوره بانک‌ها به شکل دولتی و در مجموعه بیچیده‌تری فعالیت مینمودند. اصولاً رشد مبادله و تجارت، نیاز به پول را بسط میدهد و نیاز به پول، دارندگان پول را بصورت اعتباردهنده، وام دهنده و خلاصه ریاخوار وغیره در می‌آورد.

رابطه  $M-M'$  که بدون هیچ واسطه‌ای در عمل واقعی، تنها بخاطر نیاز سرمایه-داران تجار به پول جهت برقراری رابطه اساسی مبادله کالائی پ-ک-پ- $M-C-M'$  )، تجار را به پرداخت بخشی از سود تجاری خود به ربـاـ خواران و امیدارـد، متناسب با مرحله رشد مبادله کالائی و تجارت توسعـه میـیابـد. در ایران علاوه بر این، نیازهـای دولـتـی در رابـطـه با بـسـطـرـاهـ، صـنـایـعـ و غـیرـهـ و هـمـچـنـیـنـ نـیـازـهـایـ عـوـمـیـ سـرـمـایـهـ دـارـانـ، اـهـمـیـتـ پـولـ رـاـ رـوزـ بـروـزـ بـیـشـترـ مـیـنـمـودـ. اـماـ هـمـانـطـورـ کـهـ اـزـ قـبـلـ مـیدـانـیـمـ کـلـیـهـ زـمـینـهـهـایـ فـوقـ در رابـطـهـ بـاـ منـافـعـ سـرـمـایـهـ مـالـیـ قـرـارـ دـاشـتـنـدـ وـ یـاـ قـرـارـ مـیـگـرفـتـنـدـ درـ حـالـیـکـهـ دـولـتـ بـهـ بـرـقـارـیـ شـرـایـطـ توـسـعـهـ سـرـمـایـهـ دـارـیـ مـیـپـرـداـزـدـ، وـظـیـفـهـ تـسـرـیـعـ مـعـاـمـلـاتـ، تـامـیـنـ پـولـ کـافـیـ چـهـ بـرـایـ خـودـ وـ چـهـ بـرـایـ سـایـرـ سـرـمـایـهـ دـارـانـ رـاـ نـیـزـ بـهـ عـهـدـهـ مـیـگـیرـدـ. اـینـکـهـ چـراـ بـانـکـهـایـ اـیـرانـیـ درـ اـبـتـدـاـ شـکـلـ دـولـتـیـ دـاشـتـنـدـ، اـزـ سـوـیـ دـیـگـرـ مـرـبـوطـ بـهـ درـ آـمـدـ نـفـتـ مـیـگـرـدـ کـهـ مـاـ جـدـاـگـانـهـ وـ درـ تـحـلـیـلـ دـولـتـ بـهـ آـنـ باـزـخـواـهـیـمـ گـشتـ. لـیـکـنـ قـاـبـلـ تـوـجـهـ اـسـتـکـهـ اـمـپـرـیـالـیـسـتـهـاـ بـطـورـ کـلـیـ درـ آـمـدـ اـیـرانـ اـزـ نـفـتـ رـاـ بـشـکـلـ اـسـنـادـ اـعـتـبـارـیـ وـ یـاـ اـرـزـ خـارـجـیـ کـهـ اـجـبـارـاـ تـنـهـاـ مـیـتوـانـستـ درـ رـابـطـهـ بـاـ خـودـ آـنـانـ بـهـ گـرـدـشـ درـ آـیـدـ، پـرـداـخـتـ مـیـگـرـدـنـدـ. بـانـکـهـایـ اـیـرانـ بـوـیـژـهـ بـانـکـهـایـ کـهـ بـزـرـگـ وـ فـعـالـ بـودـنـدـ، اـسـاـ اـیـنـ درـ آـمـدـ وـ سـایـرـ درـ آـمـدـهـایـ دـولـتـیـ رـاـ بـهـ هـمـرـاهـ شـرـوـتـهـاـ وـ پـوـلـهـایـ پـرـاـنـدـهـ غـیرـ مـوـلـدـ بـهـ کـانـالـ تـجـارـتـ وـ یـاـ تـوـلـیدـ دـاخـلـیـ مـیـکـشـانـدـنـدـ. بـانـکـهـاـ "پـولـهـاـ" رـاـ بـرـایـ اـنـجـامـ عـمـلـیـاتـ بـورـژـواـزـیـ (اعـمـ اـزـ دـولـتـ وـ خـصـوصـیـ) اـمـتـمـرـکـزـ مـیـکـنـدـ. بـانـکـهـاـ بـدـینـطـرـیـقـ درـ دـورـهـ مـوـرـدـ بـحـثـ، اـزـ دـلـ نـیـازـهـایـ باـزـارـ بـطـورـ کـلـیـ چـهـ دـاخـلـیـ وـ چـهـ خـارـجـیـ بـیـرونـ زـدـنـدـ وـ خـودـ درـ شـکـلـ گـیرـیـ وـ بـسـطـ آـنـ کـوـشـیدـنـدـ. اـماـ عـمـلـیـاتـ مـالـیـ بـهـ مـرـاتـبـ وـسـیـعـتـرـ اـزـ عـمـلـیـاتـ بـانـکـهـاـ اـسـتـ. وـاـمـهـاـ وـ سـرـمـایـهـ گـذـارـیـهـاـ یـاـ بـهـ اـصـطـلاحـ کـمـکـهـایـ اـمـپـرـیـالـیـسـتـیـ، اـشـتـرـاـکـ آـنـهـاـ درـ کـنـتـرـلـ بـانـکـهـاـ اـزـ طـرـیـقـ سـرـمـایـهـهـایـشـانـ وـ یـاـ اـورـاقـ اـعـتـبـارـیـ کـهـ دـاشـتـنـدـ، درـ حـقـيقـتـ سـلـطـهـ مـالـیـ اـمـپـرـیـالـیـسـمـ انـگـلـیـسـ وـ سـپـسـ سـایـرـ اـمـپـرـیـالـیـسـتـهـاـ رـاـ پـسـ اـزـ جـنـگـ بـرـ اـیـرانـ اـمـکـانـ یـذـيرـ مـیـنـمـودـ.

بانـکـهـاـ، سـلـسلـهـایـ اـزـ وـظـیـفـ دـولـتـیـ اـزـ قـبـیـلـ کـنـتـرـلـ گـمـرـکـاتـ، جـمـعـ مـالـیـاتـ، نـظـارـتـ بـرـ پـرـوـزـهـاـ وـ عـمـلـیـاتـ مـالـیـ مـرـبـوطـ بـهـ آـنـهـاـ رـاـ نـیـزـ اـدـارـهـ مـیـگـرـدـنـدـ. اـولـینـ بـانـکـ اـیـرانـیـ درـ سـالـ ۱۳۰۴ـ باـ اـسـتـفـادـهـ اـزـ وـجـوهـ باـزـنـشـتـگـیـ اـفـسـرـانـ وـ کـارـکـنـانـ

ارتش بنام "بانک سپه پهلوی" بوجود آمد که بعد ها نام آن به "بانک معاونی سپه" و سپس "بانک سپه" تغییر یافد در سال ۱۳۰۷ بانک ملی ایران سرمایه اول به ۲۰ میلیون ریال تأسیس شد و حسابهای دولت و امتیاز انتشار اسکناس را بدست گرفت. اس بانک در سال ۱۳۱۹ دارای ۸۴۰ شعبه بود. در سال ۱۳۱۷ بانک رهنی تاسیس شد و بانک کشاورزی و صنعتی ایران در سال ۱۳۱۲ ایجاد شد. این بانک در سال ۱۳۱۹ دارای ۴۰ شعبه بود. در سال ۱۳۱۶ بانک کشاورزی و صنعتی به دو پاره تقسیم شد که یک پاره آن بانک کشاورزی ایران از سال ۲۵ و بانک صنعتی و معدنی ایران از سال ۳۲ بکار پرداخت. بانک امپریال نیز عملاً سا مدنها در ایران بنام‌های مختلف فعالیت مینمود. اس بانک‌ها موجبات رشد بیشتر رباخواران و سجارت فراهم مبکرند. رباخواران و امهای بانکی را سا بهره کم در بافت کرده و در بازار به تجار کوچک و مالکین سا نرخهای٪۱۸ و در روتاها به دهقانان با نرخهای که گاه تا٪۱۰۰ با حتی٪۲۰۰ مرسید، وام می‌دادند. در مورد تجارت سیز همانگونه که گفتیم نفت واگذاری و توزیع بخشی از درآمد نفت را در مسان سورژوازی بعده گرفته و امکانات مالی برای آنان فراهم مینمودند. بنابراین می‌بینیم یکی از مهم‌ترین وظایف بانک‌های امپریالیستی سابق را نیز این بانک‌ها به عهده می‌گرفند.

بانکهای که تا سال ۱۳۲۰ بوجود آمدند، دولتی بودند. علت این امر در این حقیقت نهفته است که اصولاً تنها رمنه و سروت کافی در جهت انجام عملیات ساکنی و منابع مالی در دست دولت متصرف بود. در سال ۱۳۲۹ اولین بانک خصوصی در ایران تشکیل شد: بانک بارگانی.

با آغاز دوران کوتاه حکومت مصدق ۵ بانک خصوصی و یک بانک دولتی دیگر تأسیس شدند. این بانک‌ها به قرار زیر بودند:

| نام بانک | درصد سهم خارجیها | نوع مالکیت | درصد سهم ایرانیها | سمه بازرگانی | خصوصی |
|----------|------------------|------------|-------------------|--------------|-------|
| -        | -                | -          | %۱۰۰              | -            | -     |
| -        | -                | -          | %۱۰۰              | سارس         | خصوصی |
| -        | -                | -          | %۱۰۰              | عمران        | خصوصی |
| -        | -                | -          | %۱۰۰              | صادرات*      | خصوصی |

|          |               |          |
|----------|---------------|----------|
| تهران    | خصوصی - مختلط | % .٣٥    |
| ساختمانی | دولتی         | - % .١٠٠ |

- \*- این بانک با سرمایه بانک آمریکائی Chase Manhattan Bank تشکیل گردید.
- \*- بانک پاری و انترناسیونال.

سرمایه بانکهای دولتی رشد بسیار داشت و از ۶۴۵ میلیون ریال (پرداخت شده) در سال ۱۳۲۰ به ۱۲۲۲ میلیون ریال در سال ۱۳۳۰ میرسد: ۰٪ .۹۷ رشد با تاسیس ۶ بانک جدید، مجموع سرمایه‌های پرداخت بانکها از ۱۲۷۲ میلیون ریال در سال ۱۳۳۰ به ۳۱۹۷ میلیون ریال (۱۵۱٪ رشد) در سال ۱۳۳۱ افزایش یافت. بانکها پس از جنگ به جمع آوری سرمایه‌های کوچک جهت کمک به دولت که به ورشکستگی مالی گرفتار شده بود، پرداختند. اما بلافاصله فعالیت عادی خود را از سر گرفتند. پس از سقوط دولت مصدق، هجوم سرمایه امپریالیستی بوبیزه امپریالیسم آمریکا به ایران ابعاد جدیدی گرفت. سرمایه‌داران و بانک داران امپریالیست ایران را به عرصه تاخت و تاز سرمایه مالی بدل نمودند. در آمد نفت با سرعت روبه افزایش نهاد، واردات ایران متنوع گردید. بارش در تجارت، صنایع، خانه سازی و با افزایش درآمد نفت، بانکهای تجاری و سرمایه گذاری مختلط با سرمایه‌گذاری کشورهای امپریالیستی همچون قارچ سر بر می‌آوردند. بوبیزه ایجاد بانکهای تخصصی اعتبارات صنعتی و توسعه صنعتی و معدنی که در رشد صنایع نقش بسزائی داشتند، نیز در همین فاصله است: وامهای صنعتی به سایر انواع وامها اضافه می‌گردد.

در فاصله سالهای ۱۴ تا ۴۰ مجموعاً ۱۴ بانک جدید بوجود آمد. از این بانکها ۸ بانک یعنی بیش از نیمی از آنها مختلط با ۳۵ تا ۴۰ درصد سرمایه خارجی بوده‌اند. علاوه بر بانکهای امپریالیستی و موسسات مالی که قبلاً در ایران مشغول فعالیت بودند، چندین بانک و موسسه مالی جدید نیز در رشتۀ بانکداری آغاز به فعالیت نمودند: فرست ناشنال سیتی، بانک نیویورک، بانک آمریکا، چیس مانهاتان بانک، لازارفرر، برینیش بانک آو میدل ایست، بانک

توكو، دویچ بانک و بسیاری بانکهای دیگر از ابتالیا، فراسه، هلند و ... این سانکها بویژه بخاطر فدر مالی خود معنی سرمایه مالی نزرومندی که در سنت سر خود داشته اند و امکانات و شکوههای بین المللی سرمایه که تحت نظر وکتیرل آشنا بوده است به مالکین واقعی یا رهبران و سهامداران فدر نمند سانکهای مختلط ایرانی بدل می شوند.

سرای نمونه بانک توسعه صنعتی و معدی ایران که در آبانماه ۱۳۲۸ ناسیس شد، ۴۰۰ میلیون رسال سرمایه اولیه داشته است و مطابق موافقتنامه بین "جیس" و "لازار فر" از یک طرف و دولت و سهامداران ایرانی از طرف دیگر طی ۵ سال اول مدیریت بانکها با خارجیها بوده و از ۱۵ نفر اعضای هشت مدیره ۸ نفر توسط سهامداران خارجی انتخاب مشدند. نه تنها ۴۰٪ سهام این بانک متعلق به خارجیها بود، بلکه کلبه وامهای ارزی اعطائی بانک به مناسع جهت خرید مانس آلات از سانکهای خارجی و بطور عمدی از بانک بین المللی نرمیم و نوسعه (بانک جهانی) تامین می شد. این بانک سعدیها کی از بانکهای اصلی سرمایه‌گذاری صنعتی در اشتراک با امپر بالبست ها ببدل شد. جدول صفحات بعد بانکهای تاسیس شده در فاصله سالهای ۲۵ تا ۴۰ را از لحاظ سهامداران نوضیح میدهد.

در ابران در سال ۱۳۴۱، ۲۶ بانک مشغول فعالیت بوده اند که مجموعاً ۱۳۲۸ شعبه در کشور داشته اند (برای هر ۱۸۶۹۵ نفر یک شعبه) می باشند. این نوبت بسانکها که خود زیر نفوذ سرمایه مالی هستند در سراسر کشور برآکنده می شوند. نفوذ اصلی را از لحاظ حجم دارایی بانکهای دولتی باری می کنند. اما بانکهای خصوصی در سالان سال ۴۱ تا ۲۴٪ دارایی، ۶۲٪ شبکه بانکی کشور را کنترل می کردند.

بانکهای خصوصی مختلط با ۱۳٪ حجم دارایی ها فقط ۴٪ شبکه بانکی را در دست داشند. امریکالیستها هم پیش از سال ۱۳۲۰ و چه پس از ۱۳۲۲ بویژه از سال ۱۳۳۷ می دادند وامهای طولانی مدت و کوتاه مدت پرداختند. این وامها امکان کنترل عملیات مالی و اقتصادی را در ابران به امریکالیستها می دادند. تنها در فاصله سالهای ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۲، ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۴ و ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۶ میلیون دلار وام می شدند. در ۱۳۳۸ میلیون دلار وام کوتاه مدت و ۲۵۸/۴ میلیون دلار کمک خارجی به ایران

داده شده است ( مجله بانک مرکزی ایران - سال سوم، شماره ۳۰ ) . این وامها و کمکها توسط بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه که بانکی زیر نفوذ امپریا- لیست ها بویژه امپریالیسم آمریکا بود، هیاًت عمران بین‌المللی آمریکا، بانک صادرات و واردات واشنگتن، بانکهای انگلیسی و آلمانی و ۰۰۰ پرداخت شده و عموماً طرف مقابل این قراردادها دولت بوده است . از این وامها تنها ۴/۴ میلیون دلار توسط بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران از دو موسسه اول دریافت شد و بقرار زیر جهت خرید ماشین‌آلات صنعتی از خارج به وام گیرندگان خصوصی داده شد :

( ارقام به میلیون دلار )

|      |      |      |      |
|------|------|------|------|
| ۱۳۴۲ | ۱۳۴۱ | ۱۳۴۰ | ۱۳۳۹ |
| ۱/۶۶ | ۰/۳۴ | ۰/۴  | ۱/۹۵ |

سازمان برنامه نیز جهت اجرای طرحهای برنامه دوم در سال ۴۱ و ۴۲ به ترتیب ۲۴ میلیون و ۲۶/۶۶ میلیون دلار وام خارجی میگیردو به مصرف میرساند . سخن صائب لنین در مورد عملیات بانکهای امپریالیستی در مورد وام‌ها یکبار دیگر ثابت شدکه :

" متداولنتر از همه این است که هنگام دادن وام شرط میکنند قسمت معینی از آن به مصرف خرید محصولاتی بررسد که در کشور اعتبار دهنده تولید میشود، بویژه خرید تسليحات ... ۰ صدور سرمایه به خارجه و سیله تشویق صدور کالا به خارجه میگردد " ( لنین - م - آ - ص - ۴۱۵ )

علاوه بر این :

" در این قبیل معاملات بین‌المللی تقریباً همیشه چیزی نصیب وام دهنده میشود . از قبیل دریافت در قرارداد بازرگانی، تحصیل اجازه برای احداث پایگاههای ذغال، ساختمان بندر و ... " ( همانجا )

در طی این ۹ سال ( ۱۳۳۳ - ۴۲ ) امپریالیستها در حدود یک میلیارد دلار وام و کمک به ایران دادند و درازای آن اعتبارات اقتصادی بسیاری بکف آورند .

تنها بهره وامهایی که ایران بخاطر برنامه عمرانی دوم گرفت، در فاصله کوتاهی به ۴۱ میلیون دلار رسید. اعتبارات دولتی و خصوصی همانطور که فبلا نیز گفته شد، در بخش تجارت و ساختمان گذاشته میشود. در فاصله سال ۴۲ تا ۴۳ حجم وامهای کشاورزی ۶ برابر میشود و از مبلغ ۵۳۴ میلیون ریال به ۳۴۲۷ میلیون ریال میرسد. اما در مقایسه با کل اعتبار اعطائی به سخش خصوصی در سال ۴۲ که مبلغ ۷۰۷۲ میلیون ریال بوده است، رقم ناچیزی را تشکیل میدهد (کمتر از ۵٪). وامها و اعتبارات به بخش صنعت طی سال‌های ۴۳ تا ۴۴ توسط دو بانک اعتبارات صنعتی و توسعه صنعتی و معادنی ایران پرداخت شده است.

در بهار سال ۱۳۳۶ از محل تفاوت ارزیابی پشتوانه اسکناس وجوه قابل ملاحظه‌ای آزاد میشود که در جهت کمک به صنایع خصوصی از طریق وزارت صنایع و معادن در اختیار بانک ملی ایران قرار گرفت. این وجوه طی سه سال (۳۶-۳۹) ۱۱۷۷ فقره وام صنعتی به مبلغ ۴۸۰۰ میلیون ریال به صاحبان صنایع خصوصی داده شد که از این تعداد ۲۷۶ فقره وامهای بزرگ و ۹۰۱ فقره وامهای کوچک بوده است. اعتبارات اعطایی از طرف بخش دولتی تا سال ۴۲ به اعتبارات بخش خصوصی فزونی دارد و این روند تا سال ۴۳ ادامه داشته اما در سال ۴۴ اعتبارات بخش خصوصی ۲ میلیارد ریال بیشتر میشود.

در پایان دهه ۳۰ بانکها قادر به انجام عملیات خود بطور وسیع نیستند. سپرده بخش خصوصی در طی ۴۲-۳۹ افزایش پیدا کرده و راکد مانده است. فعالیت اقتصادی رو به رکود میرود و بحران اوج میگیرد که ناتوانی پول در گردش یا تبدیل آن به سرمایه را بر اثر رکود در بازار منعکس میسازد. ما علی این امر را در بخش بعد خواهیم دید. همانطور که ملاحظه میکنیم پاپایی رشد مادله کالائی، اهمیت بانکها زیاد میشود و با پیدایش صنایع، نقش نوینی علاوه بر بورژوازی تجاری بعده میگیرد. پول سودآوری خود را در سرمایه صنعتی دنبال میکند و از شکل ماقبل سرمایه‌داری به شکل سرمایه‌داری نزدیک می‌گردد.

\*

\*

\*

## ۴- وضعیت دهقانان، شکل‌گیری بازار داخلی سرمایه‌داری،

### روند انباشت اولیه سرمایه در ایران

مارکس نوشت :

" در واقع همان حوالشی که دهقانان کوچک را مبدل به کارگر مزدور می‌کند و وسائل زندگی و کار را بصورت عوامل مادی در می‌آورد، در عین حال بازار داخلی را نیز ایجاد می‌کند. " ( مارکس - کاپیتال ، جلد اول، ص - ۶۲۲ )

وی در هنگام بررسی قانون عام انباشت سرمایه می‌گوید "

" سرمایه تولید کالائی، که در آن وسائل تولید، ملک افرادی اشخاص هستند ولذا کارگر دستگار یا منفرد است و مستقل کالا تولید می‌کند و یا اینکه چون فاقد وسائل تولید متعلق بخود است، نیروی کارش را مانند کالا بمعرض فروش قرار میدهد، شرایط فوق الذکر فقط از راه رشد سرمایه‌های افرادی تحقق پذیراست یا در حدودی بوجود می‌آید که وسائل اجتماعی تولید و معیشت به مالکیت سرمایه‌داران مبدل شده باشد. تنها در شکل سرمایه‌داری است که عرصه تولید کالائی میتواند تولید بمقیاس وسیع را هموار سازد. بنابراین انباشت مشخصی از سرمایه در دست تولیدکنندگان افرادی کالا، لازمه شیوه تولید خاص سرمایه‌داری است. بهمین سبب ما مجبور بوده‌ایم برای گذار از کارگاه پیشه‌وری به سرمایه‌داری چنین شرطی را مفروض بدانیم. میتوان آنرا انباشت بدوى نامید، زیرا این امر بجای آنکه نتیجه تاریخی تولید خاص سرمایه‌داری باشد، پایه و مبدأ تاریخی آن است. " ( همانجا - ص، ۵۶۶ )

انباشت بدوى، پایه و مبدأ تاریخی سرمایه‌داری است، همان پروسه‌ای است که ضمن تشکیل بازار داخلی سرمایه، دهقان کوچک را به کارگر و وسائل زندگی و کار را بصورت عوامل مادی سرمایه‌در می‌آورد. اما تا آنجا این روند انباشت اولیه است که در پایان خود تولید سرمایه‌داری را به تولید اصلی جامعه تبدیل

تنها بهره وامهای که ایران بخاطر برنامه عمرانی دوم گرفت، در فاصله کوتاهی به ۴۱ میلیون دلار رسید. اعتبارات دولتی و خصوصی همانطور که قبل نیز گفته است در بخش تجارت و ساختمان گذاشته میشود. در فاصله سال ۲۲ تا ۴۲ حجم وامهای کشاورزی ۶ برابر میشود از مبلغ ۵۳۴ میلیون ریال به ۳۴۲۷ میلیون ریال میرسد. اما در مقایسه با کل اعتبار اعطایی به بخش خصوصی در سال ۴۲ که مبلغ ۷۰۷۲ میلیون ریال بوده است، رقم ناچیزی را تشکل میدهد (کمتر از ۰.۵٪). وامها و اعتبارات به بخش صنعت طی سال‌های ۲۵ تا ۴۲ توسط دو بانک اعتبارات صنعتی و توسعه صنعتی و معدنی ایران پرداخت شده است.

در بهار سال ۱۳۳۶ از محل تفاوت ارزیابی پشتونه اسکناس وجوه قابل ملاحظه ای آزاد میشود که در جهت کمک سه صنایع خصوصی از طریق وزارت صنایع و معادن در اختیار بانک ملی ایران قرار گرفت. این وجوه طی سه سال (۳۹-۴۶) ۱۱۷۷ فقره وام صنعتی به مبلغ ۴۸۰۰ میلیون ریال به صاحبان صنایع خصوصی داده شد که از این تعداد ۲۷۶ فقره وامهای بزرگ و ۹۰۱ فقره وامهای کوچک بوده است. اعتبارات اعطایی از طرف بخش دولتی تا سال ۳۲ به اعتبارات بخش خصوصی فزونی دارد و این روند تا سال ۱۳۲۷ ادامه داشته اما در سال ۲۸ اعتبارات بخش خصوصی ۲ میلیارد ریال بیشتر میشود.

در پایان دهه ۳۰ بانکها قادر به انجام عملیات خود بطور وسیع نیستند. سپرده بخش خصوصی در طی ۴۲-۳۹ افزایش پیدا کرده و راکد مانده است. فعالیت اقتصادی رو به رکود میرود و بحران اوح میگردد که ناتوانی پسول در گردش یا تبدیل آن به سرمایه را بر اثر رکود در بازار منعکس میسازد. ما علی این امر را در بخش بعد خواهیم دید. همانطور که ملاحظه میکنیم پاپایی رشد مبادله کالائی، اهمیت بانکها زیاد میشود و با پیدایش صنایع، نقش نوبنی علاوه بر پورژوازی تجاری بعده میگیرد. پول سودآوری خود را در سرمایه صنعتی دنبال میکند و از شکل ماقبل سرمایه‌داری به شکل سرمایه‌داری نزدیک می‌گردد.

\*

\*

\*

## ۴- وضعیت دهقانان، شکل‌گیری بازار داخلی سرمایه‌داری،

### روندا نباشت اولیه سرمایه در ایران

مارکس نوشت :

"در واقع همان حوالشی که دهقانان کوچک را مبدل به کارگر مزدور میکند و وسائل زندگی و کار را بصورت عوامل مادی در میآورد، در عین حال بازار داخلی رانیز ایجاد میکند."  
(مارکس - کاپیتال، جلد اول، ص - ۶۷۷)

وی در هنگام بررسی قانون عام انباست سرمایه میگوید "سرمایه تولید کالائی، که در آن وسائل تولید، ملک انفرادی اشخاص هستند ولذا کارگر دستگار یا منفرد است و مستقل کالا تولید میکند و یا اینکه چون فاقد وسائل تولید متعلق بخود است، نیروی کارش را مانند کالا بمعرض فروش قرار میدهد، شرایط فوق الذکر فقط از راه رشد سرمایه‌های انفرادی تحقق پذیراست یا در حدودی بوجود میآید که وسائل اجتماعی تولید و معیشت به مالکیت سرمایه‌داران مبدل شده باشد. تنها در شکل سرمایه‌داری است که عرصه تولید کالائی میتواند تولید بمقیاس وسیع را هموار سازد بنابراین انباست مشخصی از سرمایه‌در دست تولیدکنندگان انفرادی کالا، لازمه شیوه تولید خاص سرمایه‌داری است. بهمین سبب ما مجبور بوده‌ایم برای گذار از کارگاه پیشه‌وری به سرمایه‌داری چنین شرطی را مفروض بدئیم. میتوان آرای انباست بدوى نامید، زیرا این امر بجای آنکه نتیجه تاریخی تولید خاص سرمایه‌داری باشد، پایه و مبدأ تاریخی آن است."

(همانجا-ص، ۵۶۶)

انباست بدوى، پایه و مبدأ تاریخی سرمایه‌داری است، همان پروسه‌ای است که ضمن تشکیل بازار داخلی سرمایه، دهقان کوچک را به کارگر و وسائل زندگی و کار را بصورت عوامل مادی سرمایه‌در میآورد. اما تا آنجا این روند انباست اولیه است که در پایان خود تولید سرمایه‌داری را به تولید اصلی جامعه تبدیل

مکندو سرمایه را بر زندگی اقتصادی مسؤولی می‌سارد.  
ما فبلا بدیم که با رشد نجارت، اشکال مالکیت اراضی تغییر مکندو همچنین  
متاهده کردیم که جمعیت شهری و تولید سرمایه داری پیوسته بزبان جمعیت  
روسائی و تولید عف افساده فئودالی رشد مکند. اینک تحولات مربوط به  
مناساب ارضی و زندگی دهقانان را بررسی مکنیم:

در بابان دوره مورد بحث ما، هسور تولید فئودالی بر جامعه حاکم است. اگر چه  
تولید فئودالی متحمل ضربات بسیار سیگینی شده است و محصولات کشاورزی  
عموماً به عرصه مادله کالائی کشیده شده‌اند (بویژه مازاد نولید دهقانان)، اما  
هنوز بخش عظیمی از دهقانان در شرایط تولید فئودالی هستند. دهقانان هنوز  
اسیر فبود و بندهای فئودالی هستند و هنوز نولید با خاطر فروش در بازار در  
روستاها بطور کامل شکل نگرفته است. سهم کشاورزی در تولید ناخالص ملی  
در سالهای ۱۲۷۹ - ۱۳۰۵ نا ۱۳۰۵ حدود ۸۰٪ درصد است که بین سالهای ۱۳۰۵ - ۱۳۰۵ به ۷.۵٪ و سپس تا سال ۱۳۴۰ به ۳۰/۵٪ تقلیل می‌شود. با در نظر  
گرفتن این موضوع که حدود ۵۵٪ از نیروی فعال در اواخر دهه ۳۰ در بخش  
کشاورزی بوده است، در حالبکه تنها در حدود ۲۰٪ از تولید ناخالص را داشته.  
این بی‌بهرجی این بخش رای فعالی آن نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی  
روشن می‌گردد. با این وجود تولید کشاورزی همانگونه که خواهیم دید با توجه  
به سودآوری محصولات آن که تحت شرایط غیر سرمایه داری ایجاد شده ولی به  
بارار داخلی رویه گسترش و بازار گستره خارجی روان می‌گردد، خود منبعی  
جهب انباست سرمایه در دست تجار، ملاکان و دولت می‌باشد. گسترش تولید  
مواد صنعتی نیز در این جهت عمل می‌کند. این تولیدات مستقیماً اراضی زیر  
کشت خود را توسعه دادید. ما قبلاً به این مسئله برخورد کردیم. اراضی  
چندر قند ۷/۰ درصد، حبوبات ۲ درصد کل اراضی و برنج ۵/۲ درصد از زمین  
های مزروعی را در بر می‌گرفت. همچنین در سالهای آخر دهه ۱۳۳۰، ۱۳۳۰٪ از  
اراضی مزروعی زیر کشت پیشه قرار داشت. با این وجود ۱۶/۵۱ درصد اراضی  
تحت کشت گندم و ۱۷/۱۵ درصد تحت کشت جو قرار داشت. یعنی بخش اعظم  
تولید کشاورزی همچنان به مصرف داخلی مربوط است.

| سال  | تتبکو | توتون | هکتار      |
|------|-------|-------|------------|
| ۱۳۲۵ | ۱۰۰۶  | ۱۲۲۱  | ۱۲۲۱ هکتار |
| ۱۳۴۰ | ۱۳۷۳  | ۳۲۱۹  | ۳۲۱۹ هکتار |

در مورد عشاير نيز همانگونه که ديديم کارخانه‌های چرمسازی و دباغی به خريد پوست و يا صادر کردن آن ميپردازند در اوایل قرن اخير بخشی از صادرات ايران را دام زنده تشکيل ميدادكه در پاييان دهه ۳۰ بکلي متوقف گردید و واردات گوشت بجای آن آغاز شد توليد بوسيله تكنولوجی جديد در ايران مدت ها رايچ نبود توليد بهمان شيوه كهن و با ابزار و وسائل اوليه انجام ميگرفت . تا سال ۱۳۲۶ تعداد ماشين آلات کشاورزی از ۲۲۵ عدد تجاوز نميکرد . در فاصله سه سال ۴۰ - ۱۳۳۷ تعداد ماشين آلات کشاورزی وارده ۶۶۲۵ عدد بالغ گردید . در سال ۳۹ ، ۳/۷ درصد اراضي از ماشين و ۵/۹ درصد هم از ماشين و هم از حيوان وبقيه يا بيشتر از ۹۰ درصد فقط بوسيله حيوان يا انسان توليد زراعي را پيش ميبرند و طبيعتاً مصرف کود شيميايی ، سم و غيره نيز همانند استفاده از ماشين آلات تنها محدوده کوچکی را دربرمیگرفته است .

تا سال ۱۶۶ ، ۴۰ شركت کشاورزی با ۱۳۱۳ ميليون ريال سرمایه وجود داشته است و بانک کشاورزی از سال ۲۲ تا ۴۰ بالغ بر ۲۴۰۶ ميليون ريال به کشاورزان و ام پرداخت ميکند . در برنامه دوم نيز ۲۳۴۶۴ ميليون ريال به کشاورزی اختصاص داده ميشود و بقيه آن در سدسازي و غيره که چشم‌انداز توليد سرمایه‌داری را در کشاورزی بهمراه دارد ، جاري ميشود . اما مهمترین نکته برای ما همچنان وضعیت روابط تولیدی در روستاهای است .

همانطور که ديديم تمرکز حکومت در دست رضاخان ، در واقع ملاکان ، فئودال های بزرگ و بورژوازی تجاری را از لحاظ منافع بهم نزدیک نمود . اما در دوره رضاخان ، بزرگ‌مالکی با قوانین مختلفی که وضع گردید ، على الخصوص ثبت اراضي ، تثبيت گردید . خود رضاخان از بزرگ‌ترین ملاکان زمان خویش بود . در آخرین سالهای دهه ۳۰ انواع بهره‌برداری‌های روی زمین در ايران بقرار زیر بودند :

| <u>درصد به کل اراضی</u>                 | <u>نوع مالکیت</u> |
|---|-------------------|
| ٪ ۵۶ *                                  | مالکیت بزرگ       |
| ٪ ۱۰/۱۲                                 | مالکین کوچک       |
| ٪ ۱۰/۲۳                                 | اراضی سلطنتی      |
| ٪ ۱/۲                                   | اواق              |
| ٪ ۱۳                                    | قبیله‌ای          |
| ٪ ۲/۴                                   | دولتی             |
| * - دارندگان بیش از ۱۰۰ هکتار ۳۳/۸ درصد |                   |

اما علیرغم وارد شدن بخش عظیمی از فئودالها و مالکین صاحب زمین در بازار و همینطور نفوذ بازار در زندگی دهقانان، گسترش فعالیت‌های نزول خواران تجار کوچک و بزرگ در روستاهای رومتاده این دوره روز استهاده این دوست را ارباب - رعیتی است. انواع بهره‌برداریها در زیر مفعکس است:

| <u>درصد</u> | <u>نوع بهره‌برداری</u>  | <u>مساحت به هزار هکتار</u> | <u>تعداد</u> | <u>درصد</u> | <u>هزار هزار</u> |
|-------------|-------------------------|----------------------------|--------------|-------------|------------------|
| ۵۴/۸        | رعیتی                   | ۶۲۲۲                       | ۴۳/۴         | ۸۱۴         |                  |
| ۲۶/۲        | ملکی                    | ۲۹۷۶                       | ۳۳/۲         | ۶۲۴         |                  |
| ۷/۴         | اجاره‌ای                | ۸۴۴                        | ۱۲/۵         | ۲۲۵         |                  |
| ۵           | رعیتی - اجاره‌ای        | ۵۶۳                        | ۴/۲          | ۷۹          |                  |
| ۳/۵         | رعیتی - ملکی            | ۴۰۲                        | ۲/۸          | ۷۲          |                  |
| ۲/۶         | ملکی - اجاره‌ای         | ۳۰۰                        | ۲/۶          | ۴۸          |                  |
| ۰/۵         | رعیتی - ملکی - اجاره‌ای | ۴۷                         | ۰/۲          | ۳           |                  |
| ۱۰۰         | جمع                     | ۱۱۳۷۵                      | ۱۰۰          | ۱۸۲۲        |                  |

" نقل از مسئله دهقانی و اراضی - خسروی "

همانطور که ملاحظه می‌شود ۴۳/۴ درصد کل بهره‌برداریها که ۵۴/۸ درصد اراضی مزروعی را در بر می‌گرفت در موقعیت "رعیتی" قرار داشتند (در دهه ۳۰) پس

از الغای تیولداری در ایران بزرگ مالکی رواح بسیار یافت . منشاء بزرگ -  
 مالکان را باید در فئودالها ، تیولداران سابق و قطعات اداری بوروکراتیک ،  
 فرماندهان جدید و سورژوازی تجاری دید . زمینی از اواخر قرن گذشته وارد  
 مبادله شده و بورژوازی تجاری در معاملات آن شرکت فعال مینمود . روابط  
 ارباب و رعیتی که بر اساس نسق داری و بهره بری بر اساس عوامل پنجگانه  
 تولید تنظیم شده بود ، اشکال قدیمی بیگاری نداشت اما عمدتاً بر اساس بهره  
 جنسی (بر حسب عوامل تولید) و گاه بهره نقدی تقسیم تولید انجام میشد .  
 اشکال اجاره‌ای که  $\frac{12}{5}$  درصد بهره برداریها و  $\frac{2}{4}$  درصد اراضی را دربر  
 میگرفت ، رانت عقب افتاده سرمایه داری یعنی رانت مطلقه را با حق و  
 فئودالی ترکیب مینمود .

رعیت در همه جا در برابر ارباب ، تحت قاعده مزارعه ، ناگزیر بود از آنجا که  
 فاقد زمین ، آب و  $۰۰۰$  بود قسمتی از تولید (محصول) را بنام محصول اضافی  
 به فئودال بپردازد . با این وجود بطور کلی در میان آنها نیز تفاوت‌های آشکار  
 وجود داشت . رعایای صاحب نسق گاه نسقی به اندازه  $\frac{5}{5}$  درصد هکتار و گاه  
 $۵۰$  هکتار داشتند . این امر تغییراتی در درآمد و وضعیت زندگی آنان میدارد .  
 جدول زیر وضعیت  $\frac{۲۱۸}{۴۶۰}$  خانوار رعیتی را در سال  $۱۳۳۹$  معلوم میدارد :

| طبقات بهره برداری     | تعداد خانوار | نسبت طبقات به<br>بهره برداریها | حسب وسعت زمین |
|-----------------------|--------------|--------------------------------|---------------|
| کمتر از $۵$ هکتار     | $۳۰۲۷۳۱$     | $۳۱۲۷۹۱$                       | $۱۵/۶$        |
| از $۵$ تا $۱$ هکتار   | $۱۲۲۲۸۸$     | $۱۷۹۵۱۵$                       | $۹/۲$         |
| از $۱$ تا $۲$ هکتار   | $۲۵۷۰۸۰$     | $۲۵۶۴۹۶$                       | $۱۳/۳$        |
| از $۲$ تا $۳$ هکتار   | $۲۱۱۵۸۷$     | $۲۰۸۴۲۱$                       | $۱۰/۹$        |
| از $۳$ تا $۴$ هکتار   | $۱۴۷۴۵۳$     | $۱۴۴۳۵۶$                       | $۷/۶$         |
| از $۴$ تا $۵$ هکتار   | $۱۲۵۰۴۱$     | $۱۲۱۶۳۰$                       | $۷/۵$         |
| از $۵$ تا $۱۰$ هکتار  | $۲۵۲۶۳۵$     | $۲۴۰۰۳۷$                       | $۱۸/۲$        |
| از $۱۰$ تا $۲۰$ هکتار | $۲۴۱۸۰۱$     | $۲۲۳۷۵۷$                       | $۱۲/۵$        |
| از $۳۰$ تا $۵۰$ هکتار | $۹۶۶۶۱$      | $۷۷۷۱۴$                        | $۵$           |

|      |         |         |                                  |
|------|---------|---------|----------------------------------|
| ۰/۸  | ۱۵۰۷۰   | ۸۴۴۶    | از ۵۰ تا ۱۰۰ هکتار               |
| ۰/۳۳ | ۶۴۶۹    | ۳۷۷۰    | ار ۱۰۰ تا ۵۰۰ هکتار              |
| ۰/۰۳ | ۳۴۷     | ۳۱۰     | ار ۵۰۰ به بالا                   |
|      | ۳۲۱۸۴۶۰ |         | جمع کل خانوار                    |
|      | ۷۷۶۷۰۰  |         | خانوار غیربهره بردار             |
|      | ۲۴۴۱۷۶۰ | ۲۲۸۴۴۹۹ | خانوار بهره بردار با رمس وی زمین |
| ۱۰۰  | ۱۹۳۴۹۱۶ |         | خانوار بهره بردار سازمین         |

" سعداد ۱/۲۸۴/۳۰۰ نفر از رعایا خوش نشین هستند . البته سخن ساچیزی از این رقم به دکانداری مستغول بوده و بقیه را مزدوران ده تشکیل میدادند . "

( نظام ارباب و رعایتی در ایران - م . سوداگر )

" بیشتر خوش نشینها بطور عمده جز فروش نیروی کار خود به بهای بسیار ارزان و بمراتب پائین تراز سطح بهای عمومی نیروی کار در کشور، آنهم بطور نامنظم، و سیله دیگری برای گذران زندگی در حد فقر مطلق در اختیار نداشتند . علاوه بر ارزانی بیش از اندازه نیروی کار را در دهات، صرف نظر راز فراوانی عرضه نبروی کار در کشور و عوامل مهم اقتصادی و اجتماعی دیگر، باید در بسته بودن نیروی کار منطقه های ( همانجا ) دانست . "

بعلاوه رعایای نسق داری که بین ۵/۰ تا ۴ هکتار زمین داشتند و ۵۶٪ از نسق - داران را تشکیل میدادند ( ۳۸ درصد کمتر از ۲ هکتار ) ، نیز در فقر دائمی بسر می برندند . آنها دهقانان فقیر و کم زمین بودند که علاوه بر کار روی زمین، ماه - هائی از سال را به کار مزدوري می پرداختند ( بعضی از محققین درآمد سالیانه این دهقانان را ۲۵۰۰ تا ۲۰۰۰ ریال ارزیابی کرده اند : بطور متوسط هر هکتار ۵۰۰۰ ریال ) . رعایای بین ۴ تا ۲۰ هکتار وضع میانه و ۲۰ تا ۵۰ هکتار مرتفع الحال یا شروع تمند بشمار میرفتند . بدین ترتیب مطابق تحقیقات آماری

میتوان دید که بین ۳۷٪ تا ۵۰٪ روستائیان را رعایای خوشنشین یعنی نیروی کار آزاد تشکیل میدادندکه بخش محدودی از آنان به کارهای از قبیل بنائی، آهنگری وغیره مشغول بودند. در حالیکه بخش اصلی و قریب به اتفاق آنان کارگران ساده مزدور بودند.

سیستم اجاره‌ای که در آن مالک رانت مطلقه سرمایه‌داری اخذ میکند، بطور کلی این نوع روابط، روابط عقب افتاده سرمایه‌داری در روستا هستند. در مورد اراضی دهقانی (خرده‌مالکی) که همواره در کنار مالکیت بزرگ فئودالی وجود داشته نیز در سال ۱۳۹۲، ۲۶ درصد زمینهای زیرکشت ارزیابی شده‌اند که ۱۵ درصد آنها زمینهای کوچک مورد بهره‌برداری بوده‌اند. این تولید - کنندگان اغلب در اطراف شهرها بوده و تولید خود را مستقیماً به بازار شهرها تحویل می‌دادند.

دولت در طی چند سال پس از سال ۱۳۲۲ بخشی از اراضی خالصجات دولتی و سلطنتی را به معرض فروش قرارداد. در سالهای ۱۳۲۵-۱۳۲۶ رعایا که تحت فشار شدید اربابان قرارداشتند، تغییراتی را در نظام ارباب - رعیتی خواستار شدند. در سال ۱۳۲۵ تصویب‌نامه‌ای مبنی بر افزایش ۱۵٪ سهم کشاورزان تصویب شد که اساساً به سود رعایای مرفه و میانه بود. در سال ۱۳۲۵ تصمیم به فروش اراضی خالصه با هدف گسترش مالکیت کوچک گرفته شد. در دوره حکومت مصدق ۲۰٪ بهره مالکانه حذف شد و بدین ترتیب تجدید تقسیم گردید: ۱۰٪ به رعیت داده شود و ۱۰٪ به عمران روستا اختصاص داده شود. فروش زمینهای سلطنتی اساساً در سالهای بعد از ۱۳۴۴ بخش کثیری از نزدیکان دربار و جمع قلیلی از رعایا را در برگرفت.

در فاصله سالهای ۱۳۲۸-۱۳۲۲ و تا سال ۱۵۷۰، از دهات سلطنتی بیش از ۸۳۶۶ متقاضی (۱۰ هکتار آبی و ۱۵ هکتار دیم) تقسیم شد. این اقدامات و مبارزات وسیع در طی سالهای مختلف بويژه ۱۳۲۰-۴۰ دولت را به اصلاحات معینی جهت تغییر وضع دهقانان و ادار میکرد. تمرکز زمینها در دست بزرگ مالکان (۵۴٪) و وجود چندین میلیون خانوار بی‌زمین و خوشنشین یا کم‌زمین و فقیر، آنچه که در طی حکومت رضاخان بانفوذ سرمایه تجاری به عرصه مالکیت زمین گسترش پیدا کرده بود، جمعیت وسیعی از توده دهقانان را بتدریج

آزاد نمود، کنده شدن این تولید کنندگان و گرفتن زمین دهقانان میانه و فقیر، استثمار وحشیانه دهقانان همگی نیروی کار عظیمی را برای تولید شهری فراهم کرد.

سرمایه داران تاجر و دولت، تولید کشاورزی را به منبعی جهت انباشت تبدیل کرده بودند از آن زمان که مصرف در شهرها افزایش یافت، با توجه به نیاز شهرها به تولید کشاورزی و همچنین بازار جهانی، دهقانان مورد وحشیانه - ترین استثمار قرار میگرفتند. درآمد تجار از ارزش فروش محصولات کشاورزی د شهرها یا درآمد مالکان از محصول اضافه که آن را با زور و اشکال مختلف جبر اقتصادی و غیراًقتصادی بدست میآوردند، شروتهای عظیمی را در دست آنها تمرکز کرد. تولید اضافه کشاورزی، از آغاز قرن اخیر، از آن زمان که وارد بازار سرمایه داری داخل و خارج میگردد به منبعی جهت انباشت تبدیل شد. برای درک مطلب تنها کافیست بدانیم که مالیات قند و شکر که بعنوان منبع اصلی ساختمان راه آهن در طی سالهای ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ گرفته شد، مبلغ ۱۸۶۹ میلیون ریال بود که ۸۰٪ آنرا دهقانان به تقریب پرداخت کرده بودند. در همین فاصله کل درآمد نفت ۱۹۶۹ میلیون ریال بود. اگرچه با افزایش تدریجی درآمد نفت و نفوذ سرمایه مالی و تجارت بین المللی اهمیت این انباشت کاهش یافت، اما همچنان جای مهمی را در ازدیاد ثروت تجار و سرمایه داران شهری و ملاک بازی میکرد. طبیعی است در بخش‌هایی که مستقیماً در رابطه با تجارت خارجی قرار داشتند، این امر شدیدتر و دامنه فشار به رعایا (دهقانان) بیشتر بوده است. مارکس نوشت:

"ولی اقوامی که تولید آنها هنوز بین اشکال بندگی، رعیتی وغیره قرار گرفته است همینکه به بازاری بین - الملکی کشیده میشود که تحت سلطه شیوه تولید سرمایه داری است و در نتیجه این وضع فروش محصولات آنها به خارجه بصورت مهمترین نفع آنها در می آید، آنگاه از نزد آنها فجایع وحشیانه بردگی و سرواز وغیره با شناuat و فجایع اضافه کار متمدن در می آمیزد."

(مارکس- سرمایه، جلد یک، ص- ۲۳۳)

انکلس این مطلب را جبن بیان میدارد :

"احیای ۰۰۰ نظم کهن و استه به رشد تولید ۰۰۰ برای بازار"

جنین است زمینه‌ای که در آن شعاعات و فجایع بازار سرمایه‌داری و ستم فئودالی در هم فرومیرود در سال ۱۳۱۲ اندکی پس از اعدامات رضاخان جهت تثبیت بررگ‌مالکی، فروغی نخست وزیر وقت در مجلس چنین گفت :

"در عرض چهل، پنجاه سال اخیر نعداد خردۀ مالکان بسیار کم شده ۰۰۰ خردۀ مالک را باید تشویق کرد و تعدادشان را زیاد نمود."

(مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران - باقر مومنی، ص ۹۷)

اما تاریخ نکامل بعدی جامعه نشان داد که دهقانان همانا تبدیل به کارگران آزاد خواهند شد و خود خردۀ مالکان بیش از پیش به بازاری که در شهرها گسترش یافته بود، پیوسته می‌شوند.

دهقانان کوچک و میانه و سایر اقسام روستائی، علاوه بر تجار مالکین و اربابان با رباخواران و یا سرمایه‌ریائی نیز رودررو بودند. عملیات رباشی در روستاهای چه در رابطه با کالا‌های تولید شده مازاد دهقانی و چه در روابطه با فرداش محصولات صنعتی رواح عظیمی یافت. رباخواران در ازای مبالغ ناچیزی در هنگام نیاز دهقانان، محصولات آنها را خریده و در وقت گرانی به فروش می‌رسانند. رباخواران با قرض دادن به دهقانان آنان را در بنده می‌افکنند که سرانجام کنترل تولیدشان را عملاً بدست می‌گرفتند. منخر سود در اینجا از ۲۰٪ بیشتر تجاوز می‌کرد. اگر رباخواران و صاحبان پول اعم از دولت و سرمایه داران شهری که ثروت هنگفت داشتند، مالکین، تجار و غیره را مورد حمله "پول" خود قرار میدادند، رباخواران کوچکتر و حتی نکاکین، پیله‌وران کوچک و سلف خرها، دهقانان را درجه به فقر و تنگدستی می‌کشانیدند، از زمین هایشان راندند و به کار مزدوری گسیل داشتند.

"چنین است زحماتی که لازم بود تا "قوانين طبیعی

جاویدان" شیوه تولید سرمایه‌داری از قید و بند رهای

شود، روند جدائی بین کارگران و شرایط کار به انجام رسد،

در یک قطب وسایل تولید و وسایل معیشت به سرمایه

مبدل گردد و در قطب مقابل نوده‌های مردم به کارگران مزدود  
به "قرای رحمتکش" آزاد، به این شاهکار تاریخ جدید، بدل  
شوند" .

نباید فراموش کرد که انبیوه نیروی کار آزاد در ده و شهر، در شرایطی قرار  
داشتند که در شهرها بازار داخلی گسترش بافته بود، اما در روستاهای هنوز  
سقابای فئودالیسم وجود داشت در شهرها، سرمایه صنعتی، که تمایل به ایجاد  
ارزش اضافه سبی، بهره‌کشی از طریق گسترش تولید و بارآوری کار دارد، بوجود  
آمده بود و در روستاهای نیروی کار آزاد و مبادله کالائی بسط یافته، اما همچنان  
تولید اساسی روستاهای بر پایه تولید کهن قرار داشت نیاز سرمایه بطور اعم  
در گسترش نهایی بازار قرار داشت، در حالیکه در روستاهای قوانین چه از جانب  
مالک، چه از جانب دهقانان، چه از جانب رباخوار و چه از جانب رعیت ربای  
گ برنده ۰۰۰ در رابطه با شهرها و بازار بین‌المللی شکل می‌گرفت سرمایه  
مستقیماً بر کلیه ارکان اقتصادی جامعه مستولی می‌گردد. اما برای اینکار باید  
اشکال فرعی و کمین خود را کنار بزند . مارکس نوشت :

" سرمایه ریائی و سرمایه تجاري اشکال فرعی هستند ."  
" ولی قرون وسطی دو شکل مختلف از سرمایه بدست داده  
است که در گوناگون‌ترین ساختهای اقتصادی - اجتماعی  
نشوونما بافته و پیش از عصر شیوه تولید سرمایه‌داری به ر  
صورت جنبه سرمایه داشته است . دو شکل مزبور عبارتند از  
سرمایه ریائی و سرمایه تجاري ."

این اشکال می‌بایست با توسعه سرمایه صنعتی مغلوب گردیده و به تبعیت از  
سرمایه صنعتی کشیده شوند . این اشکال سرمایه مناسب با دوران افول و  
اضمحلال فئودالیسم بودند و تسلط آنها بر بازار در پیوستگی با سرمایه مالی  
قرار داشت . آنها مناسبات و مبادله کالائی را بسط داده بودند، اما خود  
همانگونه که خواهیم دید، از این پس نیروی مقاومی د ربرابر بسط همه‌جانبه  
نولید سرمایه‌داری بودند . سرمایه صنعتی از بطن شرایطی که این "سرمایه‌های  
ماقبل سرمایه‌داری" ایجاد کرده بودند، وجود یافت، اما تنها با مغلوب  
ساختن این سرمایه‌ها می‌توانست تداوم یابد . ما این مطلب را که بخش مهمی

از بحث مارا تشکیل میدهد، تنها با یک بررسی جامع‌تر قادریم حل نمائیم :  
شکل گیری بازار داخلی واحد .  
انباشت سرمایه در ایران (چه بطور خصوصی و چه بطور دولتی) از پایان قرن  
و اوائل قرن اخیر وسعت میگیرد . ۱۹

روند انباشت سرمایه صنعتی و تولیدی در ایران بطور کلی معمودی است . این  
سرمایه‌ها در بخش‌های صنعتی و ساختمان متمرکز شده‌اند . مهم‌ترین نکات  
منعکس شده در جدول عبارتند از اینکه در سرتاسر دوران انباشت سرمایه  
ثبت ناخالص در بخش‌های مختلف هرگز نقش کالاهای سرمایه‌ای وارداتی تا  
این حد بالا نبوده و کالاهای سرمایه‌ای داخلی تا این حد پائین عمل نکرده  
است . دیگر اینکه سرعت و حجم سرمایه‌گذاریها و انباشت هرگز به اندازه  
فاصله ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۲ (۱۳۲۲-۴۱) نیست . اما همچنان بخش بزرگی از این  
انباشت در کارهای ساختمانی (خانه‌سازی، ساختمانهای تجاری، دولتی و  
صنعتی) متمرکز است .

بطورکلی بخش ساختمان پس از سال ۱۳۲۰ بخش بیشتری از سرمایه‌های انباشت  
شده را بخود اختصاص داده و تنها در دوره ۱۳۲۲ به بعد است که ما شاهد بهم  
خوردن این ترکیب هستیم . بخش ساختمانهای تجاری ، صنعتی و دولتی  
افزایش میابد و خانه‌سازی کم میشود .

خصیمه مهمی که در این انباشت وجود دارد این است که بموازات افزایش حجم  
سرمایه صنعتی انباشت شده، از آنجا که این سرمایه‌ها قادر نبودند با سرمایه  
امپریالیستی رقابت نمایند، عملا در رابطه با واردات کالای سرمایه‌ای شکل  
میگیرد . امپریالیسم و کلا سرمایه مالی جهانی در این دوره در تعیین رشته-  
های تولیدی مستقیم و غیرمستقیم (یعنی از طریق نقشی که در بازار جهانی  
ایفا میکند) این سرمایه‌ها را سمت و سو میدهد . حال آنکه در همین فاصله نقش  
کالاهای سرمایه‌ای داخلی کاهش نشان میدهد .

در این فاصله عملا راههای اولیه و راه‌آهن و بنادر بزرگ بوجود آمدند و کارخانه  
های صنعتی بزرگ مستقیما در رابطه با ترکیب ارگانیک بالا رو به پیدایش  
نہادند . تولیدات کشاورزی و صنعت باهم رابطه برقرار کردند و چندین

کارخانه و کارگاه کوچک و بزرگ ساخته شدند . بیوژه در سال‌های پس از ۲۲ ، سرمایه‌های امپریالبستی به رشته‌های صنعتی نیز روآور می‌شوند . دولت با اجرای در برنامه ۷ ساله کوشش دارد شرایط عمومی سرمایه‌داری را گسترش دهد که البته این برنامه‌ها حتی در اهداف اعلام شده خود بمیزان زیادی ناموفق بوده‌اند . لیکن در طی اجرای این دو برنامه دولت موفق گردید در جندین رشته تولید سرمایه‌گذاری کرده یا سرمایه‌گذاران خصوصی را به سرمایه‌گذاری سوق دهد .

پس از سال ۲۲ ، افزایش درآمد نفت از سوئی وجود امکان سرمایه‌گذاری بیشتر بخش مهمی از "پول" های داخلی را به سمت ایجاد کارگاه‌ها ، کارخانه‌های صنعتی و مونتاژ می‌کشاند ، کارگاه‌های با تعداد ۱۰ کارگر روبه افزایش مینهند و جهت انجام تولید صنعتی از خارج وسائل تولید و مواد خام وارد می‌گردد . حجم عملیات بانک‌ها گسترش می‌یابد و بانک‌ها مستقیماً به عرصه تولید صنعتی نیز وارد می‌گردند . کوشش برای سرمایه‌گذاری از طریق گرفتن وام و کمک اقتصادی از امپریالیستها نیز ابعاد جدیدی بخود می‌گیرد . همانطور که بعداً خواهیم دید ، منافع مستقیم امپریالیسم نیز ایجاب مینمود که نه فقط صدور سرمایه به ایران را تشدید نماید ، بلکه اشکال آنرا ، بیوژه در شکل صنعتی نیز متنوع سازد . عملیات سرمایه مالی خود ، زمینه‌های صنعتی را نیز بسط داد و با گسترش مبادله کالائی ، زمینه پیدایش سرمایه صنعتی و استیلای روند گسترش آن را در تولید اجتناب ناپذیر ساخته بود ( امکن بخش بعدی همین نوشه ) . آن رادر تولید اجتناب ناپذیر ساخته بود ( امکن بخش بعدی همین نوشه ) . شرایط مذکور در بالا این حقیقت را منعکس می‌سازد که انباست اولیه سرمایه در ایران از لحاظ قطب سرمایه و وسائل تولید ، بموازات بی‌زمین شدن دهقانان هم‌زمان با گسترش صنعت و روابط کالائی در کشاورزی ، گسترش تجارت داخلی و خارجی ، نفوذ این تجارت در مناسبات فئودالی و پراکنده نمودن آنها ، یعنی " درواقع همان حوالشی که دهقان کوچک را مبدل به کارگر نمود " رشد کرده است . نگاهی به منابع انباست اولیه در ایران این حقیقت را بارزتر می‌کند . انشاست بدوى :

" بجای آنکه نتیجه تاریخی تولید خاص سرمایه‌داری باشد ، پایه و مبدأ تاریخی آن است . "

این سخن مارکس متوجه مجموع شرایطی است که در طی آن پایه‌های اساسی انتقال نهائی به نولید سرمابه‌داری فراهم می‌گردد. این شرایط اگرچه همان است که ما بطور کلی در سطور پیشین بازگفتیم، اما در اینجا مجدداً از زاویه دیگری مطرح می‌گردد. بررسی منابع انباشت عمق مطلبی را که مارکس در ابظه با جوامع پیش‌سرمابه‌داری مطرح می‌کند، نشان میدهد. منظور از منابع انباشت آندسته از تولیدات منابع است که پایه تمرکز ثروت در قطب مقابل می‌گردد و موجبات پیدایش آن ثروتی را فراهم می‌سازد که قادر است دهقان بی‌زمین، بیکاران شهری و غیره یعنی لشکرکار را جذب خود سازد و البته این نیز خود پروسه‌ای است. تاریخ انباشت در ایران، مارا با چند منبع اصلی انباشت اولبه زوبرو می‌سازد. این منابع نقش قطعی و مهمی در شکل‌گیری پروسه فوق داشته. اند و ما آنها را بدین صورت دسته بندی می‌کنیم :

- ۱- محصول اضافی دهقانان
- ۲- تجمع ثروت‌های کوچک
- ۳- نفت

۴- وام‌های خارجی و سرمایه‌گذاریهای مستقیم امپریالیسم.

سرمایه تجاری، زمینه عمومی جذب این منابع را ضمن آنکه خود در آن شرکت مستقیم دارد، فراهم می‌سازد.

آنچه تجارت را در جامعه‌ای فئodalی بوسیله‌ای جهت تمرکز سرمایه و ثروت در دست صاحبان سرمایه تجاری تبدیل می‌کند، امکان اختصاص محصول مازاد دهقانان و تصاحب این مازاد از طریق تجارت بین‌المللی و ملی است. این امر یعنی تجارت کالای امپریالیستی یا کالای تولید شده داخلی، هنگامیکه در سطح بازار انجام می‌گیرد، در واقع بخشی از محصول اضافه دهقانان را به تجار تحويل میدهد. تاجر مازاد محصول دهقان را از ده خارج و به شهر، مرکز مبادله و تولید مانوفاکتوری یا صنعتی نویا منتقل می‌سازد. رباخوار نیز در واقع چنین می‌کند. مشخصه این نوع تجارت که سویه نیرومند آن را تولید صنعتی در کشور امپریالیستی یعنی سرمایه مالی تشکیل میدهد، این است که در این عمل تجاری بخشی نیز از محصول اضافه بشکل سود راهی مت رویل می‌گردد و تنها بخشی از سود حامله در دست سرمایه‌دار تجاری متمرکز می‌گردد. این انباشت

نروت در دست ناجران است . مازاد نولبد دهقانان علاوه بر این از طرف بورژوا- ملکان و دولت (مشکل مالیات ، خریدهای انحصاری ، حقوق انحصاری ) به روسه انباشت وارد میگردد . جالب توجه است که در فاصله سالهای ۱۳۰۰ - ۲۰ بکی از منابع مهم انباشت در غیاب تولید نفت ، همیش مازاد تولید دهقان بود . تولید محصولات کشاورزی صنعنی این امر را سدت بخشید و این امکان را فراهم ساخت که تولید کنندگان محصولات کشاورزی تحت شرایط عقب افتاده نفع خود را در بازار جهانی دنبال کنند . استثمار و حتیانه دهقانان در اواخر سال- های ۴۰ و کلا در این دوره در رابطه با بازار به معنای کشیدن شیره جان آنان بسود سرمایه مالی و بسود انباشت سرمایه در ایران بود . این دو دریکرونده انجام میگرفتند : نمونه معینی از این امر در مالیات دولتی بین سال های ۱۳۰۰ - ۲۰ است که عدالت از دهقانان که در این فاصله ۸۰درصد مصرف کنندگان را تشکیل میدهند ، اخذ میشود (مالبات قند و شکر و انباشت آن در راه آهن سرتاسری ) . حق خرید انحصاری محصولاتی چون تنباکو ، توتون ، پنبه ، حای ، برنج و غیره را نیز باید در همین روند مورد بحث قرارداد . در اینجا انباشت به قیمت سیه روزی ، فقرمطلق ، بی خانمانی افراد و سرانجام پیوستن به صفوں کارگران متجلى میشود . دولت علاوه بر این با جمع آوری ثروت‌های کوچک پولهای تجار ، کارمندان دولت و غیره ، بعنی با ایجاد بانک یا گرفتن قرضه و دیون دولتی نقش فعالی در فراهم نمودن ثروت جهت تبدیل به سرمایه بازی میکند . تاسیس بانک ملی و پنج بانک دیگر ، گسترش بانکها و بعدها تاسیس بانکهای خصوصی ، دولتی و مختلف (با امپریالیستها) نیز نقش مشابهی بازی میکند . این نیز آن شکلی از انباشت اولیه میباشد که پیش از اهمیت یافتن وسیع نفت وجود داشته ویس از آن وسعت گرفته است .

مارکس در مورد دیون دولتی و بانکها نوشت :

" دیون دولتی صورت حساسترین اهرم انباشت بـدوی در می آید . مانند عصای مسحور ، بیک ضرب پول عقیم را دارای قدرت زادوولد میکند و بدون آنکه آنرا در معرض زحمات و مخاطراتی قرار دهد که ملازم کاراندازی پول در صنعت و یا حتی ریاست ، پول را به سرمایه مدل میکند . در حقیقت

بستانکاران دولت چیزی نمی‌دهند، زیرا مبلغ قرضه بصورت سفته‌هایی در می‌آید که به آسانی قابل انتقال هستند و در دست صاحبان آن کاملاً همانند پول نقد به وظیفه خود ادامه می‌دهند.<sup>۱۰</sup>

میزان شروتی که بانکها در طی سالهای ۱۳۲۰-۴۰ توانسته بودند در دست خود گیرند، به قرار زیر بود:

| درصد رشد | نوع بانکها   | میلیون ریال | سال  |
|----------|--------------|-------------|------|
| -        | دولتی        | ۶۴۵         | ۱۳۲۰ |
| ۹۷       | عمدتاً دولتی | ۱۲۷۹        | ۱۳۳۰ |
| ۱۵۰      | عمدتاً دولتی | ۳۱۹۷        | ۱۳۳۱ |
| ۱۰۶      | عمدتاً دولتی | ۶۸۳۶        | ۱۳۳۷ |
| ۱۴۰      | عمدتاً دولتی | ۱۶۹۸۸       | ۱۳۴۰ |

حجم عملیات بانکی مرتباً افزایش یافته و گسترش بیسابقه‌ای می‌یابد. شبکه‌های بانکی در اغلب شهرها بوجود می‌آید و عملیات بانکها متنوع می‌گردد. بانکها در حقیقت همان عمل دیون دولتی را بازی می‌کردند، زیرا برخلاف مثلاً انگلستان، عمدۀ این بانکها دولتی بودند و از ابتدا در رابطه با دولت عمل می‌نمودند و بعدها با پیدایش بانکهای خصوصی، بانک مرکزی ایران به ایفای عملیات دولتی از جمله دیون و چاپ اوراق قرضه وغیره در رابطه با بانکها بطور مستقیم پرداخت. مارکس نکته‌ای را در رابطه با انگلستان مطرح می‌کند که در مورد بانکهای دولتی و بعدها خصوصی ایران و رابطه‌شان با بانک مرکزی مطلب روشنگری می‌باشد:

"بانک‌های بزرگ که با عنوان ملی نیز تعیین یافته‌اند، از بدو تاسیس خود، جز شرکت‌هایی از سفته‌بازان نبودند که در جنب حکومتها جا می‌گرفتند و به برکت امتیازات بسیار آورده امکان یافته بودند به آنها مساعدت نقدی بدنهند. بهمین سبب بهترین اندازه‌گیر میدان تراکم در مورد دیون دولتی

همانا ترقی متواالی سهام این بانکها است که ۰۰۰-

این تجمع سروتهای کوچک که در حقیقت بشکل اوراق دیون (قرضه) دولتی از واگذارکنندگان پول گرفته میشد، پیوسته بخش مهمی از شرود راکد تجار وغیره را به تحرک در میآورد و علیرغم آنکه به خود تجار نیز باز میگشت، در دست دولت به یک "ابزار مهم انباشت اولیه" تبدیل میشد بتدربیح با افزایش درآمد نفت، منبع دیگری به منابع انباشت ایران افزوده میشود. نفت درابتدا درآمد ناچیزی را نصیب ایران میکرد، لیکن بتدربیح بر اثر تجدیدنظر در قراردادها و یا افزایش تولید و قیمت نفت، درآمد دولت از نفت بالا رفت. از آنجا که مسئله نفت جه از لحاظ انباشت و چه از لحاظ ارباطه امپریالیسم با دوره مورد

نظر ما اهمیت فوق العاده‌ای دارد، بر روی آن مکث بیشتری می‌کنیم.

درآمد ایران از نفت تا پیش از سال ۱۹۵۰ براساس "حق الامتیاز مقطوع" بود.

ابن در واقع امر رشویه‌ای بود که به دولت ایران پرداخت میشد تا نفت ایران غارت شود. در اینجا هیچ نوع قاعده‌ای حکمرانی نمیکند. درآمد ایران از نفت سهم ناچیزی از کل فروش را تشکیل میداد. قیمت نفت که در بازار بین‌المللی بر اساس بالاترین هزینه و قیمت کالای مشابه تعیین میشد، هیچگونه نقشی در تعیین حق الامتیاز مقطوع نداشت. کوشش‌های رضاخان در سال ۱۳۱۱ جهت افزایش قیمت نفت مدت کوتاهی دوام نیاورد و وی با امضاء قرارداد جدید نه فقط قرارداد دارسی (۱۹۰۱) را لغو نکرد بلکه اولاً: آن را به مدت ۶۰ سال تمدید کرد، ثانیاً: موجب شد قرارداد قبلی که طبق آن ۱۶ درصد از کل درآمد به ایران تعلق میگرفت نیز تغییر کرده و به ازای هر شکه ۴ شیلینگ به ایران پرداخت شود. افزایش درآمد ایران از نفت پس از سال ۱۹۲۲ (۱۳۱۱) تنها مربوط به افزایش تولید نفت است. در فاصله سال ۱۹۱۲-۱۸ کل درآمد ایران از نفت ۱/۳۳ میلیون لیره انگلیسی است که در سالهای ۱۹۱۹ به بعد تغییر ناچیزی میکند و این تغییر همچنان تا سالهای ۱۹۴۴ ناجیز است. پس از آن تولید نفت هر روز حجم بیشتری میباید. مبارزات ۲۲-۱۲۲۹ حول درآمد نفت در حقیقت مبارزه‌ای جهت گسترش منابع انباشت ایران و تصرف یک منبع مهم آن بعنی نفت است. این مبارزه از آنجا که در اساس تحت رهبری بورژوازی لیبرال رفمیست قرارداشت و با مبارزه رقابت آمیز امپریالیسم

آمریکا و انگلیس نیز مخلوط شده بود ( دولت مصدق در این توهمند که در مبارزه با انگلیس ، آمریکا و را لاقل همراهی کند ) با شکست مواجه شد . اثرات مبارزات جنديان ساله مردم ایران بر علبه قرارداد نفت ایران و انگلیس سرانجام امپرياليستها را وادار نمود شکل ظاهري قراردادها را " عادلانه " نمایند . علاوه بر اين پس از ييروزي که امپرياليسم آمریکا در بازگردانيدن شاه و مبارزه عليه انگلیس در ایران بدست آورد ، نفت ایران به نسبت ۶۰ ( انگلستان ) و ۴۰ ( آمریکا ) میان غولهای انحصاری دوکشور تقسیم گردید . طبق قرارداد ، درآمد ۵۰ - ۵۰ تقسیم میشود . درآمد در اینجا عبارت است از قیمت نفت استخراجی به " قیمت تعیین شده " منهای کل هزینه ها شامل عملیات اکتشاف تا حفاری ، حمل و نقل و رساندن به مقصد ! از این درآمد ۵۰٪ به دولت ایران مالیات داده میشود و همچنان ۱۲/۵ درصد از بهای نفت خام نیز به شرکت ملی نفت ایران که مالک نفت خام تلقی میشود ، بهره مالکانه داده میشود . این ۱۲/۵ درصد عملاً جزو " مالیات " بحسب میآمد و از ۵۰٪ مالیات کسر میگردد ! کليمه تسهيلات برای امپرياليستها فراهم بود و آنها آزادی هرگونه عملی را در حوزه شركت نفت داشتند . موحد در کتاب " نفت و مسائل حقوقی آن " مينويسد :

" هنوز وقتی يك قرارداد نفتی را مطالعه ميکنيم بی اختیار جنبه های غيرعادی آن د رنظر ما مجسم میگردد . معافیت از حقوق و عوارض گمرکی ، معافیت از مقررات سهمیه بازرگانی ، معافیت از مقررات ارضی ، حق ايجاد و اداره بنادر ، حق داير کردن تلگراف ، تلفن و بي سیم ، حق داير کردن خطوط هوائي ، راه آهن و كشتيراني و حق استفاده مجاني از آن و اراضي دولتی از جمله نکاتی است که در مطالعه هر قرارداد نفتی جلب توجه میکند . "

بدین ترتیب نه فقط امپرياليستها از کلیه مزایای گوناگون حقوق انحصاری برخوردار گردیدند بلکه در لباس نوینی قرارداد اسارتیار جدیدی را تدوین کردند . آنچه که طبق این قرارداد به ایران داده میشدبر اساس " قیمت تعیین شده " در بازار خلیج بودکه با بهای بازار یعنی مقصود نهائی تفاوت داشت و تنها بخشی از بهره مالکانه ایران نسبت به تولیدات نفت بود . حتی بمثابه

بهره مالکانه نیز این سهره در خارج از بازار بین‌المللی و در واقع در اتحاد سا دولت ایران جهت هرچه کمتر برداختن به ایران و هرچه بیشتر سود بردن تعیین می‌شد. تغییرات قیمت نفت در بازار جهانی هیچگونه تاثیر مسنقبم و جدی بر روی "بهره مالکانه" برداختی به ایران نداشت. طبق فرارداد ۱۹۳۳ که ذکر آن رفت، ایران میباشد خساراتی نسبت به انگلستان بابت سال‌یشگاه کرمانشاه بپردازد. به این شرتبه امپریالیستها با بهره برداری از موقعیت انحصاری خود در بازار جهانی، در استخراج نفت ایران به سودهای هنگفتی دست یافتند. در جامعه‌ای که اساساً سرمایه اندکند، وجود همین مقدار درآمد که سه‌حال افزایش ندریجی داشته و پس از سال ۱۹۵۳ افزایش سریع نشان مدهد، نقش مهمی در ایجاد اولیه در ایران داشته است.

در فاصله سال‌های ۲۰ - ۱۳۰۰ تابیر درآمد نفت همانطور که میتوان در جدول زیر دید در کل درآمد دولتی بسیار ناچیز است، بطوریکه مقدار کل این درآمد در فاصله سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۲۷ و حتی تا پایان این دوره به اندازه مالیات فند و شکر در فاصله ۲۰ - ۱۳۰۴ نمیرسد. مثلاً در سال‌های ۱۳۱۲ - ۲۰ کل بودجه بطور تقریبی ۱۴۲۹۵ میلیون ریال بوده است. حال آنکه در همین مدت درآمد نفت تنها ۱۳۳۹ میلیون ریال یعنی کمتر از ۱۰٪ کل بودجه بوده است. جدول زیر سهم نفت را در تشکیل سرمایه ناثارت داخلی در فاصله ۳۳ - ۲۰۰۰ نشان می‌دهد:

| سال       | سهم نفت در تشکیل سرمایه نثارت داخلی |
|-----------|-------------------------------------|
| ۱۳۰۰ - ۹  | % ۱۵                                |
| ۱۳۱۰ - ۳۳ | % ۵                                 |

پس از کودتای امپریالیستی (۱۹۵۳) تولید نفت ایران با سرعت بسیار افزایش یافت و متناسب با آن درآمد ایران از نفت فزونی گرفت:

| سال  | تولید خالص یه میلیون تن از حوزه<br>قرارداد کتسرسی و م | درآمد به میلیون لیره |
|------|---|----------------------|
| ۱۹۵۴ | ۲/۵   | ۳/۱                  |
| ۱۹۵۵ | ۱۵/۸  | ۲۲/۳                 |

|       |      |      |
|-------|------|------|
| ۵۴/۸  | ۲۵/۹ | ۱۹۵۶ |
| ۷۶    | ۳۴/۸ | ۱۹۵۷ |
| ۸۸/۳  | ۳۹/۸ | ۱۹۵۸ |
| ۹۳/۷  | ۴۴/۷ | ۱۹۵۹ |
| ۱۰۱/۹ | ۵۱   | ۱۹۶۰ |
| ۱۰۲/۶ | ۵۷/۱ | ۱۹۶۱ |

سهم نفت در تولید ناخالص ملی در سال ۳۸، ۱۰/۴ درصد ، در سال ۳۹، ۱۱/۲ درصد و در سال ۴۰، ۱۲/۲ درصد است . درآمد نفت مستقیماً بتصویرت ارزی (درآمد ارزی ) به دولت سپرده میشد . این درآمد بمیزان زیادی مورد چپاول قرا رمیگرفت ، به بانکهای خارجی فرستاده میشد و یا اینکه در بانکهای داخلی ذخیره میشد . اما علاوه بر این دولت از درآمد نفت ، بخشی از بودجه دولتی و ارز خارجی مورد نیاز خود را تامین مینمود . سهم دولت از بودجه دولتی در سالهای ۱۳۱۳-۱۷ بجز مالیات ۲۵٪ بوده است . در سال ۱۳۲۳ سهم نفت در کل بودجه ۱۶٪ و در سال ۱۳۲۹، ۳۳/۳٪ بوده است . همچنین سهم نفت از ارز خارجی که در دست دولت بود در جدول زیر نمایان گردیده :

| سال  | خرید ارزهای صادراتی و غیر بازارگانی بیمیلیون ریال | درصد | درصد  | درآمد نفت و خرید از شرکتهای نفتی | درصد |
|------|---|------|-------|----------------------------------|------|
| ۱۳۲۹ | ۶۵/۹  | ۳۶/۶ | ۱۱۵   | ۶۳/۵                             |      |
| ۱۳۳۰ | ۶۹/۷  | ۶۰/۶ | ۲۹/۲  | ۳۰/۴                             |      |
| ۱۳۳۱ | ۶۳/۷  | ۱۰۰  | -     | -                                |      |
| ۱۳۳۲ | ۸۳/۱  | ۶۱/۶ | -     | -                                |      |
| ۱۳۳۳ | ۱۰۶/۸   | ۴۵/۱ | ۳۴/۴  | ۱۴/۵                             |      |
| ۱۳۳۴ | ۸۱/۱  | ۲۵   | ۱۳۸/۸ | ۴۲/۷                             |      |
| ۱۳۳۵ | ۱۰۵/۸   | ۲۴/۶ | ۲۸۱   | ۶۰/۳                             |      |
| ۱۳۳۶ | ۱۲۳/۷   | ۲۴/۶ | ۲۵۶   | ۵۱                               |      |
| ۱۳۳۷ | ۱۴۱/۳   | ۲۵/۶ | ۳۴۴/۱ | ۶۲/۴                             |      |

|      |       |      |       |      |
|------|-------|------|-------|------|
| ۵۴/۶ | ۳۲۷/۷ | ۲۵/۷ | ۱۵۹/۴ | ۱۳۳۸ |
| ۵۰   | ۳۵۸/۹ | ۲۵/۷ | ۱۶۷/۹ | ۱۳۳۹ |
| ۵۶/۴ | ۳۹۱/۳ | ۲۰/۸ | ۱۴۴/۳ | ۱۳۴۰ |

درآمد نفت با توجه به جدول فوق از سوئی به پشتوانه ارزی دولت و تامین کننده کسری بودجه و بودجه (بهمراه وامهای خارجی) تبدیل شد و از دیگر سو به منبعی جهت انباشت سرمایه اینکه درآمد نفت تنها بصورت ارز خارجی در ایران میتوانست عمل کند، بسط تجارت از طرف بوروکراتهای دولتی، یا از طریق سپردن این ارزها به تجار جهت تجارت و یا خارج کردن آنها از کشور و سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر را باعث میشد. درآمد نفت به منبعی اساسی جهت تامین ارز تبدیل شد و بالنتیجه خودبخود سمت و سوی تجارت داخلی را نیز با تجارت جهانی تطبیق میداد. این درآمد از آنجاکه شکل ارز خارجی را داشت، عمدتاً در رابطه با همان کشورهای خریدار نفت (کنسرسیوم) و سایر کشورهای امپریالیستی وارد تجارت میشد. با توجه به بسط بازار خارجی در ایران و تامین ارز تجاري از طریق مدور نفت، پشتوانه تولیدی داخلی تجارت خارجی بیش از بیش ضعیف گردید و حجم صادرات غیرنفتی بسبت به کل واردات پائین آمد.

قبله دیدیم که بخشی از این صادرات نیز همان محصولات کشاورزی بودند. بنابراین ارز نفتی، امکان تجارت خارجی بدون اتکا به تولید صنعتی را بیش از بیش بسط داد. اما بهر ترتیب پس از سالهای ۲۲ و تا حدودی قبل از آن در رابطه با نیازمندیهای دولتی (راماسازی، ارتقی و تسلیحات، نیازمندیهای اقتصادی) و همینطور از طریق وام و اعتبارات ارائه شده از طرف بانک‌ها درآمد نفت نیز به پروسه تولید صنعتی و انباشت سرمایه رانده میشد. روز بروز نفت بخش مهمتری از بودجه دولتی، تجارت و منابع ارزی را تامین میکند و این خصیصه را نیز با خود بهمراه می‌آورد که گردش ارز (سرمایه‌پولی) را که در سطح جهانی به ایران انتقال یافته است بمقابله گردش پولی سرمایه در مداری عمومی‌تر یعنی تجارت با جهان امپریالیستی و همینطور کشیده به تولید جانشینی کالاهای وارداتی و یا مونتاژ بکار اندازد. حملت انباشت

درآمد نفت ، مطابق همان خصلت عمومی نجارت است و قادر نیز بیست جهار- چوب مورد نظر را درهم شکنده، بلکه متدریج و آرام آرام در دل آن اشکال نوین تولید را نیز وارد میکند . نولیدکشاورزی ورشد تجارت خارجی و داخلی زمینه سرمایه تجاری بود، نفت اینکه نه فقط پشتوانه ای جهت اس سرمایه بود، بلکه درآمد آن خود بشکل یولی (ارز) در سطح جهانی و داخلی (به مراد وامها و کمک های خارجی) نقش مهمی را در انباشت اولیه سرمایه در سالهای ۳۰ به بعد بعده گرفت . نه فقط نفت، بلکه سرمایه مالی که قبل از اواخر فرنخ اخیر در تجارت و مبادله وسیع کالائی به شکل سرمایه کالائی (تجاری) و سیس از طریق وامها و سرمایه پولی بمیزان وسیعی در تحولات اقتصادی ایران دخیل شده بود، مستقیما در طی این دوران وارد بازار روبه گسترش ایران میگردند . ما به مناسبت در بخش‌های مختلف این نوشته ، امپریالیسم و عملکرد سرمایه مالی را مورد دقت قراردادیم و در اینجا نگرشی عمومی‌تر بدان خواهیم داشت : از اواخر قرن گذشته صدور کالا به ایران به شدت گسترش می‌یابد . رشد درآمد ارزی ایران و وامها خارجی به دولت نیز این صدور کالا را تشید مینماید . ایران همیشه از لحاظ مواد اولیه واردات و صادرات ، دچار کمبود ارزی میشد . یعنی این موازنی منفی بود . حجم و ارزش کالاهای امپریالیستی همیشه بسیار زیاد بود و همانگونه که قبل اتفاقی در بسط مبادله کالائی و تجارت داخلی تاثیر بسیار داشت و دیدیم که چگونه در رابطه با تجارت داخلی ، تجارت خارجی سمت توسعه تولید برای بازار در کشاورزی را تعیین میکرد . ترکیب کالاهای وارداتی اما ثابت نماند . از آنجا که توسعه مبادله کالائی سرانجام به تقسیم کار جدید و جدیدتر و از آنجا پیدایش کارخانه‌ها و کارگاه‌های کوچک و بزرگ منجر گردید ، طبیعی بود که این کارگاه‌ها و کارخانه‌ها که بخشی از وسائل تولید خود را نیز از خارج وارد میکردند تنها به تولید مصنوعاتی میتوانستند بپردازند که اولا در بازار داخلی قابل فروش بودند و رقیب خارجی نداشتند و یا اگر داشتند حجم واردات برابر حجم صادرات نبود و ثانیا در رابطه با سرمایه امپریالیستی به تولید کالای مزبور میپرداختند . آنچه در اینجا بطور باز خودنمایی میکند ، انطباق رشته تولیدی با منافع امپریالیسم مربوط به تجارت یا صدور کالاست . در اینجا الیگارشی مالی ، امپریالیسم بنابه منافع

مستفیم خود تکامل سرمایه صنعتی را سمت و سو میدهد و آنرا تابع منافع سرمایه مالی و الیگارشی مالی میسارد . ما در بخش صنایع پاره‌ای از سرمایه گذاریهای مستقیم سرمایه مالی و رشته‌های آنرا نام بردیم . مشهورترین نمونه صنایع ایران از نوع مذکور ، یالایشگاه آبادان است که تنها صنعتی میباشد که عمر آن به بالاتر از ۶۰ سال میرسد (بقيه صنایع یا بکلی از بین رفته‌اند و یا نغییرات اساسی کرده‌اند) . علت این امر همانا امپریالیستی بودن سرمایه این واحدها و مالکیت وسائل و تولید آن از جانب سرمایه انحصاری بود . ترکیب ارگانیک سالای یالایشگاه نیاز به واردات خارجی را کاهش داد ، لیکن در حقیقت خود بمثابه تولیدی امپریالیستی و در مالکیت امپریالیسم انگلیس عمل مینمود . این نمونه را که موردی فوق العاده متفاوت داشت ، زیرا منافع مستقیم امپریالیسم و نفت با به آن را تشکیل میدادند ، کنار بگذاریم ، در سایر موارد نیز احکام فوق صادق است . فعالیت امپریالیستها در ایران عمدها متوجه مواد خام و تجارت بود . وامهای خارجی یعنی عملیات مالی امپریالیستی نیز تدریجاً نقش مهمی در جریان صدور سرمایه بعهده گرفتند .

هرگاه نفت را به علت اهمیت و ارزش فوق العاده مواد خام کنار بگذاریم ، جدول صفحه بعد کل شرکتهای خارجی و میزان سرمایه آنها را در دوره‌های مختلف (در پایان دوره ) نشان میدهد : (سرمایه به میلیون ریال )

| دوره      | شوری | فرانسه | هلند | آلمان | تعداد سرمایه |
|-----------|------|--------|------|-------|--------------|--------------|--------------|--------------|--------------|--------------|--------------|
| ۱۲۱۰ - ۱۴ | ۷    | ۱۲     | ۲    | ۶     | ۱            | ۱۹           | ۳            | ۸            | ۲۲۲۳         | ۱۴           | ۲۲۲۳         |
| ۱۲۱۵ - ۱۹ | ۶    | ۳      | ۲    | ۷۰۰   | ۴            | ۱۹           | ۴            | ۱۴           | ۲۸۸۹         | ۱۹           | ۲۸۸۹         |
| ۱۲۲۰ - ۲۴ | ۶    | ۳      | ۲    | ۷۹۹   | ۴            | ۱۹           | ۴            | ۱۴           | ۲۸۸۹         | ۲۴           | ۲۸۸۹         |
| ۱۲۲۵ - ۲۹ | ۶    | ۴      | ۴    | ۷۹۹   | ۴            | ۲۳           | ۴            | ۱۴           | ۲۸۸۹         | ۲۹           | ۲۸۸۹         |
| ۱۲۳۰ - ۳۴ | ۶    | ۱۶     | ۱۶   | ۹۹۲۰  | ۸            | ۱۰۹          | ۱۶           | ۱۶           | ۲۸۹۳         | ۳۴           | ۲۸۹۳         |
| ۱۲۳۵ - ۳۹ | ۶    | ۱۶     | ۳۳   | ۲۴۷۲  | ۱۸           | ۴۲۴۵         | ۳۶           | ۲۲           | ۸۴۱۵         | ۳۹           | ۸۴۱۵         |
| ۱۲۴۰ - ۴۲ | ۶    | ۲۶     | ۲۶   | ۵۷۹۷  | ۱۸           | ۴۲۴۵         | ۲۶           | ۲۴           | ۸۵۶۹         | ۴۲           | ۸۵۶۹         |

| دوره    | انگلستان | آمریکا | ایتالیا | تعداد سرمایه |
|---------|----------|--------|---------|--------------|--------------|--------------|--------------|--------------|--------------|--------------|--------------|
| ۱۳۱۰-۱۴ | ۲۸       | ۸۸۳۰   | ۳۱      | ۴            | ۷            | ۲۲۲          | ۱            | ۲۲۶          | ۴۷۴          | ۱            | ۴۷۴          |
| ۱۳۱۵-۱۹ | ۳۰       | ۸۶۰۱   | ۸       | ۴۲۰          | ۸            | ۵۰۸          | ۲            | ۱۰۱۵         | ۱۰۱۵         | ۸            | ۱۰۱۵         |
| ۱۳۲۰-۲۴ | ۳۲       | ۹۱۴۸   | ۹       | ۶۷۳          | ۷            | ۵۰۱          | ۲            | ۱۰۱۵         | ۱۰۱۵         | ۷            | ۱۰۱۵         |
| ۱۳۲۵-۲۹ | ۳۲       | ۹۵۲۱   | ۱۰      | ۶۷۳          | ۷            | ۵۰۱          | ۲            | ۱۰۱۵         | ۱۰۱۵         | ۷            | ۱۰۱۵         |
| ۱۳۲۰-۳۴ | ۳۶       | ۹۵۹۷   | ۲۸      | ۷۶۱۳         | ۸            | ۵۵۱          | ۲            | ۱۰۲۵         | ۱۰۲۵         | ۸            | ۱۰۲۵         |
| ۱۳۳۵-۳۹ | ۵۶       | ۶۰۵۷۰  | ۴۴      | ۹۱۹۶         | ۲۰           | ۱۰۶۸۹        | ۳            | ۱۰۲۵         | ۱۰۲۵         | ۲۰           | ۱۰۲۵         |
| ۱۳۴۰-۴۲ | ۵۹       | ۶۰۸۲۲  | ۵۳      | ۹۵۱۶         | ۲۳           | ۷۴۷۲۵        | ۳            | ۱۰۲۵         | ۱۰۲۵         | ۲۳           | ۱۰۲۵         |

این ارقام گرچه سرمایه ثبت شده شرکتهای خارجی را نشان میدهد که با ارقام واقعی صدور سرمایه خارجی در زمینه شرکتها متفاوت است . سرمایه شرکت های انگلیسی در این مدت همیشه از سایر کشورهای صنعتی بیشتر بوده است (در مورد سال ۴۱ سرمایه ایتالیائی مقدار هنگفتی را نشان میدهد که احتمالاً بخاطر ثبت بخشی از سرمایه است که در آن زمان معمولاً ثبت نمیکردند) . در طی سالهای ۲۰ - ۱۳۰۰ امپریالیسم آلمان در رقابت با انگلیس و سایر امپریالیستهای متحده انگلیس، دست به صدور سرمایه وسیع به ایران میزند . شرکتهای خارجی بویژه پس از افزایش درآمد نفت به سرعت زیاد شد و امپریالیستها که هم امنیت و هم شروط کافی برای فعالیت سرمایه های خود در ایران میدیدند، شرکتهای زیادی را در ایران باز کردند . روند این رشد سرمایه گذاری خارجی را در زیر مشاهده می کنیم :

شاخص  $1350 = 1310 = 100$

| دوره    | تعداد سرمایه | تعداد سرمایه (میلیون ریال) | تعداد سرمایه |
|---------|--------------|----------------------------|--------------|--------------|--------------|--------------|--------------|
| ۱۳۱۰-۱۴ | ۸۹           | ۲۱۵۸۹                      | ۱۰۰          | ۱۰۰          | ۱۴/۲         | ۱۴/۲         | ۱/۲          |
| ۱۳۱۵-۱۹ | ۱۰۴          | ۲۳۹۹۹                      | ۱۱۶/۹        | ۱۰۷/۹        | ۱۷/۲         | ۱۷/۲         | ۱/۳          |
| ۱۳۲۰-۲۴ | ۱۰۷          | ۲۴۴۹۱                      | ۱۲۰/۲        | ۱۱۲/۵        | ۱۲/۷         | ۱۲/۷         | ۱/۴          |
| ۱۳۲۵-۲۹ | ۱۱۲          | ۲۳۸۳۲                      | ۱۲۵/۸        | ۱۱۰/۴        | ۱۸/۵         | ۱۸/۵         | ۱/۳          |
| ۱۳۳۰-۳۴ | ۱۵۳          | ۳۱۴۸۹                      | ۱۷۱/۹        | ۱۴۵/۹        | ۲۵/۲         | ۱۴۵/۹        | ۱/۸          |

|           |     |    |        |       |        |        |       |       |      |     |
|-----------|-----|----|--------|-------|--------|--------|-------|-------|------|-----|
| ۱۳۴۰ - ۴۲ | ۳۱۵ | ۵۲ | ۲۹۶۴/۲ | ۳۵۳/۹ | ۸۵۵۸۲۱ | ۱۱۴۲۸۴ | ۳۱۵/۷ | ۵۲۹/۴ | ۴۶/۴ | ۶/۴ |
|-----------|-----|----|--------|-------|--------|--------|-------|-------|------|-----|

توسعه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران در طی سالهای ۳۰ کاملاً محسوس است. امپریالیستها با صدور سرمایه به ایران در شرایط افزایش درآمد نفت کوشش مبنی‌مودن‌دی‌بی‌طور کلی جریان بازار داخلی سرمایه‌داری روبه تشكیل را با منافع عمومی خود شکل داده و آن را تابع خواسته‌ای الیگارشی مالی سازند. نگاهی به ترکیب این شرکتها در کل این دوران از خصلت عمومی صدور سرمایه امپریالیستی در ایران پرده بر میدارد:

در سال ۱۳۴۲ از مجموع ۳۵۵ شرکت ۵۵٪ (۱۹۸) در شهره سازگانی و خدمات، ۹ شرکت در رشته صنایع و ۱۹ شرکت در معادن فعالیت می‌کردند. با رونق کار ساختمانی (ساختمان و راهسازی) از سال ۳۵ به بعد تا سال ۴۲، ۳۹ شرکت خارجی به ۲۱ شرکت قبلی اضافه شد: ۲۰ شرکت در رشته ساختمان و راهسازی، بنابراین خصلت عمومی سرمایه‌گذاری خارجی هم چنان تجارت وسیع است، اما بطور محسوسی چه در وامها که در گذشته به آنها پرداخته و چه در فعالیت‌های بانکی و همچنان در صدور سرمایه از طریق سرمایه‌گذاری ما شاهد فعالیت امپریالیستها در رشته صنعتی می‌گردیم: با گسترش بازار داخلی، سرمایه امپریالیستها نیز به زمینه سودآور سرمایه‌گذاری صنعتی انتقال می‌یابد. دولت خود با گرفتن وامهای صنعتی و تصویب قوانینی از قبیل "جلب و حمایت سرمایه خارجی" و یا "جلب و حمایت سرمایه‌های خصوصی آمریکائی" این زمینه را تشویق مینمود. سرمایه امپریالیستی طبق این قوانین از معافیت مالیاتی، از زمین ارزان و یا مجانی، دستمزد ناچیز تضمین شده وغیره برخوردار بود. اما ابعاد سرمایه‌گذاری صنعتی (جز درنفت) در این فاصله همچنان کمتر از سایر زمینه‌ها و بویژه در رشته‌های سیار سودآور است. در فاصله سالهای ۳۹ تا ۴۱ بطور کلی از ۸۰۶ میلیون ریال بیشتر نشد و آنهم در زمینه‌های لاسیک سازی، دارو سازی، ساختمان و معادن بود.

با این وجود سرمایه امپریالیستی قادر شده، ناگزیر با فراهم شدن عمومی شکل‌گیری بازار داخلی و سودآوری تولید به این زمینه نیز وارد شد. از زمانیکه

بخاطر تولید نفت دستگاههای عظیم پالایشگاه آبادان استوار گردیدند، تا زمانیکه با توسعه بازار داخلی، فراوانی نیروی کار و ۰۰۰ سودآوری رشته صنعت افزایش یافت، این گرایش سرمایه جهانی (امپریالیستی) عمل میکند. "امکان (صدور سرمایه دائمی با "ضرورت" این صدور در رشته‌های جدید و جدیدتر ترکیب میگردد. مصوبات کمینترن این خصیصه سرمایه‌گذاری را در مستعمرات چنین بیان میدارد:

"صدور سرمایه به مستعمرات پیشرفت و تکامل روابط سرمایه‌داری را در این کشورها تسريع میکند. یک قسمت از سرمایه صادر شده که برای کالاهای تولیدی به مستعمرات فرستاده شده تا حدی پیشرفت صنعت را تسريع مینماید ولی بهیچوجه در جهت استقلال نبوده، بلکه در جهتی صورت میگیرد که وابستگی اقتصادی مستعمرات را به سرمایه مالی کشور امپریالیست تشدید و تقویت کند."

(تذهای کنگره ششم-انتربناسیونال سوم درباره مستعمرات، کمونیستها و جنبش آزادیبخش ملی، ۱۹۲۸- "ترجمه فارسی صفحه ۲۹

صدور سرمایه، موجب بسط روابط تاریخی سرمایه‌داری میگردد. این است آنچه در همه فعالیتهای امپریالیستی نقش مهمی بازی میکند. اما این بسط روابط، این انبساط تدریجی و مداوم سرمایه، بیش از پیش سرمایه امپریالیستی را بر اقتصاد ملی حاکم میسازد، بطوریکه "تشکیل بازار ملی" همان تشکیل بازار داخلی در رابطه با سرمایه مالی و تحت سلطه آن میگردد.

امپریالیسم بطورکلی، در طی این دوره به تشدید عملیات سرمایه مالی در ایران می‌پردازد. شکل‌گیری اولیه بازار داخلی، همراه با بروز بحرانهای دهه ۶۰ و اوایل ۷۰ است. این بحرانها که پس از جنگ جهانی دوم آشکار و پنهان گریبان اقتصاد کشورهای امپریالیستی را گرفته بود، در اواخر دهه ۶۰ بیش از پیش ضرورت صدور سرمایه، صادر کردن وسائل صنعتی، گسترش دامنه عملیات سرمایه مالی را در کشورهای مستعمره و نیمه‌مستعمره مطرح میسازد. در این

گویه کشورها دیگر مجارب وسیع کالاهای امپریالیستی، وام‌ها (صدور سرمایه)، عملیات باکی و اصحاب مواد خام کفايت سود رو به نزول امپریالیسم را می‌سمايد. سرمابه مالی که از ابتدا با شدید صدور سرمایه در اشکال بولی و مجاری اش، در انجاد بازار داخلی نقش مهمی را ایفا مکرد. بطوریکه ایس سارار از سک طرف متکی به تولیدات صنعتی امپریالیستی است و بورژوازی مجاری آن از سر ما در منافع امپریالیسم شریک میباشد و از طرف دیگر در روند نوسعه خوبیش "بورژوازی مستقل و ملی" را از ابتدا نفی کرده است.

بورژوازی ملی در بازار سین‌المللی امکان موجودیت خوبیش را بمثابه سرمابه و ما دقیق‌تر جرباسی از سرمایه که خارج از این بازار عمل ممکن، از دست مبدهد. سه ریس سرمابه‌گذاری خارجی نسباً نضادهای درونی جامعه ابرا ن را سدت خشیدند. آساه‌مراء سایر فعالیت‌های امپریالیستی برای ایران بمثابه منابع انبیاشت عمل مینمودند اما انبیاشنی که مساع آن مرسوط به سورروازی جهانی است. در یک نگرش ساده و سطحی چنین انساشتی ممکن است اوله سه نظر نباید بلکه ادامه باز تولید جهانی سرمابه محسوب گردد، اما در نگرش عمیفتر و باشر بلا واسطه این عملیات معلوم میگردد، آنها نیز در رمه همان حوادثی هستند که در ایران:

"دهان کوچک را مبدل به کارگر مزدور میکند و وسائل کار و رندگی او را بصورت عوامل مادی سرمابه در می‌آورد و در عین حال بازار داخلی سرمایه را نیز ایجاد میکند."

بحران دهه ۶۰ تنها این روند را تشید میکند. در پایان دهه ۶۰ ایران کشوری است که در آن شهرها به مرکز سرگ مبادله نبديل شده‌اند. روابط سرمایه‌داری در آن رشد کرده است، بانکها مملو از پساندازهای شده است که به تولید کشیده نمی‌شوند. کارخانه‌داران و کارگاه‌داران بزرگ و کوچک که بازار را برای محدوده فعالیت خود کوچک می‌بینند، دست از تولید میکشند و بموازات این امر مبارزه دهقانان در روستاهای بر علیه مناسبات کهن وجود می‌آید. در این هنگام بحران ۱۹۵۷-۸ سیز گریبان امپریالیست‌ها را گرفته است.

جه در ایران و چه در میان امپریالیست‌ها، نغمه‌های از میان بردن مالکیت بزرگ و مناسبات کهن بگوش میرسد. از سوئی جنبش انقلابی رو به شکل

میرود و از دیگر سو امپریالیسم و بورژوا-بوروکراتها ، بورژوازی بزرگ به تضاد وضع موجود پی میبرند : این است بحرانی که در پایان دهه ۴۰ گریبان هیات حاکمه ایران را میگیرد . بورژوازی تجاری که تاکنون با بزرگ مالکان در وحدت عمومی بسر میبرد ، بورژوازی صنعتی و بوروکرات که در موقعیت حاکمیت نیز قرار داشت و امپریالیسم که بورژوازی کمپرادور ایران و همچنین ملاکان بزرگ بستگی داشت ، همگی در برابر منافع خود راهی جز پایان بخشیدن به فئودالیسم نمیبینند .

" سابقاً خانواده دهقانی وسائل زندگی و مواد خام را خود بوجود میآورد و روی آن کار میکرد و سپس قسمت اعظم آن را خود بمصرف میساند . این مواد خام و وسائل زندگی اکنون دیگر بصورت کالا درآمده‌اند . فارمدار بزرگ این مواد و وسائل را میفروشد و بازار خود را در مانوفاکتورها بدست میآورد . نخ ، کرباس ، پشمینه ، اشیائی که ماده خامشان در دسترس هرخانوار دهقانی بود و با رشتمن و بافتمن آن نیازمندیهای خود را رفع مینمود ، اینک بصورت اقلام مانوفاکتوری درآمده‌اند که همان بخش‌های روستائی ، بازار آنرا تشکیل میدهند . "

( مارکس - کاپیتال ، جلد اول ، صفحه ۶۷۷ )

اما این بازار در حالی بوجود میآید که فارمدار بزرگ‌ما ، مالکی است که تحت روابط‌کهن ، دهقانان را منقاد کرده و فئودالیسم همچنان جلو تبدیل کامل دهقانان را به موجوداتی در بازار میگیرد . اگر تولید صنعتی و مانوفاکتوری بطور کامل در ایران شکل نگرفته ، اما در عوض تولید جهانی سرمایه ، " نخ ، کرباس ، پشمینه " را می‌بافد و می‌ریسد . همه‌چیز بصورت اقلام مانوفاکتوری و فاکتوری در می‌آید که تا درون روستاهای بازار خود را تشکیل داده است . این بازار با یک ضربت با آخرین موائع که مقاومت ملاکان و فئودالها ، یعنی کسانیکه خود مدتهاست پای به بازار نهاده‌اند ، اما سرمایه را با اشکال اولی تولید و مالکیت ترکیب کرده‌اند ، میباشد ، برخورد کرده و آنرا از سر راه بر میدارد . بازار داخلی عملاً بوجود آمده است ، باید به آن رسمیت بخشید . در

اینجا نیز منافع سرمایه مالی که دچار بحران اضافه تولید خود است، عمل میکند: باید بازار داخلی توسعه یابد. "کار" قاطعانه مورد استثمار "سرمایه" واقع میشود. سرمایه تجاری این شکل بدی سرمایه د ررونده جامع گردش سرمایه به تبعیت از سرمایه صنعتی باید درآید.

"در روزگار ما برتری صنعتی برتری تجاری را به مرأه دارد."

در دوران مانوفاکتوری بمعنای اخص بعکس برتری بازرگانی

است که موجب سیاست صنعتی میگردد." (همانجا، ص ۶۸۳)

اما در اینجا سیاست سرمایه مالی، یعنی سرمایه‌ای که محصول تکامل و تمرکز سرمایه‌بطورکلی است، بر سیاست سرمایه‌تجاری، سیاست بازار واحد داخلی، بر فئوادالیسم و تولبد طبیعی برتری دارد. سیاست تولید صنعتی در رابطه و تبعیت از سرمایه مالی برهمه تلاشهایی که سرمایه‌تجاری برای حفظ و صیانت جهان کمی بکار میبرداستکه مقدرات تحول جامعه را تعیین مینماید.

پروسه انباشت اولیه سرمایه در ایران، پروسه شکل‌گیری بازار داخلی همانا تحت شرایط امپریالیستی صورت گرفته است. چه آنگاه که تجارت بسط میباشد، چه آنگاه که بورژوازی ملاک شکل میگیرد، چه آنگاه که در رابطه با تجارت داخلی انباشت در صنایع راه و حمل و نقل بمثابه شرایط سرمایه‌گذاری صورت می‌پذیرد و چه آنگاه که وامهای خارجی و بانکهای امپریالیستی فعالیت خود را بسط می‌دهند و سرانجام آن زمان که مستقیماً سرمایه مالی به تولید (سرمایه صنعتی) دست میزند، قوانین سرمایه‌مالی براین پروسه حاکم است.

آن رانه در مجرای ملی که مدت‌هاست با جهانی و امپریالیستی شدن سرمایه مسدود شده است، بلکه در رابطه با سرمایه با ترکیب ارگانیک و قدرت رقابت فوق العاده یعنی سرمایه انحصاری، شکل میبخشد. سرمایه‌داری است که رشد میکند، اما سرمایه مالی است که سمت سورا تعیین میکند! این است انباشتی که پیش از آنکه منافع خود را بیند و پیش از آنکه خود را بگستراند، منافع سرمایه مالی را در تولید و توزیع، در کلیه اشکال صنعتی، پولی و کالائی سرمایه تامین مینماید. این انباشت واقعی سرمایه است. سرمایه است که انباشت میشود و به همین معنا تقسیم کار اجتماعی میان صنعت و کشاورزی تجارت و آنگاه تقسیمات بمراتب پیچیده‌تر کار.

این تقسیم کار اجتماعی آنگویه که لنبن میگوید :  
”پروسه یایه و اساس سراسر بروسه اقتصاد کالائی و سرمابه -  
داری میباشد . نابراین کاملاً طبیعی است که تئوری دانان  
نارودنیک ما که اسن پروسه را ناشی از اقدامات تصنیعی و  
نتیجه یک ”انحراف مشی“ و امتالهم اعلام میکند -  
بکوشند حقیقت موجود تقسیم کار اجتماعی در رویسه  
(بخوان ایران) را قلب کرده و یا اهمیت آنرا ناجیز جلوه  
دهند . . . و اعلام میدارند تقسیم کار اجتماعی در این کشور  
از بطن زندگی مردم بیرون نیامده بلکه خواسته است از  
خارج خود را به آن تحمیل کند . ”

اما در عین حال این تقسیم کار (این بار) از آنجا که الیگارشی مالی منافع  
خود را در روند انباست اولیه سرمایه دنبال میکند، تقسیم کاری جهانی است .  
گسترش تولید و تقسیم کار اجتماعی ، نه در بازار محدود داخلی بلکه در بازاری  
جهانی روبه پیدایش میرود بآنکه پروسه‌ای تصنیعی یا خواسته‌ای تحمیل‌یار  
خارج باشد، بلکه بمقابل شرایط رشد این سرمایه‌داری، یعنی عصر امبریالیسم،  
این تقسیم کار پیش میرود . آینده این سرمایه‌داری از هم اکنون ، از خملت  
انباست اولیه در آن جدا نیست .

\*

\*

\*

## جلد دوم :

دولت و نقش تاریخی آن در ایران - انتقال به سرمایه‌داری  
وابسته